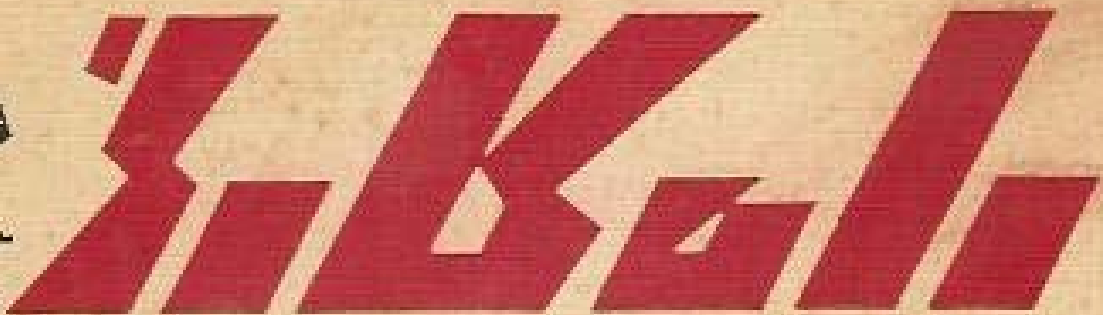




تئوریات



ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
**بابا علی : نکاتی پیرامون کنگره، بیست و هفتم حزب
کمونیست اتحاد شوروی**

- سوسیالیسم و مبین پرستی:
- در افشای سوسیالیسم مبین پرستانه سازمان فدائیان خلق!
- "انترناسیونالیسم" حزب کمونیست کومه له
- نکاتی پیرامون کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی
- سرمایه داری جهانی در بحران

xalvat.com



فهرست مطالب

صفحه

xalvat.com

● سوسیالیزم و میهن پرستی:

- درافشای سوسیالیزم میهن پرستانه سازمان فدائیان خلق ۱ بابا علی ۵
- "انترناسیونالیزم" حزب کمونیست کومله لسه ۵۱ سارا - محمود
- فصل اول : "انترناسیونالیزم پدرسالار" ۵۷
- فصل دوم : رد سوسیالیسم در یک کشور ۶۸
- فصل سوم : ستیز با جنبش های ضد سرمایه داری در کشورهای زیر سلطه ۸۳

● نکاتی پیرامون کنگره بنیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

بابا علی ۱۰۳

- فصل اول : صلاح اساسی داخلی کدام است؟ ۱۰۵
- فصل دوم : توسعه روابط کالائی - پولی و حقوقی بورژوائی در اتحاد جماهیر شوروی ۱۱۴
- فصل سوم : دموکراتیک کردن بیشتر جامعه و خودگردانی سوسیالیستی ۱۳۵
- فصل چهارم : درباره مفهوم سوسیالیزم پیشرفته ۱۴۲
- فصل پنجم : مناسبات کشورهای سوسیالیست و احزاب کمونیست ۱۴۶
- فصل ششم : صلح و استراتژی سیاست خارجی ۱۵۹
- فصل هفتم : تغییرات اساسنامه ای ۱۶۸

● سرمایه داری جهانی در بحران

ر. فراهانی ۱۸۳

- فصل اول : پایان رونق ۱۸۴
- فصل دوم : تشدید تضادات درون امپریالیست ها ۲۰۵
- فصل سوم : بحران جهانی و کشورهای تحت سلطه ۲۱۵



نکاتی پیرامون کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

xalvat.com

بابا علی

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست شوروی از اهمیت ویژه و جایگاهی خاص در تاریخ تحول حزب کمونیست شوروی و مسیر ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی برخوردار است . موضوعات اصلی که کنگره درباره آنها اتخاذ تصمیم نمود ، اساساً بوسیله گورباچف دبیرکل حزب در طی گزارش سیاسی (*) به کنگره تشریح شد . این موضوعات پیش از برگزاری کنگره نیز در مجامع و نشستهای گوناگون به صورت مختلف توسط کمیته مرکزی ، کادرها و اعضای حزب مورد بحث واقع شده ، توجه اکثریت خلقهای شوروی را به خود جلب نمود و بود . پلنوم های ژوئن و آوریل کمیته مرکزی ، انتشار طرح برنامه نوین حزب ، ابزارهای اصلی تدارک عمومی کنگره بودند . گزارش اقتصادی نیکلای ریژکف (نخست وزیر) و سخنرانی ایگور لیگاکف (عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی ، مسئول امورایدئولوژیک حزب) در کنگره نیز بیش از همه به روشنائی خطوط عمومی گزارش سیاسی یاری رساند . از این رو مهمترین سند برای ارزیابی مسائل اصلی مطروحه در کنگره ، گزارش سیاسی می باشد . بدین لحاظ مانع از این سند را بعنوان مرجع اصلی برگزیده ایم .

در مقاله حاضر ، قصد ما این است که مختصراً مضمون و جهات اصلی همگیری نوین کنگره ۲۷ حزب کمونیست شوروی را مورد بررسی قرار دهیم و از این رو به تحلیل یک رشته مسائل مهم دیگر از قبیل نحوه تدارک و برگزاری کنگره و تغییرات اخیر در سطح رهبری حزب و دولت شوروی میادرت نکردیم . همچنین ضرورت تمرکز مقاله حول (*) از این پس برای تلخیص از عبارت " گزارش سیاسی " به جای " گزارش



xalvat.com

سیاسی ح . ک . ا . ش " استفاده می کنیم .

اساسی ترین موضوعات ، به ناگزیر ما را از برداختن به مسائل متعدد دیگری که علی رغم اهمیت و اثر خود از وزن تعیین کنند های د ر تشخیص راستای اصلی کنگره ۲۷ برخوردار نیستند ، منصرف نمود .



فصل اول: اصلاح اساسی داخلی کدام است؟

xalvat.com

دومین بند گزارش سیاسی عنوان " مئی استراتژیک : شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور" را بر خود دارد . در مقدمهٔ این فصل پیرامون اهمیت شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور گفته شده است که : " شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور کلید حل همهٔ معایل ماست : مبرم و درازمدت ، اقتصادی و اجتماعی ، سیاسی و بینشی ، داخلی و خارجی . " (۱) به واقع نیز کلیهٔ مطالب در همین نکته نهفته است . زیرا پرولتاریای اتحاد جماهیر شوروی پس از درهم شکستن طبقات استثمارگر بورژوا و ملاک و برقراری حاکمیت خود ، اساساً با وظیفهٔ بنیای پایهٔ اقتصادی دیکتاتوری پرولتاریا یعنی ساختمان بنیاد های کمونیستی روبروست و بنا به گفتهٔ لنین : " در این رشته عمده ترین و اساسی ترین کار هنوز به پایان نرسیده است . و حال آنکه این واقعی ترین کار ما و آنها هم واقعی ترین کار ما خواه از نقطه نظر اصولی و خواه از نقطه نظر عملی و خواه از نقطه نظر جمهوری فد راتیو شوروی سوسیالیستی روسیه کنونی و خواه از نقطه نظر بین المللی است . " (۲) بدین لحاظ نیز کلیهٔ اصلاحات می باید از نقطه نظر این وظیفه یعنی ساختمان سوسیالیزم مورد و ارسی قرار گیرند . در واقع نیز تمام اهمیت ویژهٔ کنگره ۲۷ د ر آن است که یک رشته اصلاحات را در حوزهٔ تحکیم پایه های اقتصادی ، فنی و تکنولوژیک سوسیالیزم د ر اتحاد جماهیر شوروی پیش می کشد . مبنای مادی این اصلاحات کدام است ؟

لنین د را وایل دههٔ بیست قرن حاضر ، سوسیالیزم را بطور خلاصه چنین تعریف کرد : الکتریفیکاسیون بعلاوهٔ حکومت شوروی ! این عبارت مؤجز ، متضمن حقیقتی بزرگ است . سوسیالیزم تنها بر پایهٔ عالیت ترین کلام تکنیک می تواند تحقق یابد . د را وایل قرن



بیستم یعنی بهنگام انقلاب تکنولوژیک د و م که اساسا متکی بر الکترونیکاسیون بود ، سوسیالیزم می باید از لحاظ اقتصادی برپایه کار بست د ستاورد های فنی و مادی این انقلاب بنا می شد . اگر از لحاظ فنی این انقلاب با الکترونیکاسیون مترادف بود ، از نقطه نظر زمان اجتماعی کار و روشهای مدیریت این تحول مقد متا بتیلوریسم و سپس فور دیسم متناظر بود . حکومت شوروی می باید شکل و پوسته سرمایه دارانه ایسن د ستاورد های فنی ، تکنیکی و اداری را بد و ر افکند و هسته انقلابی آن را برپایه نظام شوروی به کار گیرد . این نقشه ساختمان سوسیالیزم د را وایل قرن حاضر بود که به توسط xalvat.com لنین تشریح گردید .

اما امروزه دیگرسوسیالیزم با الکترونیکاسیون بعلاوه حکومت شوروی مترادف نیست ، هر چند که منطق این اظهار نظر لنین به قوت خود باقی است . اکنون یعنی در عصر انقلاب تکنولوژیک سوم ، سوسیالیزم با اتوماتیزاسیون (کامپیوتر و الکترونیک) بعلاوه حکومت شوروی می تواند تعریف شود و بد و ن کار بست گسوده نتایج این انقلاب و به همراه کلیه تغییرات ناشی از آن د رسا زمان اجتماعی کار واداره تولید ، نمی توان از تحکیم پایه های اقتصادی د یکتاتوری پرولتاریا کلا می سخن به میان آورد . وظیفه کار بست پیگیرانه نتایج این انقلاب علمی و فنی عظیم د ر اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی از هنگام کنگره بیست و چهارم حزب و تصویب برنامه پنجساله نهم اقتصادی د رساله های ۷۵ - ۱۹۷۱ د ر مقابل حزب کمونیست شوروی قرار داشت ، اما این وظایف بد لایل متعددی که د ر ادامه خواهیم دید ، نتوانست صورت پذیرد . کنگره ۲۷ دقیقاً ایسن وظیفه را که د ر دهه ۷۰ طرح شده اما پاسخ خود را نیا فته بود ، د ر برابر خود نهاد و برای تحقق آن اعلام آمادگی نمود و این د رست نقطه قوت و مثبت کنگره ۲۷ می باشد . باید با صراحت اعلام کرد (و این صراحت د ر لحن گورباچف د بیرکل حزب کاملا وجود داشت) که بد و ن انجام این وظیفه هیچ آیتند روشنی برای سوسیالیزم د ر اتحاد جماهیر شوروی وجود نخواهد داشت .

رشد ماشین های نسل نوین و صرفه جوئی عظیم سالیانه ناشی از آن ، کاربرد وسیع کامپیوترها و اتوماتیسم همه جانبه تولید ، نوسازی بنیادی مجتمع سوخت و انرژی ، شتاب بخشیدن به رشد الکترونیک ، د گرگونی کیفی ترابری و ارتباطات و رشد آن د سته از صنایع سبک که مستقیماً پاسخگوی نیازهای مصرف کنندگان هستند ، تمام به عنوان



جزئی از برنامه عمقی کردن همه جانبه تولید بجای تأکید بر توسعه عرضی تولید د رگزارش سیاسی منظور شده اند . اما رشد نیروهای مولده د قیقا با تغییرات د مناسبات تولید ملازم است و دومی به توسط اولی مشروط می گردد . بعلاوه تطابق مناسبات تولیدی با نیروهای مولده د ردوران سوسیالیزم بصورت خود بخودی حاصل نمی شود . این د ر عین حال به معنای جایگزینی روشهای نوین مدیریت اقتصاد د باروشهای کهنه مدیریت است و د قیقا بدین لحاظ امر تحقق بخشیدن به برنامه عمقی کردن همه جانبه تولید د ر اتحاد جماهیر شوروی مستلزم یک رشته اصلاحات د روشهای مدیریت اقتصادی و برطرف کردن برخی موانع بوده است که د طی دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد انباشته گردیده بودند . این موانع کدام بوده اند و برنامه مقابله با آنها که د رکنگره ۲۷ تشریح شده ، کدام است ؟

گورباچف چند نمونه شاخص از این موانع را د رگزارش خاطرنشان می کند . اولین نمونه : " مواردی مضطرب کننده و به هیچوجه اتفاقی از اقدامات وزارتخانه ها و ادارات دیده می شود که تأسیساتی را زیرلای نوسازی برپا ساخته و د رون آنها را پوزا بازار کهنه می نمایند یا طرحهای پرخرجی تنظیم می کنند که تضمینی د رآنها برای ارتقای تولید به سطح بالا ترفنی - اقتصادی دیده نمی شود . " (۳) د راین عبارات ، ظاهرسازی وحیف و میل های مدیران و برخی مقامات دولتی ، عدم عقلانی بودن تولید ، فقدان صرفه جوئی و نتیجتاً مقرون به صرفه نبودن تولید د ر بسیاری از واحدهای تولید مورد نقد واقع شده اند . اشاره بدین نابسامانی ها برای محکوم کردن چه چیزی عنوان شده اند ؟ کافی است به مسیر اصلاحات اقتصادی از سال ۱۹۶۶ یعنی کنگره ۲۳ حزب کمونیست شوروی د یونسونگاهی اجمالی بیفکنیم تا جهت انتقاد روشن گردد .

د رسال ۱۹۶۶ یعنی بهنگام کنگره ۲۳ حزب کمونیست شوروی یک رشته اصلاحات اقتصادی د رآمرم مدیریت اقتصادی به تصویب رسید که مشمول بخشی از کارخانه ها و صنایع می شد . این اصلاحات نه تنها مورد انتقاد کنگره ۲۷ نبود ه اند بلکه کنگره ۲۷ ، هدف تکمیل و بسط گسترده تر این اصلاحات را د ربرابر خود نهاد ه است و بدین لحاظ نیز گورباچف انتقادات خود را متوجه دهه هفتاد (ونه شصت) و اوایل دهه هشتاد می نماید . اصلاحات مصوبه سال ۱۹۶۶ عبارت بودند از : (۱) تجدید سازمان مدیریت برپایه اصل رشته ای . (۲) بهبود مطلوب (اپتیمم) سیستم برنامه ریزی ،



بسط استقلال و قوه ابتکار مجامع بنگاهها را مرتد وین و اجرای برنامه‌ها (۳) ارائه حسابداری اقتصادی کامل و گسترش حقوق بنگاهها برآن اساس (۴) تقویست و گسترش مناسبات قراردادی بین بنگاهها، و برقراری ارتباط بلند مدت منطقی بین آنها (۵) بهره‌برداری عمیق‌تر و کامل‌تر از مزایا و منابع اقتصادی نظام اقتصادی سوسیالیستی و اهرم‌های اقتصادی همچون قیمت‌ها، دستمزدها، پاداشها، سودها، اعتبارات، اجاره و غیره (۶) **xalvat.com**

در سالهای پیش از این اصلاحات، ارگانهای عالی دولتی کلیه جزئیات فعالیت اقتصادی بنگاهها را تعیین می‌نمودند، و طبیعتاً این امر قوه ابتکار آنها را محدود می‌کرد. اکنون به بنگاههایی که به سیستم جدید مدیریت تعلق داشتند، تنها حد اقلی از شاخصهای کلیدی که بر اساس برنامه‌ریزی اقتصادی ملی تعیین می‌شد، تحمیل می‌گردید. این روش به مدیران و کارکنان بنگاهها آزادی عمل می‌داد و آنان را مسئول کامل میزان و چگونگی تولید می‌نمود. پیش از شروع اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۶۶، مدیران دارائی‌های ثابت خود را بطور رایگان دریافت می‌داشتند. این امر باعث می‌شد که آنان جهت صرفه‌جویی روی سرمایه‌گذاری‌ها و استفاده مؤثرتر از تجهیزات و ماشین‌آلات انگیزه‌ای نداشته باشند. دارائی‌های در گردش نیز خارج از بودجه کشور ارائه می‌شد. پاداش‌ها عمدتاً بر اساس بازده بالاتر از سطح تعیین شده برنامه پرداخت می‌گردید. نتیجتاً مدیران برای اخذ پاداش به سبب اعلام تولید بالاتر از سطح مقرر شده، ظرفیت واحد را بسیار پایین‌تر از حد معمول اعلام کرده و به پنهان‌سازی ذخایر (انبار کردن) و منابع داخلی بنگاه تمایل نشان می‌دادند. اصلاحات اقتصادی به تأمین مالی بدوین بازپرداخت بودجه سرمایه‌گذاری‌ها پایان داد. اکنون حجم بازده یا فروش تعیین می‌شد، قیمت‌های عمده‌فروشی با مخارج واقعی کار اجتماعاً لازم تطبیق داده می‌شد و پرداخت‌های بنگاه‌ها به بودجه دولت، حالا با ارزش دارائی‌های تولیدی اعطای می‌شد به آنها متناسب بود. متصل کردن دارائی‌ها و پاداشهای مدیران و کارکنان هر مؤسسه به فروش محصولات، با اصلاحات ۱۹۶۶ مطرح گردید، اما در دهه هفتاد چندان توسعه‌ای نیافت.

انتقاد گورباچف به ظاهر سازی در وزارت خانه‌ها و ادارات و برگردن ابزار



کهنه در مؤسسات " تحت عنوان " نوسازی " ، اساساً متوجه بسط حسابداری هزینه‌ها ، تحکیم اصل افزایش بهره‌وری یکایک بنگاه‌ها ، منفصل کردن هرچه بیشتر پاداش‌ها و اداری‌های مؤسسات به فروش محصولات و کاربست مؤثرتر روش‌های بررسی سود و زیان مؤسسات است .

xalvat.com

حالا به دو مین نمونه بپردازیم : " بسیاری کشفیات علمی و اختراعات عمده سالها راه به کاربرد عملی نبرده و گاهی این زمان دهها سال طول می‌گشت . " (۵)
 و مثال : عدم کاربست کشف دانشمندان شوروی در مورد تأثیرات غیراصطکاکی ، بلبرینگ ضد اصطکاک و عدم تولید موتورهای ویژه هیدرولیک ! دلیل این رکود در کاربست اختراعات نوین و تکنیک‌های جدید کدام است ؟ گزارش سیاسی چنین اظهار نظر می‌نماید : " این زاویه برخورد به اختراعات تازه ، مکرراً ناشی از جاه‌طلبی‌های گروه‌های جداگانه دانشمندان ، ضدیت‌های ادارات با اختراعات " دیگران " ، و نبود تمایل مدیران به کاربرد آنها است . همه می‌دانند که حتی آزمایش کاربست اختراعات گاهی سالها دچار رکود می‌گردد . " (۶) و نیز : " بسیاری مؤسسات از این دست (مؤسسات پژوهش شاخه‌ای - نویسنده) هنوز چیزی بیش از ضمیمه‌هایی از کارکنان به وزارت خانه‌ها نبوده ، مکرراً به پشتیبانی از منافع شعبه‌ای برخاسته و در کلاف کاغذ بازی و مراسم گیرکرده‌اند . " (۷) بنابراین دلائل این رکود را باید در منافع بوروکرات‌ها ، مدیران و گروه‌های جداگانه دانشمندان در حفظ وضع موجود ، کسب درآمد‌های " بی‌درد سر " ، بده و بستان‌های متقابل برپایه روابط رسته‌ای ، صنفی و اداری ، امتیازات مادی ویژه و رقابت‌های تنگ‌نظرانه جستجو کرد . و البته هرگام به جلو در انباشت سوسیالیستی با این بوروکراسی در تعارض قرار می‌گیرد .
 در این مورد کافی است به یک رشته قوانین خاص انباشت سوسیالیستی در هریکسش اقتصاد ، منجمد در صنعت توجه نمائیم تا روشن‌تر به دلائل پیدایش دوره‌ای تضاد بوروکراسی با رشد تولید سوسیالیستی آگاهی یابیم . از جمله قوانین مذکور می‌توان از (۱) تمرکز تولید سوسیالیستی یعنی : بزرگتر شدن مؤسسات و کارگاه‌ها و بخش‌های تولیدی برای دستیابی به حد مطلوب ، (۲) روند ترکیب واحد‌های تولیدی به‌شماره یک‌گرایش اساسی جهت استفاده کامل از مواد خام ، (۳) تخصیصی شدن تولید و کاهش تنوع کالاهائی که در یک مؤسسه تولید می‌شوند ، (۴) همکاری مجموعه‌ای از



مؤسسات د رتولید یک محصول تمام شده ، ۵) رشد سریعتر بارآوری کارنسبت به افزایش متوسط دستمزدها ، ۶) ارتقاء منظم سطح فرهنگی و فنی کارکنان و افزایش تخصص د تربیت نیروی کار ماهر ، ۷) اعتلای سطح تکنولوژیک تولید ، نام برد . این قوانین هم اکنون نیز بوضوح اهمیت خود را آشکار می نمایند . د رکنفرانس کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی مورخ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۵ ، گورباچف ضرورت تشکیل مجتمع های بزرگ صنعتی و مدیریت واحد د سطح چنین مؤسسات عظیم ، ادغام فزاینده تر علم ، تکنولوژی و تولید ، و ایجاد مراکز د رین شاخه های علمی را مطرح کرد (۸) و این مسئله د برنامه نوین حزب کمونیست شوروی و گزارش سیاسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است . واضح است که چنین سطحی از تمرکز د رتولید و مدیریت و وابستگی هرچه بیشتر صنایع مختلف د ر امرتولید محصولات واحد د سطح برنامه ریزی ملی با منافع شعبه ای و رسته ای مدیران و متخصصان د ر تعارض قرار می گیرد و زمینه مادی لازم رابرای تضعیف انحصار علمی گروه های جداگانه متخصصین فراهم می آورد . و اما طرح این تضاد د رکنگره ۲۷ متضمن کدام پاسخ است ؟

بطور خیلی ساده و روشن حرف اصلی کنگره ۲۷ این است که مؤسسات غیر کارا نباید خرج " تنبلی " و عدم کارایی خود را از جیب د ولت ود رواقع مؤسسات کارا و "زنگ" بهردازند . لازمه این امر کاربست وسیعتر حسابداری هزینه ها ، تقویست مشوق های مادی ، گسترش بازار ، تأمین استقلال مالی مؤسسات و به یک کلام بسط و تحکیم اصل افزایش بهره وری یکایک بنگاه ها است . این موضوع راد ر حوزه های مختلف اقتصاد د ر نظر گیریم .

xalvat.com

د ر عرصه کشاورزی ، وظیفه اصلی تعیین شده عبارتست از چیرگی بر عقب ماندگی کشاورزی از طریق توسعه مجتمع های صنعتی - کشاورزی و خود مختاری گسترده تر مزارع تعاونی و د ولتی ، پاداش بیشتر و مسئولیت بیشتر آنان د رقبال حاصل کارشان . این مشی د رعین حال ادامه سیاست آندروپوفه مبنی بر اجازة دادن بیشتر به باغداری خصوصی می باشد . د ر این حوزه گزارش سیاسی برکاربست " خلاقانه اندیشه مالیات مواد غذایی لنین د ر شرایط امروزمین " (۹) تأکید دارد . د ولت طرح های ثابتی برای خرید سالانه محصولات از مزارع تعاونی و د ولتی د ر طی برنامه پنج ساله ارائه خواهد داد و همزمان با آن ، مزارع این فرصت را خواهند یافت ، تا

چنانچه تشخیص دهند ، تمام محصولات تولید شده بیش از برنامه را مورد استفاده قرار دهند . مزارع می توانند این محصولات را علاوه بر سهمیه خود به دولت بفروشند ، یا آن را بصورت تازه یا پرورده ، به تعاونی ها بفروشند و پایه هر مصرف دیگری کسسه می خواهند از قبیل ذخیره اضافی شخصی ، برسانند . اما استقلال مالی مزارع تقویت می گردد و حسابداری مؤثر هزینه ها ، همراه با وابسته شدن درآمد مؤسسات به نتایج نهائی فروش محصولات ، به مقررات حاکم بر روابط مجتمع کشاورزی - صنعتی و در درجه اول مزارع تعاونی و دولتی بدل می گردد . همچنین نظام های پرداخت اخست قراردادی و مورد به مورد در سطح تیم ها ، گروه ها و خانواده های که زمین و وسائل تولید برای مدتی معین و مطابق قرارداد به آنها تحویل می گردد ، معمول خواهد شد .

در حوزه نظام مالی ، کنگره بر آن است که نظام مالی در حال حاضر کارآیی بیشتر اقتصادی را به طور کامل موجب نمی شود . شیوه معیوب باز تقسیم درآمد ، همراه با زیان های مؤسسات ، وزارتخانه ها و مناطق واپس مانده که به هزینه نهائی که کار سود آوری می کنند جبران می گردد ، دامنه وسیعی یافته است . این امر ، حسابداری هزینه ها را کاهش بخشیده ، وابستگی را ترویج می کند و به تفاضلهای بی پایان کمک از مرکزیت دامن می زند . در این مورد نیز مشوق های اقتصادی ، تحکیم گردش پول و حسابداری هزینه ها بعنوان بهترین نظارت ممکن توصیه می شود و تخییرات در نظام مالیات بر سود ، کسری از سود و دیگر پرداخت ها بهبود چه عنوان می گردد .

در حوزه تعیین قیمت ها ، برخصائل مصرفی کالاها و درجه پاسخگویی آنها به نیازهای اجتماع و مصرف کننده ، تأکید می شود و استفاده وسیع از سقف قیمت ها و قیمت های قرار دادی توصیه می گردد .

در حالت وزارتخانه ها در جزئیات منع می شود و بر استقلال واحد های تولیدی تأکید می گردد در بنحویکه وزارتخانه ها باید توجه خود را به سیاست فنی ، تناسبهای بین شاخه ای و نیازهای اقتصاد ملی به محصولات درجه یک از طریق صنایع تابع خویش معطوف نمایند و مؤسسات و سازمان ها باید از حق فروش مستقیم تولید ماژاد برنامه و مواد خام و دیگر وسائل ماژاد بر احتیاج خود و غیره به یکدیگر برخوردار باشند . آنها همچنین قانوناً از حق چنین فروشهایی به عموم برخوردار خواهند شد . بنابراین بازار برای مؤسسات منفرد تولیدی گسترش می یابد .



د رجوزه تولید کالا های مصرفی و خدمات ، خود مختاری بیشتری داده میشود . هدف از این اقدام آن است که آنها سریعاً در برابر تقاضای مصرف کنندگان واکنش نشان دهند . دامنه اهدافی که برای این دسته از مؤسسات از بالا تعیین می گردد ، به سرعت محدود خواهد شد و برنامه های آنها عمدتاً با اتکاء به قرارداد هایشان با سازمان های بازرگانی تنظیم خواهد گردید .

xalvat.com

در زمینه دستمزدها نیز این سیاست در پیش گرفته خواهد شد که حجم پرداخت دستمزد هر مؤسسه باید مستقیماً به درآمد حاصل از فروش تولیداتش مربوط گردد . بدین سبب که " این می تواند به تولید و عرضه کالا های نامرغوب که برایشان تقاضایی وجود ندارد ، یا آن طور که معروف است ، برای انبار کردن تولید می شوند ، پایان دهد ما نمی توانیم بیش از این وضعیتی را تحمل کنیم که کارکنان مؤسسه های کالا های بی مصرف تولید کرده ، زندگی بی دغدغه ای را بگذرانند ، حقوق کارمندان را بگیرند ، و از منافع و امتیازاتی هم برخوردار گردند . حقیقتاً چرا باید پول خرج تولید کالائی کنیم که کسی آن را نخورد ؟ نباید فراموش کرد که فقط هسرر آن نصیبمان می شود " (۱۰) برای نخستین بار در تاریخ حزب کمونیست شوروی ، افزایش نرخ دستمزد و حقوق پایه کارکنان کارخانه ای و دفتری د رجوزه های تولیدی که در برنامه پنجساله دوازدهم در نظر گرفته شده است ، عمدتاً برپایه ود ر چهارچوب اعتبارات کسب شده خود مؤسسه حساب خواهد شد .

تمامی اصلاحات مذکور حول یک سؤال محوری متمرکز شده اند : جایگزینی شیوه های نوین مدیریت به جای شیوه های کهن برپایه توسعه روابط کالائی - پولی د ر چهارچوب اصول رهبری برنامه ریزی شده . توسعه روابط کالائی - پولی ، بویژه در محدود کردن مداخله ارگان های مرکزی دولتی د ر امور جاری بنگاهها ، افزایش خود مختاری بنگاهها ، متصل کردن درآمد بنگاهها به میزان فروش ، افزایش استقلال مالی و اعتباری آنها و تابع کردن امرا افزایش (و حجم کل) دستمزدها به د رآمدهای مؤسسه منعکس است . به عبارت دیگر ، مالکیت اجتماعی برابر بازار تولید و برنامه ریزی مرکزی به قوت خود باقی می ماند ، اما حق بهره برداری از منافع مؤسسه فراتر از سطح برنامه به کارکنان مؤسسه تعلق می گیرد و علاوه بر این اجناس تولیدی نیز بعضاً به د اثره روابط کالائی - پولی وارد می شوند ، افزایش رقابت سوسیالیستی ، تقویت



مشوق‌های اقتصادی، حسابداری، مؤثرتر هزینه‌ها و بالا تر از همه تحکیم و توسعه
اصل افزایش بهره‌وری یکایک بنگاه‌ها و ایجاد بازار برای کالاهای تولیدی،
 ابزارهای مقابله با عدم کارآئی اقتصادی برخی از بنگاه‌ها و منافع و امتیازات
 شعبه‌ای، ناحیه‌ای، اداری و رسته‌ای مدیران و متخصصین محسوب می‌شود.
خلاصه آنکه مکانیزم‌های بازار برای روشن‌کاری دستگاه برنامه‌ریزی دولتی و انحصار
متمرکز دولتی تجویز گردیده است. این اصلاح اساسی داخلی است که گورباچف
 برای کاربست پیگیرانه نتایج انقلاب تکنولوژیک سوم و عمقی کردن همه‌جانبه تولید
 مد نظر دارد.

xalvat.com



فصل دوم:

توسعه روابط کالائی - پولی و حقوقی بورژوائی در اتحاد جماهیر شوروی

xalvat.com

همانطوریکه فوتا ملاحظه کردید ، کنگره ۲۷ به غصلت غیرکارا ، جبونانسه و انگلی بیوروکراسی که از نقطه نظر تحقق بخشیدن به امر عمقی کردن همه جانبه تولید مطلقا غیر ضروری و ارتجاعی است ، اعلان جنگ می دهد ، و برای فائق آمدن بر آن توسعه روابط کالائی - پولی و دامن زدن به رقابت و مکانیزم های بازار را تجویز می نماید . اما این انتقادات بهیچوجه متوجه نفس امتیازات ویژه مدیران و متخصصان و نابرابری های دائمی التزاید درآمد کارگران با بخشهای صاحب امتیاز نیست بلکه سیاست نوین با زهم بیش از همه متوجه پرسنل حرفه ای و مدیرانست شوروی ، فورمن ها ، کارشناسان و حسابداران و اقتصاد دانان ، مهندسیین ، عاملین دولت و به یک کلام آپارات علمی ، فنی ، اقتصادی و تولیدی دولت است . سیاست نوین ، تنها منافع و امتیازات ویژه لایسه ممتاز جامعه شوروی را به نحو مستقیم تری به مکانیزم های بازار متصل می کند و از اهمیت اختیارات دولتی و امتیازات اقتصادی ناشی از دسترسی به مقامات دولتی برای کسب درآمد های "بی - درد سر" می کاهد . در نتیجه این تحول حتی درآمدها و منجمله ذخیره های نقدی و سایر جوائز بر پایه لیاقت فردی و تیمی برخی از پرسنل حرفه ای و مدیرانست ، اداره کنندگان تعاونی ها و صاحبان باغهای خصوصی در شوروی افزایش خواهد یافت .

این حقیقتی است که توسعه روابط کالائی - پولی در برخی از حوزه های اقتصاد شوروی امروزه امری کاملا ضروری است (و ما این مطلب را پائین تر مورد مطالعه قرار خواهیم داد) ، اما نباید بهیچوجه بر تناقضات ناشی از توسعه این روابط ، تشدید برخی از نابرابری های اجتماعی در حوزه توزیع درآمد ملی ، تحت عناوینی از قبیل تضمین منافع "عموم خلق" سرپوش نهاد و از کار گرفتن کلیه



اقدامات لازم برای ارتقاء سطح زندگی کل طبقه کارگر (و نه فقط گروههای جداگانه کارگران) ، بهبود دستمزدها و کاهش ساعات کار صرفنظر کرد . به عبارت دیگر مشوقهای مادی باید مقدم بر همه کارگران و افزایش سطح مصرف عمومی تولیدکنندگان مستقیم را مدنظر قرار دهد و نه آنکه مقدم بر همه متوجه اتصال منافع و امتیازات ویژه پرسنل حریف و مدیریت به مکانیزمهای بازار باشد . این بمعنای نحوه متفاوتی از بکارگرفتن مکانیزمهای بازار و تکمیل آن به واسطه یکرشته اقدامات دیگر در جهت کاهش نابرابریها در حوزه توزیع درآمد اجتماعی است .

xalvat.com

قبل از آنکه این موضوع را از نقطه نظر تئوریک مورد واکاوی قرار دهیم ، لازم می دانم به ذکر چند واقعیت ارائه شده در گزارش سیاسی رجوع نمایم .

هم در گزارش سیاسی و هم در طرح برنامه جدید حزب کمونیست شوروی ، از انهدام طبقات استثمارگر بورژوا و ملاک در اتحاد جماهیر شوروی و تحول بعدی دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری خلق سخن گفته شده است . زوال یافتن خصلت سرکوبگر دولت در سطح داخلی و ضرورت وجود دفاع نظامی در مقابل تهاجمات احتمالی پیرامون امپریالیستی و مقابله با جاسوسها مورد تأکید واقع شده و با این همه چنین اظهار نظر گردیده است که : " تکامل و تجدید تقویت دولت سوسیالیستی شوروی ، تکامل هرچه بیشتر خصلت دموکراتیک آن ، و خصلت کاملاً خلقی دولت ، مسئله کلیدی سیاست حزب را تشکیل می دهد . " (۱۱) اما چرا باید دولت سوسیالیستی شوروی علیرغم امحای طبقات و " تضعیف هرچه بیشتر امتیازات طبقاتی " با زهم " تقویت " گردد ؟ ! آیا مقابله با تجاوزات و اقدامات جاسوسان خارجی (که یک حقیقت انکارناپذیر است) تنها عامل توضیح دهنده " تقویت " دولت است ؟ آیا وجود دولت سوسیالیستی ، " تقویت " با زهم بیشتر آن و الصاق خصلت " خلقی " بدان مبین هیچگونه ضرورت داخلی در بطن مناسبات اجتماعی جامعه شوروی نیست ؟ در مقابل این پرسش ، پاسخ صریحی وجود ندارد ، تنها در بنسب مربوط به " بهبود مداوم سطح زندگی مردم ، پیشبرد پیگیر عدالت اجتماعی " در گزارش سیاسی ناگهان با این واقعیت روبرو می شویم که : " مبارزه با درآمد های غیرقانونی ، یکی از وظائف مهم دولت سوسیالیستی است . امروز باید اعتراف کنیم که گروهی افراد بدلیل کاهش نظارت و برخی علل دیگر ، با ذهنیت مالاندوزی و سرخسورد



اهانت بار به منافع اجتماعی پیداشده اند . . . ضروری تشخیص داده می شود که سه بلافاصله اقدامات فوق العاده برعلیه انگل ها ، دزدان اموال سوسیالیستی ، رشوه خواران ، و همه آنان که راهی بیگانه با طبیعت کارسالا و نظام مای رونسند ، صورت پذیرد . . . ما باید در عین مبارزه با درآمد های غیرقانونی ، اجازتند همسایه برکار آنان بیفتد که صادقانه می گویند درآمد بیشتری داشته باشند . " (۱۲) بنابراین این دولت نه تنها بدلیل مبارزه علیه جاسوسان خارجی بلکه همچنین بدلیل مقابله با دزدان داخلی نیز ضرورت دارد . و اما این "دزدی ها" و "رشوه خواران" صرفاً از یک "ذهنیت" نادرست نشأت می گیرند و یا زمینه آنرا باید در رنفس روابط پولی - کالائی ، بهره مندی ویژه بوروکراسی از انحصار دولتی ، تشدید حقوق بورژوازی در حوزه توزیع و بنابراین رشد نابرابری های اجتماعی جستجو کرد ؟ و اگر "درآمد های غیرقانونی" صرفاً از تلاش های موزیانه افراد ناباب نشأت نمی گیرند بلکه باید آن را در برخی روابط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی (و فراموش نباید کرد که دولت در اتحاد جماهیر شوروی صرفاً یک روبنای سیاسی نیست بلکه یک عامل مسلط در تجدید تولید و بنابراین جزئی از روابط اجتماعی تولید است) جستجو کرد ، در آن صورت آیا نباید این موضوع را در مرکز بررسی قرار داد که چگونه "درآمد های غیرقانونی" نه صرفاً از تلاش های افراد ناباب و شریر بلکه از تلاش های کسانی که صادقانه می گویند درآمد بیشتری داشته باشند "نشأت می گیرد ؟ حقیقت این است که طبقات استثمارگر بورژوا و ملاک و استثمار سرمایه داری در شوروی از بین رفته اند اما امتیازات و منافع رسته ای ، اداری ، محلی ، شعبه ای ، گروه بندی های ممتاز و نیز تصاحب و انحصار بخشی از اضافه محصول "بدون انجام کار" (از جمله به سبب تسلط بر روند بهره برداری انفرادی از تولیدات هر مؤسسه "فرا تر" از سطح تعیین شده برنامه برپایه روابط کالائی - پولی ، و تقویت خصلت بورژوازی انحصار دولتی به دلیل فقدان کنترل مؤثر توده های برارگان های مدیریت و دستگاه اداری دولتی) در این جامعه از بین نرفته اند . دقیقاً ادامه مناسبات پولی - کالائی ، وجود نابرابری های اجتماعی است که خواهان محافظت خود در دستگاه دولتی نیز می باشد تا از امتیازات خود پاسداری کند و از اینجاست ایدئولوژی دولت "خلق" و "تقویت بازهم بیشتر دولت" نشأت می گیرد . سازش دادن مارکسیسم با "اومانیزم" نیز جلوه دیگری از این حقیقت در سطح روبنای جامعه



است که امروزه در کلیه ادبیات اتحاد جماهیر شوروی و منجمله طرح برنامه جدید و گزارش سیاسی رواج یافته است. برای روشن شدن با زهم بیشتر موضوع به پدید آمدن دیگری نیز که در گزارش سیاسی آمده است، رجوع می‌کنم.

منظورم الکلیسم است. گزارش سیاسی می‌گوید: "مبارزه‌ای سراسری برعلیه الکلیسم و بد مستی در جریان است. ما به نام سلامتی فرد و جامعه اقدامات قاطعی سازمان داده و نبود باعاداتی که طی قرن‌ها شکل گرفته است را آغاز کرده‌ایم. در عین این که نباید در دست آورد هایمان غره شویم، می‌توانیم با اطمینان بگوئیم که مستی از کارخانه‌ها بیرون رانده شده و در اماکن عمومی نیز کمتر مشاهده می‌شود" (۱۳) حقیقت این است که الکلیسم نظیر درآمد های غیرقانونی، غیبت از کار و رشوه‌خواری پدید آمده. هائی جان سخت در اتحاد جماهیر شوروی بوده‌اند و تقریباً در تمامی کنگره‌های ۱۹ تاکنون به عنوان یک معضل مطرح شده‌اند. این پدیده‌ها صرفاً از "عادات دیرینه" نشأت نمی‌گیرند بلکه مبین این حقیقت هستند که روابط کالائی - پولی و تقویت جنبه بورژوائی انحصار و لتی فاقد خصلت سوسیالیستی می‌باشند (*) و "تولید کالائی سوسیالیستی" افسانه‌ای برای توجیه این منافع است. فتی‌شیسم کالائی، و انفعال سیاسی بخش وسیعی از کارگران پایه مادی رواج وسیع این پدیده‌ها در جامعه شوروی محسوب می‌شوند.

لنین در کتاب "دولت و انقلاب" دیکتاتوری پرولتاریا را به مثابه دیکتاتوری بورژوائی بدین بورژوائی تعریف کرد. در نخستین مرحله انتقال از سرمایه داری به کمونیسم (سوسیالیسم) حق همچنان در محدوده بورژوائی باقی می‌ماند و تفاوت در ثروت و درآمد به حیات خود ادامه می‌دهد زیرا توزیع محصولات برپایه اصل "هرکس به اندازه کارش" متضمن نابرابری است. از این رو تملک اجتماعی ابزار تولید و انحصار و لتی ناشی از آن نه تنها خصلتی سوسیالیستی دارد بلکه همچنین از یک چهره بورژوائی نیز برخوردار است. لنین می‌نویسد: "کمونیسم در نخستین فاز خود، در نخستین پله خود هنوز نمی‌تواند از نظر اقتصادی کاملاً نضج یافته و کاملاً از سنن یا آشناس سرمایه داری مبرا باشد. از اینجاست این پدیده جالب که در نخستین فاز کمونیسم (*) هنگامی که از جنبه بورژوائی انحصار و لتی سخن می‌گوئیم، بقای موازین بورژوائی را در امر توزیع در مرحله اول کمونیسم مد نظر داریم.



"افق محد و د حق بورژوازی" باقی می ماند . البته حق بورژوازی د رمورد تقسیم محصولات مصرف ، ناگزیر مستلزم د ولت بورژوازی نیز هست زیرا حق بد و ن دستگاہی که بتواند افراد را به رعایت موازین حقوقی مجبور کند، د ر حکم هیچ است . نتیجه حاصل اینکس د ر د وران کمونیسم نه تنها حق بورژوازی بلکه د ولت بورژوازی هم تا مدت معینی باقی می ماند — منتها بد و ن بورژوازی! " (۱۴) و تمام کنه مطلب از این قرار است که " حق بورژوازی د رمورد تقسیم محصولات مصرف " با تکامل سوسیالیسم محد و د گذشته و متناسب با آن نابرابری اجتماعی د ر حوزه توزیع د رآمد ملی کاهش می یابد . منافع مد یران، کارکنان فنی و دیوان سالاری د ولتی د ر اتحاد جماهیر شوروی د ر شرایط محد و دیت و کمیابی نسبی محصولات مصرفی ، نه تنها برپایه زوال و کاهش تد رجیسی این جنبه بورژوازی د یکتاتوری پرولتاریا نیست بلکه این منافع بر تحکیم این امتیازات و قرارداد ن آن برپایه روابط کالائی — پولی ، تضعیف و انحلال کنترل توده ای بر د ستگاه د ولتی و نتیجتا تاحد و دی راندن بخش های وسیعی از توده کارگران از حوزه " سیاست " یعنی اداره حکومت و تولید قرار داد ، د قیقا بد بین علت از لحاظ ایدئولوژیک هیچ چیز مضرتر از مفهوم د یکتاتوری "خلق" برای مستور نگاه د اشتبسن جنبه بورژوازی انحصار د ولتی و میزان این نابرابری اجتماعی و د رجه بهره مندی کارگران از محصولات مصرف نیست . فی المثل د ر گزارش سیاسی آمده است: " د رآمد سرانه واقعی د ر طول ربع قرن صد و شصت د رصد و اعتبارات مصارف اجتماعی بیش از چهارصد د رصد بالا رفتند . " (۱۵) اما گزارش سیاسی این مسأله را مسکوت میگذارد که این "افزایش د رآمد سرانه واقعی" چگونه د ر میان کارگران و کارکنان از انواع مختلف توزیع شده است . حال آنکه زمانیکه صحبت بر سر عدم کارائی برخی از بنگاهها است و گزارش سیاسی نیز تصدیق می کند که این عدم کارائی بیش از همه محصول منافع شعبه ای کارکنان ، کاغذبازی ، نبود تمایل مد یران به کاربرد اختراعات تازه ، جاه طلبی گروههای جداگانه د افشمنندان ، ضدیت های ادارات با اختراعات "دیگران" و غیره است ، با این همه ، یکباره ملاحظه می کنیم که کلیه کارکنان بنگاه مسئول شناخته میشوند و گفته می شود که: " حجم پرداخت د ستمزد هر مؤسسه باید مستقیما به د رآمد حاصل از فروش تولیداتش مربوط گردد . این می تواند به تولید و عرضه کالاهای نامرغوب پایان دهد . . . مانمی توانیم بیش از این وضعیتی را تحمل کنیم که کارکنان مؤسسه ای



کالا های بی مصرف تولید کرده ، زندگی بی دغدغه ای را بگذرانند ، حقوق کارمندان را بگیرند ، و از منافع و اختیاراتی هم برخوردار گردند . " بدین ترتیب عد م کارآئی برخی از مؤسسات باید از طریق کاهش دستمزد کارگران آن مؤسسات پرداخت گردد (*) و حال آنکه در مورد امتیازات مادی ناشی از کارآئی برخی از مؤسسات ، مدیران و کارکنان فنی غالباً قادر به کسب بیشترین سهم نسبت به کارگران همان مؤسسات خواهند شد ! !

xalvat.com

همین جنبه مطلب یعنی محدود کردن حق بورژوازی در حوزه تقسیم محصولات مصرف و ارتقاء مداوم سطح زندگی کارگران و عموم مصرف کنندگان بعنوان عامل اصلی ارتقاء انگیزه کار است ، که به عنوان یکی از عوامل مهم ، ما را بر آن می دارد تا علیرغم تصدیق ضرورت استفاده بیشتر روابط کالائی - پولی در لحظه کنونی در اقتصاد جماهیر شوروی ، بر اتخاذ موازن ویژه در حوزه سیاست دستمزدها ، و تناقضات ناشی از تحکیم و توسعه اصل بهره وری یکایک هنگامی که اقتصاد با برنامه تأکید نمائیم . بنابراین مقدار متاضروری است تا اهمیت حسابداری هزینه ها و روابط کالائی - پولی را بعنوان مکانیزم های انتقالی در تسریع انباشت سوسیالیستی مورد مطالعه قرار دهیم .

قبل از آنکه به معنا و اهمیت حسابداری هزینه ها بپردازیم ، ضروری است تا نگاهی اجمالی به تاریخچه کاربرد حسابداری هزینه ها در صنایع شوروی بپسکنیم . برای نخستین بار در گبرودار تجارزات امپریالیستی به روسیه شوروی ، لنین از ضرورت تهیه یک برنامه اقتصادی در از مدت برای اتحاد شوروی سخن گفت و خود شخصاً مسئولیت تنظیم برنامه الکتریفیکاسیون سراسری روسیه را که به برنامه گوالو معروف است ، به عهده گرفت . این طرح برپایه محاسبه دقیقی از داده ها و ستانده ها ، هزینه تولید و سود حاصل از آن استوار بود . جالب این است که لنین در (*) در عبارات مذکور نوعی تهدید به اخراج و عدم اشتغال موقت برخی از کارگران به دلیل عدم کارآئی وجود دارد . چنین اقدامی بمعنای نقض امنیت شغلی مدام العمر کارگران در کشورهای سوسیالیستی و بروز مجدد پدیده بیکاری خواهد بود . البته نه در گزارش سیاسی ونه در سایر مصوبات ، تاکنون چنین نتیجه گیری فاجعه آوری در مورد کارگران به عمل نیامده است .



در مقاله مشهور خود تحت عنوان " طرح اقتصادی جامع " از طرح دانشمند آلمانیسی بالود (*) برای سازماندهی اقتصاد جمهوری وایمار یاد می کند و ضمن ارج نهادن بر این طرح ، اشاره می نماید که این طرح به خاطر سرمایه داری بودن آلمان نتوانست پیاده شود . (۱۶) این طرح نیز به تمامی بر محاسبات هزینه ها ، سود حاصل از تولیدات و غیره متکی بود . آنچه در بررسی مسائل مدیریت پس از خاتمه جنگ داخلی و در هم شکسته شدن تجاوزات امپریالیستی حائز اهمیت می باشد ، این است که کاربست مقولات کالائی ، پولی ، اعتباری ، سود و محاسبه هزینه ها توسط حزب کمونیست شوروی برای دوران انتقال به کمونیسم مجاز تلقی شد ، البته پیش از این نیز در برنامه دهم حزب کمونیست شوروی درباره این مقولات اظهار نظر شده بود . به علاوه حزب کمونیست شوروی مقوله سود را برای دوران انتقال به کمونیسم پذیرفت ، اما تفاوت نقش این مقوله (سود) در نظام سرمایه داری با نظام سوسیالیستی را مورد تأکید قرار داد .

xalvat.com

این تفاوت را اساساً رد و نکته می توان ملاحظه کرد : نخست آنکه در جامعه سرمایه داری سود محرک اصلی تولید است و نرخ سود تنظیم کننده سرمایه گذارین را شاخه های مختلف صنعت می باشد و حال آنکه در سوسیالیسم برنامه ریزی تولید مبنای تشکیل می دهد ، این بدان معناست که در سوسیالیسم برخی از شاخه های " غیر سود زا " اما از لحاظ اجتماعی ضروری به حیات خود ادامه می دهند در حالیکه برخی از شاخه های مضر اما سود زا ، حذف می گردند . دوم آنکه در سرمایه داری سود اساساً در خدمت افراد جداگانه قرار می گیرد و حال آنکه در سوسیالیسم ، سود تابعی از رشد منافع عمومی جامعه است .

به هر حال حسابداری هزینه ها از همین دوران آغاز گشت بدین معنا که هزینه ها بر محاسبه پولی قرار گرفت ، پاداشهای مادی و رقابت سوسیالیستی وضع شد و باز ده عملیات مؤسسات بر تأمین هزینه ها از صندوق خود مؤسسات و تضمین سودآوری آنها استوار گشت .

در حقیقت مهمترین موضوع در سازماندهی سوسیالیستی تولید نه اجتماعی کردن کلیه ابزار تولید بلکه سازماندهی کار و ایجاد انگیزه کار در تولید کنندگان



خیالی واهی و تکه‌آوری زوال‌یافتنی است، و ما از همه اینها گذشته ماتریالیست هستیم. کارگران هم ماتریالیست هستند، اگر شما بگوئید که کار را تشدید کن، آنها خواهند گفت، پس نان، لباس و گوشت داشته باشیم. این دیدگاهی است که ما هم اکنون داریم و همیشه داشته‌ایم. . . . (۱۷) استفاده از مشوق‌های معنوی و مادی، پاداش‌ها و رقابت سوسیالیستی بعنوان اشکال مؤثر سازماندهی کار در دوران انتقال به کمونیسم توسط لنین تجویز شد تا با تأکید بر اصل "بهرکس به اندازه کارش"، سطح درآمد‌ها متناسب با افزایش کمیت و کیفیت کار افزایش یابد. این امر همچنین تاحدودی برای ایجاد و تقویت عادت به کار و برقراری انضباط در میان کارگران ضروری است بویژه آنجا که سوسیالیسم پیش از رشد وسیع سرمایه‌داری آغاز به استقرار نماید. توضیح بیشتری بدهیم.

xalvat.com

مارکس یکبار در گروند ریس نوشت: "کیفیت عظیم تاریخی سرمایه‌ایجاد این کار اضافی است. . . . و رسالت تاریخی آن هنگامی انجام می‌پذیرد، که از یک‌طرف، چنان تکاملی از نیازها صورت پذیرد که کار اضافی بالاتر و ورای احتیاج خود یک نیاز عمومی گردد که از میان خود نیازهای منفرد فرا رود — از طرف دیگر، هنگامیکه انضباط شدید کار، در طی نسل‌های متوالی، چنان ساعی بودن عمومی را تکامل بخشد که این صنعت بعنوان کیفیت عمومی انواع نوین (انسانی — مترجم) شود." (۱۸) به عبارت دیگر کار کردن ورای نیاز و احتیاج فوری چیزی نیست که بتوان آن را بطور حاضر و آماده در "طبیعت" انسان سراغ گرفت، بلکه این امر مستلزم اجبار چندین نسل کار تحت نظام سرمایه‌داری است که برای اولین بار در تاریخ بشری ممکن می‌سازد که نوع نوینی از تولیدکننده مستقیم، و نیروی مولده انسانی پدید آید که ثروت عظیم کمونیستی را فراتر از احتیاجات فوری بوجود آورد. تحول کار از یک ضرورت و اجبار اقتصادی به یک نیاز زندگی بدون گذار از این مکتب "عادت به کار در ورای نیاز" بدست آمدنی نیست. انقلاب سوسیالیستی در کشورهای که مدت طولانی مکتب سرمایه‌داری را پشت سر نهاده‌اند، عموماً با معضل سازماندهی کار و انضباط کار روبرو میشوند و این امر علاوه بر افزایش سطح مصرف، و استفاده از مشوق‌های مادی گوناگون، تا حدودی نیز به اعمال اجبار مکتبی است. زیرا سوسیالیسم با اشتراک در وسائل مصرف و گداپرووری یا روزی‌رساندن به علف‌ها از قبل حاصل کار مولدین همانند نیست.



تنهاد رنگرش کمونیزم اولیه و سوسیالیسم دهقانی می توان تصور وجود سوسیالیزم را برپایه لختی و ولنگاری روستائی و کارسنگین اماغیرمؤثرمانوفاکتوری ممکن فرض کرد و انزجار برحق کارگران را از انضباط کار در تولید سرمایه داری که مبنائی برای تمایل دائمی آنان به فرار از کار است، صاف و ساده بعنوان مبنای ایجاد سوسیالیسم از نوع "تن آسائی" مورد خطاب قرار داد. در اینجا برای اجتناب از اطاله کلام، ما خوانندگان را در مورد طرق و وسائل متنوع ترغیب و اجبار در سازماندهی فدیریت سوسیالیستی به آثار متعدد د لنین از جمله "ششمین سخنرانی لنین در دهمین کنگره حزب کمونیست شوروی"، "وظائف نوبتی حکومت شوروی"، "نقشه اقتصادی جامع"، "آغازی بزرگ"، "درباره کتو پراسیون"، "ابتکاری عظیم"، "اتحادیه ها، وضعیت کنونی و اشتباهات تروتسکی"، "یک بار دیگر پیرامون اتحادیه های کارگری"، "چگونگی بازرسی کارگری و دهقانی را تجدید سازمان دهیم"، "بهتر است کمتر ولی بهتر باشد" رجوع می دهیم.

و اما هدف از حسابداری هزینه ها که از همان نخستین سالهای حکومت شوروی مطرح گردید، عبارت از چیست؟ مقصود از حسابداری هزینه ها در یک مؤسسه عبارت است از ایجاد شرایط و محرک های اقتصادی برای افزایش سودآوری مؤسسه، کاهش هزینه ها، بهبود کارآئی در مصرف دارائی های مولد. حسابداری هزینه ها به این واقعیت توجه دارد که کلیه منابع مالی، مادی و فنی که در اختیار مؤسسات سوسیالیستی و سایر بنگاه های تولیدی قرار دارند متعلق به دولت بوده، لیکن در اختیار مؤسسه خاصی هستند. بدین ترتیب از فقدان حس مسئولیت در مصرف منابع تولیدی باید جلوگیری بعمل آید و علاقه کارگران و مدیران را به نتایج کار مؤسسه باید از طریق کار بست مشوق های مادی و رقابت سوسیالیستی نیز افزایش داد. این روش ناظر بر صرفه جوئی در تولید، استقلال مالی نسبی هر مؤسسه، افزایش درآمد ها متناسب با بهبود کیفیت کالاها است. بنابراین شاخص سود مبنای حسابداری هزینه ها می باشد. این روش در عین حال حسابداری و کنترل اقتصادی را بر پایه ای علمی قرار می دهد و تخصیص صحیح تر و عقلانی تر منابع را در رشته های مختلف صنعت ممکن می سازد، بنحوی که تأحد و دی از پرداخت خرج "تنبلی" و عدم کارآئی برخی از مؤسسات از جیب دولت و در واقع مؤسسات بکارا و



"زرنگ" جلوگیری بعمل می آورد. تا این اندازه کاربست مؤثرتر این روش در اتحاد جماهیرشوروی که امروزه گام نوینی در عرصه عمقی کردن همه جانبه تولید، تمرکز هر چه بیشتر مؤسسات تولیدی در شاخه های کلیدی علیرغم منابع محدود، به جلو برمی داند، ضروری است. زیرا این روش اولا منابع معدود را در شاخه های کلیدی متمرکز می سازد، ثانیا اتحاد و دی از عدم تحرک دستگاه بوروکراتیک دولتی و برخی امتیازات انحصاری مدیران، کارکنان فنی و مقامات دولتی ممانعت بعمل می آورد و هر گونه امتیاز مادی را بنحو مستقیمتری به مکانیزم های بازار، تکوین قیمت، سودآوری مؤسسات و فعالیت های تولیدی منطقه ای متصل می کند. ثالثا اتحاد و دی امکان چرخش از استراتژی گسترش عرضی تولید به استراتژی عمقی کردن همه جانبه تولید را تسهیل می نماید. اما توسعه گسترده روابط کالائی - پولی بویژه در سه حوزه: (۱) افزایش حجم دستمزدها متناسب با درآمد مؤسسات، (۲) تحکیم و تقویت اصل افزایش بهره وری یکایک بنگاهها، (۳) گسترش تولید کالائی در حوزه اجناس تولیدی، متضمن گرایشات مخرب و مختل کننده ای برای اقتصاد سوسیالیستی است زیرا گرایش به سوداگری (و بازار سیاه در حوزه تولید اجناس تولیدی علاوه بر کالاهای مصرفی)، تورم، نابرابری هرچه بیشتر درآمدها، رشد ناموزون بخش های مختلف صنعت و نتیجتا اختلال در برنامه ریزی دولتی را تقویت می کند.

بدین لحاظ باید به روشنی دریابیم که اساس سمتگیری کنگره ۲۷ حسب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر کاربست مؤثرتر و گسترده تر حسابداری هزینه ها، استفاده بیشتر از مشوق های مادی و معنوی برای تحقق استراتژی عمقی کردن همه جانبه تولید و افزایش بهره وری مطلقا اصولی و ضروری اند. آن کس که اهمیت این اصلاحات را درک نمی کند، در واقع از ترجمه واقعی سیاست لنینی رقابت سوسیالیستی و کاربست مشوق های مادی در مرحله کنونی تکامل نیروهای مولده تحت مالکیت سوسیالیستی ناتوان است. با این همه، تأکید سمتگیری مذکور به معنای نادیده گرفتن یک رشته گرایشات منفی و مختل کننده ناشی از بسط همه جانبه توسعه روابط کالائی - پولی در حوزه های مذکور نمی باشد. برای روشن تر شدن این گرایشات منفی بیائید نکات سه گانه فوق الذکر را به ترتیب مورد مطالعه قرار دهیم. برای بررسی مسئله دستمزدها ضروریست از رابطه تولید و مصرف تحت شرایط بسط



مناسبات کالائی و پولی (یعنی تابع کردن حجم دستمزد به درآمد بنگاه) آغاز کنیم، چرا که در سوسیالیسم قاعدتاً عامل اساسی در ایجاد انگیزه کار عبارتست از تضمین سطح بالاتر مصرف عموم مولدین مستقیم و نتیجه افزایش بارآوری کار که بدلیل اجتماعی بودن ابزار تولید امکانپذیر میباشد. میدانیم که در ابتدا ترین شرایط تولید یعنی در شرایطی که هر خانواری برای خود تولید میکند و بنابراین هر آنچه را که تولید میکند به مصرف نیازهای اعضایش میرساند، آنتاگونیسم تولید با مصرف وجود ندارد. اما قضیه در مورد تولید کالائی فرق میکند. در اینجا تقسیم کار میان می آید و تولید کنندگان به صورت به مصرف کنندگان و فروشندگان کالاها مبدل میشوند. قاعدتاً عمومی در اینجا مبادله ارزشهای برابر است. در اینجا تولید کنندگان به عنوان فروشندگان خواهان قیمتهای بالاتر برای محصولات خود هستند تا بتوانند آنها را با مقدار بیشتری از کالاها مبادله کنند. اما هنگامی که کالاها را خود را فروختند، دیگر در بازار به عنوان دارندگان کالا وارد نمیشوند بلکه به مبادله پول و نه دیگر فروشندگان بلکه خریدار ظاهر میگردد. خریدار دیگر تولید کننده نیست بلکه مصرف کننده است و از اینرو منفعتش در خرید کالا به قیمتی نا زل است. در اینجا آنتاگونیسم بین مصرف کنندگان و تولید کنندگان بروز مییابد. با اینهمه، در محدود تولید کالائی ساده آنتاگونیسم بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان در قلمرو واحد مولدین قرار دارد، بدین معنا که در هر مورد مشخص این آنتاگونیسم بین تولید کنندگان یک محصول معین با تولید کنندگان سایر محصولات تجلی مییابد. از اینرو تحت این شرایط آنتاگونیسم دائمی طبقاتی در نتیجه تعارض مصرف کنندگان و تولید کنندگان بوجود نمی آید بلکه آنتاگونیسم خصلتی دائمی تغییر یابنده مییابد که با هر تغییری در عوامل تولید پدید آمدن و از بین میرود. معضله تحت شرایط تولید ساده کالائی، واقعی پیش می آید که یک رشته از تولیدات واحد و به هم پیوسته در مبارزه ای دائمی علیه شاخه ای دیگر از تولید قرار می گیرند. از این رو آنتاگونیسم منافع بین مصرف کنندگان و مولدین می تواند به یک آنتاگونیسم عظیم اجتماعی منجر شود و تأثیرات تاریخی عمیقی برجای نهد. فی المثل، مولدین صنایع شهری با مولدین کشاورزی به مثابه مصرف کننده (یعنی بعنوان مصرف کننده مواد غذایی و مواد خام) تصادم پیدا می کنند و مایلند تا هر چه ارزان تر این محصولات را به دست آورند. از طرف دیگر، کشاورزان مصرف کنندگان محصولات صنعتی هستند که صنعتگران بعنوان فروشندگان



آن محصولات خواهان گران ترین قیمت ها هستند . آنتاگونیسم کهن بین شهر و روستا ، د ر اینجا به صورت آنتاگونیسم بیم مصرف کنندگان و مولدین ظاهر می شود ، هرچند که مادر هر طرف با مولدین و مصرف کنندگان روبرو هستیم .

پیدايش کار مزدوری د ر خدمت سرمایه داران صنعتی به تولید خصلتی نویسن می بخشد . تا این هنگام کارگر و تولید کننده فرد واحدی بود و منفعت تولید کننده با منفعت کارگر یگانه بود . تحت نظام سرمایه داری ، کارگر به مفهوم تکنیکی کلمه ، تولید کننده باقی می ماند ، اما از لحاظ اقتصادی او دیگر "تولید کننده" محصول نیست ، بدین معنا که او دیگر صاحب حرفه و وسائل تولید نیست . بعلاوه او نیست که تولید را هدایت می کند ، یا تعداد و نوع محصولات را تعیین می کند . وی صاحب محصول نیست و برای محصولات بازاریابی نمی کند و منفعتی د ر قیمتشان ندارد . این کارفرمای سرمایه دار است که صاحب ابزار تولید و محصول می باشد . منفعت کارگر مزدور با منفعت سرمایه دار متفاوت است . اگرچه کارگر مزدور د رآمد خود را از قبل فروش یک کالای معین د ر بازار بدست می آورد ، اما این کالا عبارتست از نیروی کار خود او . نیروی کار برخلاف سایر کالاها ، با شخصیت و فردیت انسان مترادف است . این کالا برای بازار تولید نمی شود بلکه از خود فرایند زندگی کارگر یعنی حامل کسار نشأت می گیرد . این کالا حد اکثر تا حد ودی خود و ابانیاهای بازار را منطبق می سازد ، بدین معنا که از سطح معینی از مهارت برخوردار می شود . اما تولید مقداری نیروی کار موجود نظیر سایر کالا های دیگر بوسیله تقاضا برای آن تعیین نمی شود . اگر کالائی متضمن سودی د ر بازار نباشد ، تولید نمی شود و حال آنکه اگر نیروی کار خریداری نیابد ، کارگر یا حامل نیروی کار بلافاصله به زندگی خود خاتمه نمی دهد . به عبارت دقیقتر ایمن کالای معین یعنی نیروی کار هرچند که یگانه منبع سود است اما بمنظور کسب سود تولید نمی شود . از این رو تولید نیروی کار برخلاف سایر کالاها وابسته به تقاضای بازار نیست . از یک جهت دیگر نیز کالای نیروی کار با سایر کالاها تفاوت دارد . هزینه تولید سایر کالاها همواره می تواند با دقتی تکنیکی محاسبه شود . اما این امر د ر مورد نیروی کار صادق نیست . تأمین هزینه های نیروی کار صرفا از لحاظ فیزیولوژیک سنجیده نمی شود بلکه بنا به گفته صائب مارکس همچنین مشتمل بر "عناصر اخلاقی - تاریخی" نیز می باشد . د ر نتیجه تمامی این عوامل ارزش و قیمت نیروی کار د ر مقایسه با



سایر کالاها از خصلتی محافظه کارتر برخوردار است. بنا به قاعده، دستمزد ها به همان سرعتی که قیمت سایر کالاها می توانند به پائین ترین سطح ممکن تنزل یابند، کاهش نمی یابد و همچنین قیمت آن به همان سرعتی که سایر کالاها می توانند ارتقا یابند، ازدیاد نمی یابد. بنابراین منفعت کارگر در کاهش قیمت کالاها نهفته است مگر آنکه این کاهش قیمت ها با واکنش های اجتماعی دیگری از قبیل بیکاری گسترده توأم گردد. بعلاوه کارگر منفعتی در افزایش قیمت ها ندارد، مگر آنکه این امر با جبران هزینه ها خنثی گردد. بدین لحاظ می توان گفت که منفعت کارگر در جامعه سرمایه داری، اساساً در نقش او به عنوان مصرف کننده و نه تولید کننده نهفته است. اما قضیه در مورد سرمایه دار صنعتی متفاوت است. او خواهان قیمت بالا برای محصولات خودش می باشد و البته خواهان قیمت های بالا برای سایر شاخه های تولید نیست. وی در مقابل سایر شاخه های تولید به عنوان مصرف کننده ذینفع است. با این همه، تمایزی اساسی فیما بین سرمایه داری و نظام تولید ساده کالائی وجود دارد. در مورد دومی، هیچ انگیزه ای برای ادغام شاخه های مختلف صنعت جهت افزایش قیمت ها وجود ندارد زیرا هر فردی به عنوان خریدار همانقدر از دست می دهد که به عنوان فروشنده به دست می آورد. در مورد شیوه تولید سرمایه داری که در آن کارگر تولید کننده "افرادی متفاوت هستند، قضیه متفاوت است. در نظام سرمایه داری همه کارفرمایان می توانند حتی در صورت افزایش کلیه قیمت ها در همه شاخه های صنعت، هم در شهر و هم در روستا، باز هم منفعت بدست آورند زیرا آنان این منفعت را از قبیل ارزش اضافی حاصل از کار کارگران به کف می آورند. از این رو کارگر مزدور در جامعه سرمایه داری نماینده واقعی منافع مصرف کنندگان در تقابل با استثمارگران متحد است که منافع "تولید کنندگان" هستند.

هنگامی که سوسیالیزم بطور کامل تحقق یابد (و این امر هنوز در هیچ کجای دنیا تحقق نیافته و بدون پیروزی کمونیزم در سراسر جهان و یا لا اقل در بیشترین کشورهای سرمایه داری معاصر ممکن نیست) تولید کننده و کارگر فرد واحدی خواهند شد. اما این امر برای دوران سوسیالیزم یعنی فاز نخستین انتقال به کمونیزم صادق نیست. تحت چنان شرایطی، منفعت تولید کننده از منفعت مصرف کننده جدا نخواهد بود. اما در نخستین مرحله جامعه کمونیستی، تقسیم اجتماعی کار تا مدتی



باقی می ماند . در حالیکه سوسیالیزم گرایش به سوی برقراری تساوی فیما بین اعضای جامعه به عنوان مصرف کنند ه و رفع تمایزات طبقاتی دارد ، تفاوتهای فردی در استعداد را حفظ می کند و متحد و دی که کارگران را در فرایند تولید به بخشهای مختلف تقسیم می کند به سرمایه داری شباهت دارد . زیرا هر یک از کارگران تحت شرایط ویژه ای (لا اقل برای مدتی) کار خواهند کرد ، از این رو هر بخش از کار از یک منفعت و پیوسته پیروی می کند تا مناسبترین شرایط کار را برای خود بوجود آورد . بعلاوه فشار و شرایط کار بخشهای مختلف صنعت برای کارگران بسیار متفاوت خواهد بود . برخی از کارگران در حوزه خدمات و صنایع حیاتی کار خواهند کرد ، در حالیکه برخی دیگر در چنین بخشهایی کار نخواهند کرد . برخی از کارگران در صورت ترک کار موجب به خطر افکندن کل حیات اقتصادی و اجتماعی خواهند شد ، در حالیکه برخی دیگر در صورت توقف کار ، به اختلالی جزئی در تولید دامن خواهند زد . برخی از کارگران به هیچ آموادگی و تعلیم ویژه ای نیاز نخواهند داشت و به راحتی قابل تعویض خواهند بود ، در حالیکه این امر برای سایر انواع کارگران لا اقل بد و مشکلات فراوان مقدور نخواهد بود . تحت چنین شرایطی ، منفعت تولید کنند ه در جامعه سوسیالیستی چیزی به جز منافع جد اگانه حرف و رشته های متفاوت نخواهد بود . این امر متحد و دی با شرایط تولید ساده کالائی مشابه است که تحت آن مابایتمایلات جد اگانه اصناف متفاوت ، سیاست اصنافی ، حسادت های متقابل آنان ، تلاشهای جد اگانه شان برای امتیازات ویژه و احراز تفوق نسبت به سایرین روبرو هستیم . مع هذا ، اصناف در مبارزه علیه دشمنان مشترک ، نجای شهر ، اشراف زمین دار و شاهزادگان ، متحد می شدند . در جامعه سرمایه داری نیز سازمانهای "صنغی" طبقه کارگر یعنی اتحادیه ها نظیر اصناف تمایل به تعقیب منافع صنغی و حرفه ای دارند . بعضی اتحادیه ها از منافع ویژه جد اگانه ای نسبت به منافع کل طبقه کارگر پیروی می کنند و بعلاوه امکان تشکیل قشر ممتازی در میان طبقه کارگر نظیر اشرافیت کارگری وجود دارد که خود را ورای سایر کارگران قرار می دهد . این تمایلات صدمه زیادی به منافع کارگران زده است و بهترین نمونه آن انگلستان می باشد . اما این نیز حقیقتی است که تحت نظام سرمایه داری ، این تمایلات نمی توانند در د را زمدت ادامه یابند . مبارزه مشترک علیه سرمایه یعنی دشمن مشترک طبقه کارگر ، سرانجام بخشهای مختلف طبقه کارگر را به تحکیم صفوف خود مجبور می کند . با این همه ، با رفع این



دشمن مشترک طبقه کارگرد رسوسیالیزم ، این عامل برای اتحاد حُرَف مختلف طبقه کارگر حذف خواهد شد . د رسوسیالیزم ، کارگران یک حرفه یا رشته خاص تنها با یک عامل دیگر مواجه خواهند شد : تمامی کارگران سایر حرفه ها و رشته های تولیدی د مقابل آنان به مثابه مصرف کننده ظاهر خواهند شد و نه به عنوان تولید کننده .
آنتاگونیسم بین منفعت مصرف کننده و تولید کننده د ر اینجا به آنتاگونیسم بین منفعت اجتماعی مشترک و منفعت حرفه ای جداگانه مبدل خواهد شد .

د ر این آنتاگونیسم ، خطری بس مهم سوسیالیزم را تهدید می کند . ماحتی برای یک لحظه بدین امر نمی اندیشیم که نمی توان این خطر را به طرق گوناگون و بالا تر از همه بوسیله نظام تعلیم و تربیتی که بتواند هر عضو جامعه را قادر به انجام کارهای مختلف کند ، برطرف کرد (و این توصیه کارا از جانب لنین صورت گرفته است) . اما برای د وران انتقال ، تفوق منافع حرفه ای می تواند به نتایج نا مطبوع منجر گردد .
برطرف ساختن این تناقض بر پایه اصل افزایش بهره وری یکایک بنگاه های تولیدی یا آن طور که صراحتاً د ر گزارش سیاسی آمده است ، " تابع نمودن حجم پرداخت ستمزد هر مؤسسه به د رآمد حاصل از فروش تولیداتش " ، نه تنها ممکن نیست بلکه به تشدید این تناقض می انجامد و د قیقاً د ر خدمت همین تفوق منافع حرفه ای قرار می گیرد .
 بعلاوه با طرح این مطلب که " افزایش نرخ د ستمزد و حقوق پایه کارگران کارخانه های د فتری . . . ، برای اولین بار عمدتاً بر پایه و د رچارچوب اعتبارات کسب شده خود مؤسسه محاسبه خواهد شد " نه تنها این تفوق منافع حرفه ای به شدت ترین وجهی تقویت خواهد شد بلکه همچنین برای اولین بار ، سطح د ستمزد به مکانیزم های اعتبار و بازار وابسته خواهد گردید و از آنجا که د ر اتحاد جماهیر شوروی کار انفرادی خصلتی بلا واسطه اجتماعی ندارد ، این سیاست به عدم انطباق هر چه بیشتر ارزش نیروی کار با قیمت نیروی کار خواهد انجامید .

حقیقت آن است که د ر گزارش سیاسی و سایر اسناد برنامه ای کنگره ۲۷ (نظیر ادبیات چند دهه اخیر اتحاد جماهیر شوروی) توجهی نسبت به این آنتاگونیسم منفعت اجتماعی مشترک و منفعت حرفه ای جداگانه د ر اقتصاد سوسیالیستی تحت شرایط وجود تقسیم اجتماعی کار وجود ندارد ، زیرا نکته اصلی که د ر مرکز توجه گزارش می باشد (و از این لحاظ گزارش سیاسی ، تکامل منطقی طرح های پروفیسور لیبرمن است) ،



این است که چگونه بی‌علاقگی مدیران و گروه‌های جداگانه متخصصان به بهبود عوام اقتصاد ملی (و نه صرفاً حفظ منافع شعبه‌ای و رسته‌ای) از این طریق جبران گردد که درآمد آنان به سود مؤسسات پیوند بخورد و این امر به کل بهره‌وری کارگاه‌ها وابسته گردد. بدین لحاظ، برای تحرک بخشیدن به دستگاه مدیریت و کارکنان فنی برپایه اصل کسب سود از طریق افزایش بهره‌وری یکایک مؤسسات تولیدی، سیاست مستمردهانیز برای اولین بار در چارتحولی جدی شده است تا راه تکوین قیمت‌ها و عملکرد مقولات اقتصادی نظیر سود، اعتبار و غیره هموار شود. اما این اقدام، در عین حال تضادهائی نوین را در اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی موجب می‌شود، زیرا طبق منطق خود به عدم تمرکز و عدم تناسبی از دیاد یا بنده فیما بین بخش‌های گوناگون اقتصاد، مؤسسات و مناطق منجر می‌گردد و قیمت‌ها هر چه بیشتر به زار وابستگی می‌یابند که این امر به نوبه خود به تصادم با احکام نقشه می‌انجامد. زیرا برنامه‌ریزی، اهداف سرمایه‌گذاری‌ها را بر طبق اولویت‌ها و معیارهای آگاهانه تعیین می‌کند و نه بر طبق قوانین بازار.

xalvat.com

اکنون بگذارید از جنبه دیگری موضوع بسط همه‌جانبه روابط کالائی - پولی را مد نظر قرار دهیم. بسط همه‌جانبه روابط کالائی - پولی، بر طبق مفاهیم ارائه شده در گزارش سیاسی، اساساً عبارتست از تحکیم اصل سیستم افزایش بهره‌وری یکایک بنگاه‌ها. این در عین حال بدان معنی است که نه تنها در مورد اجناس مصرفی بلکه همچنین در مورد اجناس تولیدی (محصولات سرمایه‌ای) نیز مقولات بازار و روابط کالائی - پولی گسترش یابند. برای آنکه تفاوت این دو نوع محصول از نقطه نظر روابط کالائی - پولی در آن سوسیالیسم روشن گردد، توضیحات مختصری ضروری است.

تولید کالائی به همراه تفکیک ارزش مبادله‌ای از ارزش مصرف، از مدت‌ها پیش در تاریخ بشری یعنی تقریباً با تجزیه کمن اولیه و تکوین اقتصاد پدرسالاری و یابردداری پدید آمد. (۱۹) این تولید در جامعه سرمایه‌داری در همه حوزه‌ها گسترش یافت و تنها با تولید انبوه مازاد محصولات مصرفی در طی دوران انتقال از سرمایه‌داری به کمونیسم، سرانجام به پایان می‌رسد. بدون وجود چنان انبوهی از محصولات مصرفی در دوران سوسیالیسم که امکان بهره‌مندی هر فرد را از نعمات اجتماعی به اندازۀ نیازش (و نه صرفاً به اندازۀ کارش) فراهم آورد، تولید کالائی را نمی‌توان مصنوعاً الفاکرد. تا



هنگامی که تولید به چنان نقطه‌ای دست نیافته باشد، امر توزیع محصولات مصرفی و نسبتاً کمیاب بر طبق معیارهای عینی، مسأله اساسی اقتصاد باقی می ماند.

در تمام دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم، توزیع به وسیله مبادله کار انسانی با محصولات که به وسیله این کار وجود آمده اند، تنظیم می گردد. اما مبادله حکم همان تولید کالا را دارد و نتیجتاً ارزش مبادله در نتیجه توزیع محصولات بر حسب مقدار کار به قوت خود باقی می ماند. بدین ترتیب در دوران سوسیالیسم تولید کالا معمولاً در حوزه کالاهای مصرفی تدویم می یابد (و تا حدودی در کشاورزی و پیشه‌وری) و اموال در حوزه اجناس تولیدی، با اجتماعی شدن کلیه ابزار تولید، ملی شدن صنایع، بانکها و حمل و نقل، و سائلی که در این حوزه تولید و توزیع می شوند، خصلت کالائی خود را از دست می دهند و فقط ارزشهای مصرف دارند. حتی اگر این ارزشهای مصرف از جانب یک واحد دولتی به واحد دیگری "فروخته" و "واگذار" شود، مسأله برسر عملیات ساده حساب داری و کنترل عمومی است که باید تعیین کند که نقشه برای تمام اقتصاد یا هر واحد اقتصادی تا چه اندازه تحقق یافته است. این تفاوت بین محصولات مصرفی و محصولات تولیدی از لحاظ شکل پولی نیز منعکس می گردد. محصولات مصرفی دارای اسکناس فروخته می شوند و محصولات تولیدی به واسطه پول دفتری به گردش در می آیند. خرید محصولات تولیدی با اسکناس ممنوع است، و فقط ابزار کار ساده حکم استثناء را دارند. در اتحاد جماهیر شوروی نیز این تفاوت را می توان ملاحظه کرد.

محصولات متعلق به بازار کلخوز، محصولات صنعت و پیشه‌وری که نزد دولتست می ماند و نیز محصولات که از جانب دولت مصرف نمی شوند، همگی خصلتی آشکارا کالائی دارند. فقط مجموعه مقدار تولیدی این محصولات است که طبق "برنامه" تعیین می گردد. نحوه توزیع آنها به حوزه‌های مختلف مصرف، شهر و و قشرهای گوناگون مصرف کننده، از قوانین کوربا زارتبعتیت می کند و بعضاً توسط دولت در خالتهای خاصی صورت می گیرد. لیکن محصولات تولیدی، بالاخص محصولات که به وسیله صنایع دولتی تولید می گردند، خصلت کالائی خود را از دست داده اند. زیرا نه فقط مجموعه تولید، بلکه توزیع دقیق آنها، از پیش به وسیله نقشه تعیین می گردد. بدین ترتیب تاکنون در اتحاد جماهیر شوروی طبقه بندی برای انواع محصولات تولیدی وجود داشته است که مشتمل بر انواع محصولات پایه (نظیر مواد خام، ماشینها و غیره) بود که دقیقاً هم از لحاظ



مقدار و هم نحوه توزیع توسط دولت تعیین می گردد بد و پول در این موارد جنبه...
 د فتری داشت، ثانیاً محصولاتی که به تناسب سهمیه توزیع می گردد بد (نظیر چوب،
 شیشه و غیره که نه چند آن کمیاب و نه بسیار مهم هستند)، ثالثاً محصولاتی که از یک مرکز
 خاص توزیع نمی شدند و کارخانه ها می توانستند آنها را مستقیماً از تولید کنند بخرند :
 نظیر ابزار کشاورزی و پیشه وری ، محصولات محلی معین و غیره .

درد و ران گذار از سرمایه داری به کمونیسم ، پول مؤثرترین وسیله تنظیم توزیع باقی
 می ماند . پول به مصرف کنندگان اتحادی امکان انتخاب می دهد و ساده ترین وسیله ای نیز
 می باشد که به یاری آن ، درآمد یک بنگاه از راه مقایسه هزینه های تولید سنجیده می شود . به
 واقع پول در همه قلمروهای زندگی اقتصادی وسیله مناسبی برای اندازه گیری است .

برای نخستین بار ، در اتحاد جماهیر شوروی اوا خرد ه پنجاه ، این موضوع مطرح
 شد که معیار اصلی برای تحقق برنامه ، سود (یعنی تفاضل بین رقم فروش و هزینه تولید)
 تلقی گردد و نه ارزش تولید ناخالص و نیز اهداف مرکزی اعمال شده از جانب برنامه ریزی
 مرکزی به مدیران کاهش یابد و در عین حال مدیران چه در برابر ادارات مرکزی و چه در
 برابر کارگران اختیارات بیشتری بدست آورند . این معنای اصلاحات پروسورلیبرمن
 بود که در قلمرو کالا های مصرفی نتایج مثبتی به بار آورد و حال آنکه نتایج این اصلاحات در
 حوزه محصولات تولیدی مطلوب نبود . به موارد اصلی این مشکلات ، پیش تراش ساره
 نمودیم ، از جمله آنها این بود که به مدیران درازای تولید بیشتر از مقدار مقرر شده در
 برنامه ، پاداش تعلق می گرفت و نتیجتاً مدیران برای اخذ پاداشهای بیشتر ، ظرفیت
 مؤسسه خود را کمتر از واقع اعلام می کردند و مواد خام بیشتری سفارش می دادند و آنرا
 در انبارها ذخیره می کردند . فشار بیشتر دولت برای افزایش بهره وری در بنگاه ها ،
 موجب می شد که مدیران نیز به نفع ایوانهای مرکزی پاسخ گفته ، بر مقدار جنس
 می افزودند اما تنها به قیمت تنزل فاحش کیفیت جنس . تمامی این تناقضات به علاوه یک
 رشته تعارضات دیگر (از جمله معاملات بین مؤسسه ای در حوزه کالا های تولیدی)
 که تشریح آنها در اینجا نمی گنجد ، مبین این حقیقت است که تضاد فیما بین تولید
 سوسیالیستی با موازین بورژوائی توزیع که به دلیل امتیازات مادی ویژه مدیران فنی و
 بوروکراسی تشدید می شود ، خود را از طریق تضاد بین ارزش مصرف محصولات تولیدی
 با خصلت ارزش مبادله محصولات مصرفی تکامل می دهد و بر این پایه نشو و نما



می یابید .

کنگره ۲۷ برای حل این تضاد به گسترش با زار ("حق فروش مستقیم تولید ما زاد برنامه و مواد خام و دیگر وسایل ما زاد بر احتیاج خود و غیره به یکدیگر و عموم") د رمورد محصولات تولیدی علاوه بر محصولات مصرفی و "تحکیم گردش پول یعنی بسط پول غیرد فتری و نقد ینگی د ر حوزة محصولات تولیدی ، متوسل می شود .

اصل افزایش بهره وری یکایک مؤسسات پول را به عنوان وسیله پرداخت د ربخش محصولات تولیدی د و باره رواج می دهد و با تغییرات مذکور د ر حوزة محصولات تولیدی، این امر شتاب می گیرد . به همراه آن ، گرایش به احیای تولید کالا و گردش کالا د ر این بخش پدید آرمی گردد ، آن هم با همه عواقب آن : بالا رفتن قیمت د ر رشته هائی معین و فشار تورمی و بالا ترا ز همه تقویت گرایش به انحلال اقتصاد با برنامه . این امر همچنین با ایجاد با زار سیاه د رمورد کالاهای تولیدی علاوه بر کالاهای مصرفی توأم خواهد بود . و جـسـود با زار سیاه د ر حوزة کالاهای مصرفی تا حد ودی د ر اقتصاد سوسیالیستی اجتناب ناپذیر است زیرا د ر حال حاضر کالاهای مصرفی نمی توانند به وفور د ر اختیار عموم قرار گیرند و اولویتهای اقتصادی مربوط به تنظیم آهنگ انباشت سوسیالیستی د ر شرایط کنونی نیز موجب تقویت این امر می گردد . اما با احیای گردش کالا د ر بخش محصولات تولیدی ، با زار سیاه نیز د ر این بخش جان خواهد گرفت ، چرا که د ر این بخش نیز اجناس تجهیزاتی، مواد خام و غیره نسبتاً کمیاب است و هر نوع گسترش با زار د ر این حوزه قیمت ایـن محصولات را به سرعت ارتقا می دهد . عوارض منفی دامن زدن به بازرگانی د رمسور د وسائل تولیدی ، قبل از همه خود را د ر مابه التفاوت هزینه تولید کالا با قیمتهای تورمی محصولات د ر این بخش نشان خواهد داد .

خلاصه کنم ! چنانکه پیش تر نیز اظهار داشتیم ، اساس سمت گیری کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر کار بست مؤثر تر حساب داری هزینه ها ، استفاده بیشتر از مشوق های معنوی و مادی ، ادغام و تمرکز هر چه بیشتر مجتمع های صنعتی ، توسعه خود مختاری بنگاه ها و افزایش استقلال مالی آنها کلاماً اصولی و ضروری اند . علاوه بر این ، این اقدامات ، روش نوین مصوبه کنگره ۲۷ برای صرفه جویی مؤثر تر هزینه ها از طریق ترمیم و توسعای صنایع موجود به جای ایجاد تأسیسات نوین معلـواز ابزارهای قدیمی نیـز



روشی قابل اتکاء و مفید است (*)

اما بسط همه جانبه روابط کالائی - پولی یعنی تحکیم اصل افزایش بهره‌وری
یکایک بنگاه‌ها، تبعیث حجم دستمزد مؤسسه ازدآمد حاصل از فروش تولیداتش
وبسط تولید کالائی وقواعد بازار در حوزه محصولات تولیدی، گرایشات مختل -
کننده‌ای را برای اقتصاد سوسیالیستی و با برنامه اتحاد شوروی در بردارد .

xalvat.com

(*) تحقق این روش البته مستلزم فائق آمدن بر مقاومت برخی از مقامات عالی رتبه دولتی
یعنی تعدادی از وزرا بود که در کنگره مستقیماً مورد انتقاد گورباچف قرار گرفتند و از
وزارت برکنار شدند .



فصل سوم: دموکراتیک کردن بیشتر جامعه و خودگردانی سوسیالیستی

xalvat.com

فصل سوم گزارش سیاسی به خود گردانی سوسیالیستی اختصاص دارد. گزارش با تأکید بر اصول لنینی پیرامون حکمرانی د رجا معه سوسیالیستی آغاز می شود و اعلام می دارد که: "حکومت کردن د رجا معه سوسیالیستی، به ویژه د روضعیت کنونی، نباید امتیاز جمع کوچکی از صاحبان این حرفه باشد. ما با اتکاء به دانش نظری و تجربه عمیق خود می دانیم که نظام سوسیالیستی تنها زمانی می تواند با موفقیت رشد کند که مردم واقعا امور خود را اداره کنند و میلیون ها تن د رزندگی سیاسی مشارکت داشته باشند." (۲۰). پیش برد د مکراسی د رین حزبی، تقویت نهاد های نمایندگی شوروی، سند یکاها، کومسومول، تعاونی های کار، نهاد های نظارت مردمی و نهاد های محلی د راین راستا مطرح می گردد.

بهبود بازرسی وکلای شورائی و "تصحیحات ضروری د رفراگرد انتخاباتی" و کلا د رنهاد های شورائی مورد تأکید قرار می گیرد و گفته می شود که "مسائل متعدد و مهمی در این عرصه برای رسیدگی و حل وجود دارد." (۲۱) بعلاوه هر وکیلی باید بتواند "از هر فرصتی برای جاری ساختن قدرت خود استفاده کند." (۲۲)

افزایش بیشتر کاربرد اصول دموکراتیک د ر دستگاه اداری نیز عنوان می شود و از "تحدیبات محلی یا رسته ای، بی مسئولیتی، تشریفات و عدم انعطاف بوروکراتیک" انتقاد بعمل می آید یکی از علل اصلی این امر "کاهش نظارت بر فعالیت د دستگاه شوراهای ازسوی زحمتکشان، خود شوراهای، و سازمانهای عمومی" قلمداد می گردد.

گرد هم آیی ساکنین نواحی گزارش د هی مرتب نهاد های اداری به تعاونی های کار تشویق می شود. وظایف سند یکاها د رباره د امن زدن به رقابت، تحکیم انضباط و افزایش بازدهی کار مورد تأکید قرار می گیرد و از "کمبود قاطعیت و مبارزه جویبی (اتحادیه ها - نویسند ه) د رفاع از منافع حقه زحمتکشان، امنیت و سلامتی کارگران"



انتقاد به عمل می آید و چنین اضافه می شود که "البته قابل درک است که چنین انفعالی به مذاق مدیروانی که تولید برایشان مهمتر از مردم است خوش می آید. اما سند یگاها باید همیشه اولویت رابطه‌ی اجتماعی و پیشبرد منافع زحمتکش‌ان دهند، این وظیفه اصلی سند یگاهاست." (۲۳)

xalvat.com

در مورد نقش جوانان و فعال کردن آنها در همه امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و خود مختاری هرچه بیشتر اتحادیه جوانان کمونیست‌وسا زمان های زنان پیرامون اخذ تصمیم درباره یکرشته از مسائل مؤکد اسفارش می شود.

از د مکراسی مستقیم تود ها جانبداری بعمل می آید و اظهار نظر میگرد که: "ما نمی توانیم موارد کماکان موجود کارگرانی را که از طرحهای تولیدی مؤسسه خود خبر ندارند و مورد توجه واقع نشدن و به حساب نیامدن پیشنهادات کارگران را تحمل کنیم." (۲۴) پیرامون افزایش قدرت تصمیم گیری تعاونی های کار توصیه های صورت می گیرد و از افزایش نقش مجامع عمومی کارخانه سخن به میان می آید.

تیمها بعنوان نمونه خود گردانی سوسیالیستی معرفی میشوند که در مورد آنها "اصل انتخابی بودن به همه رهبران تیم و سپس رفته رفته به برخی دیگر از عناصر در بریت سرکارگران، سرپرستان شیفت و بخش و کارگاه و مدیران بخش در مزارع دولتی ... گسترش یابد." (۲۵)

همه پرسی، مباحثه سراسر کشور پیرامون امور مهم زندگی کشور و بحث حول تصمیمات مصوبه شوراهای محلی مورد تأکید قرار می گیرد و از وسائل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو و تلویزیون، نامه های مردم و غیره) برای توسعه د مکراسی مستقیم نام برده می شود.

همچنین برای نخستین بار پس از دهه هفتاد تاکنون بر اصل آشکارگرائی (علنیت) تأکید می گردد و گفته می شود که "آنان که با عادت به شیوه کارشلخته وار نیرنگ بازان به آمده اند، به حق در زیر نورافکن خبرپراکنی و در شرایطی که هر آنچه در دولت و جامعه انجام گیرد تحت نظر مردم بوده و پیش چشم عموم باشد ناخرسند هستند." (۲۶) به احتیاط کاری و مخفی کاری حمله می شود و اعلام می گردد که "کمونیست ها خواستار حقیقتند همیشه و در هر شرایط".

بر تحکیم اصل قانونیت سوسیالیستی پافشاری بعمل می آید و ضمن تأکید بر عدالت



اجتماعی به ضرورت مبارزه "با جنایات و دیگر قانون شکنی ها" اشاره می شود .

در انتهای این فصل به اهمیت نهاد های امنیتی د ولتی برای مبارزه علیه
 " فعالیت روزافزون خرابکارانه سا زمان های مخفی امپریالیستی بر علیه اتحاد شوروی
 و دیگر کشورهای سوسیالیستی " تحت رهبری حزب تأکید می گردد و از اهمیت
 افزایش توان دفاعی و قدرت رزمی نیروهای نظامی و تحکیم انضباط نظامی در میان
 آنان سخن گفته می شود . (۲۷)

xalvat.com

تمامی اصلاحات مذکور برای تقویت د مکراسی سوسیالیستی از نقطه نظر بسط
 انقلاب علمی و فنی ، عمقی کردن همه جانبه تولید ، توسعه انباشت سوسیالیستی و
 بهبود سا زماندهی مدیریت و تغییر و تحول عمومی مناسبات اجتماعی متناسب با آن
 مطلقاً ضروری هستند . برآستی نیز هیچ گامی به پیش د ر تکامل سوسیالیزم نمی توانست
 بدون اقدامات متناظر در حوزه سیاست ، فرهنگ و مشارکت توده ها در امور اداره
 حکومت و تولید به فرجام رسد . از این رو تمامی این اصلاحات بویژه تقویت نهاد های
نماینده گی شورائی ، اتحادیه ای و غیره ، آشکارگرائی و بهبود روش های انتخاباتی و
تقویت نهاد های د مکراسی مستقیم از جمله مجامع عمومی ، مثبت و از نقطه نظر اقدامات
 سوسیالیستی مطلقاً ضروری اند .

با این همه این اصلاحات، هنوز بایک رشته تغییرات کیفی در امر احیای د مکراسی
 شورائی در اتحاد جماهیر شوروی فاصله دارند . بگذرید آنچه را از نقطه نظر اصول
 لنینی نقش سا زمانهای کارگری در دوران گذار به کمونیزم ، حائز اهمیت است ، مجسم د ا
 مورد تأکید قرار دهیم .

لنین د رآستانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر د مقاله ای تحت عنوان "آیا
 بلشویک ها می توانند قدرت د ولتی را حفظ کنند " مورخ سپتامبر ۱۹۱۷ نوشت : "وقتی
 پرولتاریا به پیروزی رسد چنین عمل خواهد کرد : از اقتصاد دانان ، مهندسیان ،
 کارشناسان کشاورزی و نظائر آنها خواهد خواست که تحت کنترل سا زمان های کارگری
 "برنامه ای" تدوین کرده و صحت آن را به دقت تحقیق نمایند ، از طریق ایجاد تمرکز به
 طرح روش های کاراندوز بپردازند ، و ساده ترین ، ارزان ترین ، راحت ترین و
 مطمئن ترین معیارها و روش های کنترل را ابداع کنند . " (۲۸)

از دیدگاه لنین ، کارکنان فنی و مدیریت می باید تحت کنترل سا زمان های



کارگری عمل کنند ، این هسته اصلی دیدگاه وی را در باره د مکرسی کارگری تشکیل می دهد . وی همین ایده را در بحبوحه مجادله بر سر ضرورت کاربست مدیریت فردی تکرار کرد . وی گفت : " هرچه ما اکنون قاطعانه تر باید از یک حکومت محکم و نیرومند ، از دیکتاتوری افراد در روند های معین کار ، در جوانب معین صرفا اجرایی عملکردها جانبداری کنیم ، به همان اندازه باید اشکال و طرق کنترل ازبائین برای مقابله با هرگونه سایه روشنی از امکان تحریف (قلب) اصول حکومت شورائی متنوع تر باشد ، به منظور آنکه کوارا و به نحوی خستگی ناپذیر بوروکراسی را ریشه کن کنیم . " (۲۹)

xalvat.com

ملاحظه می کنیم که برای لنین مدیریت فردی جنبه اعمال دیکتاتوری فردی در حوزه های " صرفا اجرایی " را در بر داشت و به هیچوجه به معنای نقض کنترل توده های سازمان های کارگری پیرامون تصمیم گیری در مورد کلیه امور تعیین کنند اقتصاد ، سیاسی و سازمان اجتماعی کار نبود . وی هرگز ایده کنترل توده های سازمان های کارگری را با ایده مشارکت کارگری در مدیریت تعویض نکرد . حال آنکه در ادبیات کنونی اتحاد جماهیر شوروی و منجمله در گزارش سیاسی ، همواره ایده مشارکت کارگری در مدیریت تحت لوای ضرورت مدیریت فردی با ایده کنترل توده های تعویض می شود . از این رو است که مثلا آکادمیسین کامنیست در اثر خود تحت عنوان " تجربه اداره صنایع در اتحاد شوروی " پیرامون حدود واقعی اختیارات سرپرستان در اتحاد جماهیر شوروی چنین اظهار نظر می نماید : " سرپرستان کارگاه ها حق دارند کارگران را استخدام یا اخراج کنند ، برای آنان پاداش یا مجازات تعیین کنند ، و مهارت آنان را ارزیابی نمایند ، آنان همچنین مسئولیت دارند که مراقبت کنند تا برنامه بخش ، پروژه در کارگاههایی که براساس حسابداری اقتصادی سازماندهی شده اند ، با تمام جزئیاتش اجرا شود و کار همه کارکنان کارگاه با برنامه دولتی هماهنگ باشد . " (۳۰)

سرپرستان ، فورمن ها ، مدیران و مهندسين در بنگاه ها تقریبا همه گونه اختیاراتی دارند و این در حالی است که قدرت و موارد تصمیم گیری مجامع عمومی کارگری در کارخانه به همان اندازه ضعیف است و آیا برآستی در صورت تقویت مجامع عمومی و اعمال نظارت آنان بر اقدامات مدیریت ، امکان مبارزه با " انبار کردن های " مدیریت وحیف و میل آنها وجود نمی داشت ؟ و آیا بالعکس سلب اختیارات از توده کارگران افزایش



اقتدار مدیریت و سرپرستان و غیره ، هراس کارگران از مدیریت و انفعال سیاسی آنان را موجب نگردیده است بنحویکه امروز گزارش سیاسی از این مطلب پیساد می کند که "چنین انفعالی به مذاق مدیرانی که تولید برایشان مهمتر از مردم است خوش می آید." اما برآستی آیا این اختیارات مدیران حتی از نقطه نظر افزایش تولید نیز نقش مثبتی بازی می کند و یا بالعکس "چنین انفعال" و "چنان اقتداری" موجب حیف و میل در تولید ، عدم عقلانی بودن تولید ، رکود و وره ای تولید و کاهش انگیزه تولید در میان تولید کنندگان مستقیم می گردد ؟ ؟

xalvat.com

ارگان های توده ای کارگران در اتحاد جماهیر شوروی ، اعم از اتحادیه ها ، کنفرانس های دائمی تولید ، مجامع عمومی ، اساسا در حد مشورت یا مشارکت در مدیریت ایفای نقش می کنند و فاقد هرگونه قدرت کنترل توده ای می باشند . سازماندهی "کار تحلیل مؤسسه" نیز با مسئولان کارگاههای تولید و سرکارگرها است. کامنیستسر این موضوع را چنین بیان می کند : "این همه بدان معنا است که در واقع کار تحلیل نه تنها بوسیله تحلیل گر اقتصادی بلکه به توسط همه کسانی انجام می گیرد که هر کدام مدیر یکی از عرصه های مدیریت اقتصادی مشغولند اعم از اینکه مدیر مؤسسه باشند یا مسئول کارگاه تولید ، سرکارگر باشند یا طراح و فن شناس و غیر آنها ." (۳۱)

و حالا این روال کار را با آنچه لنین از برقراری مدیریت فردی مد نظر داشت ، مقایسه کنیم : " ما باید بیا موزیم که چگونه د مکراسی "مجمع عمومی" کارگران - خروشان و متلاطم ، پر جنب و جوش که نظیر سیل بهاری بر سواحلش می توفد - را با انضباط آهنین در هنگام کار ، با اطاعت بی چون و چرا از اراده یک فرد ، رهبر شوروی ، در هنگام کار تلفیق کنیم ." (۳۲)

از دیدگاه لنین انضباط آهنین و اطاعت بی چون و چرا از اراده یک فرد در هنگام کار ، همانقدر ضروری است که د مکراسی "مجمع عمومی" کارگران به هنگام مباحثه و اخذ تصمیمات در باره روال کار ، و حال آنکه در اتحاد جماهیر شوروی د مکراسی "مجمع عمومی" کارگران از حالت خروشان و متلاطم ، پر جنب و جوش که نظیر "سیل بهاری بر سواحلش می توفد" ، افتاده است و بقول گزارش سیاسی د چار "انفعال" گردیده است. اما چرا ؟ زیرا اعمال اراده مدیریت فراتر از حد ود اجرایی و "بهنگام کار" رفته است و به برقراری اقتداری سلب اراده کنندگان از توده کارگران سوق یافته است . و حال آنکه مدیریت فردی



بدون اشکال و طرق متنوع کنترل توده‌های ازیائین به تحکیم اقتدار بوروکراتیک مدیوران و سرپرستان تام‌الاختیار منجر می‌شود ، تا آنجا که بنابه گزارش سیاسی کارگرانی هستند که از "طرح‌های تولیدی مؤسسه خود خبرند ارند ." **xalvat.com**

به علاوه لازمه فعال کردن نهاد‌های توده‌ای ، تقلیل مداوم سیستم انتصابات در این نهادها ، تبدیل اتحادیه به حلقه اتصال حزب و دولت با عموم کارگران (و نه ادغام شدن اتحادیه در دستگاه دولتی و حزبی) ، مشارکت دادن توده‌های غیرحزبی در امور و برانگیختن آنان برای کنترل و مبارزه با کجروی‌های بوروکراتیک دولت است . اینها جملگی جزئی از اید‌های لنین درباره نقش اتحادیه‌ها و رابطه آنها با حزب و توده طبقه را تشکیل می‌دهد . بویژه نقش اتحادیه‌ها در مبارزه با کجروی‌های بوروکراتیک دولت و دفاع از منافع اقتصادی طبقه کارگر در مقابل اینگونه انحرافات دولت کارگری مطلقاً برای تمامی دوران انتقال به کمونیسم ضروری است .

بعلاوه نحوه اعمال برنامه‌ریزی متمرکز نیز بدین مشارکت سازمان‌های توده‌ای سراسری و منطقه‌ای (اتحادیه‌ها ، شوراهای ، مجامع مصرف‌کنندگان) که به واسطه آنها هم مصرف‌کنندگان و هم تولیدکنندگان در سطح ملی متحد شده باشند ، نمیتواند برپایه ابتکار و انگیزه د ستجمعی و سوسیالیستی بکار افتد . برای برنامه‌ریزی علمی قطعه متخصصین و صاحب نظران نقش فوق العاده مهم ایفا می‌کنند و اما بدین ترکیب این سه نیرو یعنی ارگان‌های مرکزی برنامه‌ریزی مرکب از متخصصین ، نمایندگان سراسری مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ، برنامه‌ریزی از حمایت و مشارکت فعال توده‌ای برخوردار نخواهد شد و نفوذ واقعی و رهبری کنند حزب کمونیست نیز در میان وسیع‌ترین توده‌ها تحکیم نخواهد یافت . واضح است که لازمه این امر گسترش و افزایش د مکراسی ، تقویت هرچه بیشتر نهاد‌های نمایندگی و کلیه ابزارهای د مکراسی صوری (حق تجمع ، بیان ، استفاده از مطبوعات و رادیو و تلویزیون و غیره) خواهد بود . برآستی اید‌لنین مبنی بر این که هر دو بیست کارگری که بخواهند می‌توانند با امکانات دولت از حق تجمع و بیان آزادانه و طرح کلیه پیشنهادات و نقطه نظرات خود تحت حکومت سوسیالیستی بطور عملی برخوردار شوند (یعنی با امکانات دولتی ، امکان مادی تجمع و انتشار نشریه را بدست خواهند آورد) چه خوب به اید‌د مکراسی کارگری به مثابه تکامل آزادی‌های صوری پوست و گوشت می‌دهد . و این امر چه بخوبی می‌تواند



د وجهت گسترش د مکراسی سوسیالیستی و تحکیم رابطه زنده و خلاق حزب با توده کارگران د راتحاد جماهیر شوروی بکار رود . بعلاوه لازمه اجرای اصل وکالت شورائیی عبارت است از حق انتخاب کنندگان برای عزل انتخاب شوندگان در هر لحظه و نیز الغای هرگونه امتیاز ویژه مادی برای موکلین د رقبال حق وکالت (این امر با شعار پرداخت حقوق یک کارگر متوسط به نمایندگی قدرت شورائی مترادف است) . دقیقاً برای تقویت وکالت شورائی باید این اصول را به رسمیت شناخت و آنها را در عمل احیا کرد .

xalvat.com

سرانجام درباره اهمیت مطلقاً ضروری ارگان های امنیتی تحت رهبری حزب برای مبارزه با اقدامات خرابکارانه امپریالیستی و تقویت بنیه دفاعی نهاد های رزمی اتحاد جماهیر شوروی (به ویژه بخاطر تحمیل بار سنگین و اجباری هزینه های نظامی از جانب د ول امپریالیستی به اتحاد جماهیر شوروی) باید بگوئیم که د راین مورد به هیچ وجه از تقویت نهاد های شورائی د رارتش ، تقلیل امتیازات به حد اقل د ر صفوف ارتش سرخ که به احساسات برابری و رفاقت د رارتش سرخ لطمه می زند ، سخنی د رگزارش سیاسی به میان نیامده است . و حال آنکه توسعه د مکراسی سوسیالیستی ، بدون بسط د مکراسی سوسیالیستی د رمیان نیروهای نظامی یعنی یکی از ارکان اساسی قسم د رت کارگری ، ناممکن می باشد .



فصل چهارم: درباره مفهوم سوسیالیزم پیشرفته

xalvat.com

اگر از لحاظ اقتصادی، مهمترین اصلاحی که در کنگره ۲۷ مورد تصویب قرار گرفت عبارت بود از عمقی کردن همه جانبه تولید و توسعه همه جانبه روابط کالائی - بولی (اتخاذ پیگیرانه اصل بالا بردن بهره‌وری یکایک بنگاهها)، از لحاظ ایدئولوژیک مهمترین تحول عبارت بود از عقب نشینی و تجدید نظر درباره چشم‌انداز نزد یک پیروزی کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی و ارائه تفسیری متفاوت از سوسیالیزم پیشرفته.

چنانکه می‌دانیم برنامه سوم حزب کمونیست مصوب ۱۹۶۱، وعده تحقق نزد یک کمونیزم را در اتحاد جماهیر شوروی داده بود. برنامه اعلام می‌داشت که از ۱۹۷۱، اتحاد جماهیر شوروی باید با برقرار کردن شش ساعت روزانه کار، الغای کاریدی را تحقق بخشد و تا سال ۱۹۸۱ تمام یا تقریباً تمامی حمل و نقل و مسکن باید رایگان گردد. تولید صنعتی باید شش برابر افزایش یابد و سطح بارآوری کار در مقام مقایسه با آمریکا به دو برابر و نیم ارتقا یابد و سطح زندگی آمریکائی پشت سر نهاده شود. به یک کلام در برنامه ۱۹۶۱، از امکان ساختمان کمونیزم در اتحاد جماهیر شوروی بسیار "شیرین‌ترین" عبارات جانب‌داری بعمل آمده بود. (۳۳)

حال آنکه گورباچف در کنفرانس ژوئن کمیته مرکزی پیرامون طرح برنامه نوین حزب کمونیست شوروی اظهار داشت که این برنامه برخلاف برنامه ۱۹۶۱، می‌خواهد "از جزئیات زائد و فانتزی‌های بی پایه اجتناب کند" و راستی نیز از وعده‌های بی پایه برنامه سوم در برنامه جدید خبری نیست. بجای آن "فانتزی‌ها"، د و برنامه‌های سنجیده و واقعی عنوان گردیده‌اند، از جمله اینکه: "در طی ۱۵ سال آینده بارآوری کار ۲/۵ تا ۳ برابر خواهد شد" (۳۴) و اینکه "هر خانواده شوروی از اکنون تا سال ۲۰۰۰ یک مسکن انفرادی، خانه یا آپارتمان خواهد داشت." (۳۵)



د ریخش د وم برنامۀ جدید که به "وظایف حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی د را مرتکمل سوسیالیزم و گذار به کمونیسم" اختصاص یافته، آمد هاست که " هر تلاشی برای جهیدن از مراحل، اعمال اصول کمونیستی بدون به حساب آوردن سطح بلوغ مادی و معنوی جامعه، همچنان که تجربه می آموزد، نه تنها محتوم به شکست است بلکه همچنین موجبات ضایعات اقتصادی و سیاسی را به بار می آورد." (۳۶) دقیقاً پس از این عبارات است که ضمن تأیید "پروژه های انکارناپذیر دهه ۷۰ و اوایل سالهای ۸۰، از" ضعفها و نارسائی های" این دوران انتقاد می شود.

بدین ترتیب، برنامه جدید "معقول" شده است و برقراری کمونیسم رانده گامی فوری بلکه به آیند های دور محول نموده است. هسته عقلانی و واقع بینانه برنامه جدید از کجانشأت می گیرد؟ از لحاظ تکنیکی از واقعیت برخی عقب ماندگی های جدی اتحاد جماهیر شوروی د را مکاربست انقلاب علمی و فنی، و از لحاظ اقتصادی از توسعه با زهم بیشتر روابط کالائی - پولی. انتقاد از "ذهنی گرائی" دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد نیز بدین معناست که علاقه مدبران، صاحبان فن و بطور کلی دستگاه اداری، فنی و مادی اقتصاد به اندازه کافی به سود بنگاه ها و مقولات کالائی - پولی گره نخورده و اختلالات اساساً از طریق مداخلات همه جانبه، بی مورد و دلخواهانه ارگانهای مرکزی در جزئیات امور بنگاه ها، تصحیح می گردد. بدین لحاظ در گزارش سیاسی کارار از کاربست فوری و بی موقع اصول کمونیستی، اعمال موازین کمونیستی بدون احتساب سطح بلوغ مادی و معنوی جامعه انتقاد بعمل می آید و به پیش داوریه های بی مورد در اذهان کادر رهسار پیرامون اجتناب از مقولات کالائی - پولی اعلان جنگ داده می شود. ملاحظه کنید: "وقت آن نیز رسید هاست که بر تعصبات حول روابط پولی - کالائی و کمپادان به این روابط در هدايت برنامه ریزی شده اقتصاد غلبه کنیم. روبروافتن از فهم این که این روابط بر شوق مردم به کار بهتر و گاوآبی تولید اثر فعالی دارند، اصل حساب داری هزینه ها را تضعیف کرده و منجر به پیامدهای ناخوشایند دیگری شود." (۳۷) و یا: "همه پیش بینی ها و استنتاجات درست نبودند. تبدیل وظایف ساختمان همه جانبه کمونیسم به اقدامات مستقیم عملی نشان داده است که عملی زود رس است. اشتباهات محاسباتی معینی نیز در تعیین مواعد مقرر حل برخی مسایل مشخص رخ داده." (۳۸) در طی همه پرسشی درباره طرح برنامه حزب نیز مهمترین مسأله مورد مشاجسه



گنجاندن اصطلاح "سوسیالیسم پیشرفته" در برنامه بود . در این مورد گزارش سیاسی چنین اظهار نظری می کند : "در حالی که برخی پیشنهاد می کنند که اشاره به سوسیالیسم پیشرفته باید به کلی از برنامه حذف گردد ، دیگران بر عکس اعتقاد دارند که این مسأله باید مفصلتر طرح گردد . طرح (منظور طرح برنامه است - نویسنده) موضعی متوازن و واقع بینانه در این باره مطرح می کند . استنتاجات اصلی در مقابل جامعه نوین سوسیالیستی تأیید می کنند که کشور ما به مرحله سوسیالیزم پیشرفته رسیده است . ما همچنین در مقابل هدف ساختمان سوسیالیزم پیشرفته مطرح می کنیم . در عین حال مناسب است توجه داشته باشیم که نظرات مربوط به سوسیالیسم پیشرفته در کشور ما به عنوان واکنشی در برابر نظرات ساده نگرانه بیرامون راه ها و مواعید انجام ساختمان کمونیسم ترویج گشت . اگرچه در ادامه ، تأکیدات در تبییین سوسیالیزم پیشرفته به تدوین تغییر گفته دادند . " (۳۹) xalvat.com

بنابراین در مورد گنجاندن یا عدم گنجاندن سوسیالیسم پیشرفته ، تقابل نظریات وجود داشته است و کنگره ضمن میانگین گرفتن بین این دو نظریه و چرخاندن کفه سنگین وزنه تفسیر از این اصطلاح به نفع فاصله گرفتن از " راه ها و مواعید انجام ساختمان کمونیسم " ، روشی واقع بینانه در پیش گرفته است .

اما نکته اصلی در باره " سوسیالیزم پیشرفته " کدام است ؟ اصطلاح " سوسیالیزم پیشرفته " وسیله ای است برای توجیه تناقضات ناشی از تزامنان ساختمان کمونیسم در یک کشور . از یک سو کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی می تواند ساخته شود و بنابراین قاعدتاً و بنا بر همین منطبق باید در جهت ساختمان آن به پیش رود ، اما از سوی دیگر مقولات اقتصادی ، سود ، دستمزد ، اعتبار و غیره برجای خود باقی می مانند و دولت سوسیالیستی نیز به جای آنکه زوال یابد ، مدام تقویت می شود . پس کدامیک از این دو را باید باور کرد : ساختمان کمونیسم و اجرای موازین کمونیستی یا بقای روابط کالائی - پولی و تقویت دولت ؟ ! از سوسیالیسم پیشرفته در رابطه ای تکوین خود میانگینی ارائه می داد ، بدین معنا که ضمن تصدیق امکان ساختمان کمونیسم در یک کشور ، یک مرحله بینابینی نسبتاً طولانی بین سوسیالیزم (فاز اول) و کمونیسم (فاز دوم) قائل می شد و بدین ترتیب مراحل تکوین ساختمان جامعه کمونیستی به سه پله : السف (



سوسیالیزم ، ب) سوسیالیزم پیشرفته ، ج) کمونیزم ، تقسیم می‌گردد . در دهه هفتاد مفهوم سوسیالیزم پیشرفته از جنبه نزدیک شدن هرچه بیشتر اتحاد جماهیر شوروی به کمونیزم مورد تأکید قرار گرفت ، و حال آنکه کنگره ۲۷ با تأکید بر ضرورت بسط همه جانبه روابط کالائی - پولی از این تعبیر فاصله می‌گیرد و جوانب اتوپیک و غیرواقعی تفسیر پیشین را مورد انتقاد قرار می‌دهد . بدین معنا که کنگره ۲۷ ، جانب واقع گرایی را برمی‌گزیند ، این اما هنوز با اتخاذ موضعی مارکسیستی - لنینیستی در مورد عدم امکان ساختمان کمونیسم در یک کشور فاصله دارد .

xalvat.com

از نقطه نظر مارکسیسم - لنینیسم ، کمونیزم بدون تحقق انقلاب جهانی و پیروزی انقلاب لا اقل در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری ممکن نیست و بنابراین پرولتاریای یک یا چند کشور به تنهایی قادر به برقراری کمونیزم در محدوده جغرافیائی خود نیستند . در نگرش مارکسیستی - لنینیستی تمامی پیروزی‌های بدست آمده پرولتاریا در مسیر انقلاب جهانی ، حکم سنگرها و دژهای توسعه‌ی انقلاب را دارد . تحدیق این مطلب از جانب حزب کمونیست شوروی به معنای پذیرش اهمیت انقلاب جهانی بمثابه شرط ضروری و حیاتی تکامل جامعه شوروی از سوسیالیزم به کمونیزم و آمادگی هرچه بیشتر این حزب در مبارزه با تئوری‌های ناسیونالیستی و یاری رساندن فعالانه به انقلابات کارگری و رهائیبخش است و این همه مستلزم تغییراتی قابل توجه و جدی در سیاست خارجی و داخلی حزب کمونیست شوروی خواهد بود . حال آنکه انتقاد رئالیستی (واقع بینانه) از تفاسیر نادرست درباره "سوسیالیزم پیشرفته" و کاربست زودرس موازین کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی ، اساساً متوجه تنظیم هدف‌های معقول برپایه بسط روابط کالائی - پولی و جبران بی‌علاقگی و رکود مدیترانه و بوروکرات‌ها به بهبود عمومی اقتصاد ملی از راه پیوند زدن منافع آنان به سود حاصل از مؤسسات تولیدی است . این جان‌کلام ، انتقادات از "ذهنیگری" و تفاسیر غلط رایج درباره "سوسیالیزم پیشرفته" دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد و برنامه سوم حزب به سال ۱۹۶۱ است و حال آنکه رئالیسم نمی‌تواند در دراز مدت جانشین خوبی برای انتقاد مارکسیستی از انحرافات و کجروی‌های ناسیونالیستی و بوروکراتیک باشد .



فصل پنجم: مناسبات کشورهای سوسیالیست و احزاب کمونیست

xalvat.com

یکی از مهم‌ترین تفاهات سیاسی عهد مصلی مصریه کنتره ۲۷ د رقیاب به با برنا به سوم ، نه به به متفاوت بر خورد آن به اختلافات فیما بین د ول واحزاب کمونیست است. د برنا به سوم ، رویزیونیسم یا اپورتونیسم راست به شا به انعکاس نشود بورژوازی ، خطر اصلی د روین جنبش کمونیستی قلمداد شده بود و پیرامین مظهر این نوع رویزیونیسم چنین آمد هبرد : "ایدئولوژی رویزیونیسم بطور کاملی د برنا به جناح کمونیستهای یوگسلاوی تبلور یافته است." (۴۰) برنا به سوم ، رویزیونیستهای یوگسلاوی را مورد انتقاد قرار میداد که با ختمان سوسیالیزم بطسور منفرد ممکن نیست و از مختصات اصلی رویزیونیسم چنین یاد میکرد: "رویزیونیستها ضرورت تاریخی انقلاب سوسیالیستی و د یکتاتوری پرولتاریا را انکار میکنند. آنها انقراض رهبری کنند ه حزب مارکسیست-لنینیست را انکار مینمایند و به مبادی انترناسیونالیسم پرولتاری به مبادی نمی دهند و به ناسیونالیسم رمیغ میزنند." (۴۱) به علاوه د رطبی کنفرانسها و گرد همائی های د هه شصت و مصوبات پلنومهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی د رطبی د هه هفتاد ، حزب کمونیست چین و مائوتسینگ به شدت یدترین وجهی به شا به انحرافی خرد ه بورژوا ناسیونالیستی مورد انتقاد قرار می گرفت و موضوع به بود مناسبات با حزب کمونیست چین چند آن مورد تأکید نبود . علاوه بر اختلافات شوروی با یوگسلاوی و چین ، یکرشته اختلافات اصولی فیما بین حزب کمونیست اتحاد شوروی و برخی احزاب کمونیست اروپایی (ایتالیا ، فرانسه ، اسپانیا) پیرامون انکار ضرورت د یکتاتوری پرولتاریا از جانب احزاب مذکور د رکشورهای اروپایی وجود داشت که مورد مناقشه بود .

برنامه نویین حزب کمونیست اتحاد شوروی و گزارش سیاسی ، به اختلافات فیما بین د ول واحزاب کمونیست ، با کلی ترین عبارات برخورد می کند ، و فرمیسم ، اپورتونیسم و دگماتیسم بطور کلی محکوم می شوند و تأکید ویژه ای بر "استقلال احزاب کمونیست" و ضرورت وحدت احزاب کمونیست "علیرغم وجود عدم توافقها حول مسائل متعین" (۴۲)



به عمل می آید . در برنامہ جدید هیچگونه اشارہ ای به رویزیونیسم در مورد حزب کمونیست یوگسلاوی و چین وجود ندارد . بالعکس ، برنامہ ضمن تصدیق وجود برخی اختلافات ، تلاش مثبت و صادقانه اتحاد شوروی برای نزدیکی و بهبود هرچه بیشتر مناسبات با حزب کمونیست چین را منعکس می کند . گزارش سیاسی درباره روابط با حزب کمونیست چین چنین اعلام می دارد : " ما اینطور نمی بینیم که خانواده کشورهای سوسیالیستی بوسیله سدی از دیگر کشورهای سوسیالیستی جدا شده باشند . . . در صد و هرچیز ما می کوشیم در یابیم که چه چیز ، جهان سوسیالیسم را متحد می سازد . از این رو کمونیست های شوروی از هرگامی در رجعت روابط نزدیکی تر میان همه دولت های سوسیالیستی و هر پیشرفت مثبتی در این روابط شاد میشوند . میتوان با خشنودی از تازه ای بهبود روابط اتحاد شوروی با همسایه بزرگش ، چین سوسیالیستی سخن گفت . تفاوت برخورد ها ، بویژه در قبایل شماری از مسائل بین المللی باقی هستند . ولی ما به چیز دیگری توجه داریم ، و آن این است که در بسیاری موارد می توانیم مشترکا کار کنیم ، و بر بنیادی اصولی و برابر و بدون پیش داوری نسبت به کشور ثالث همکاری نمائیم ."

(۴۳) این تحول در مناسبات حزب کمونیست اتحاد شوروی و چین نتیجه طبیعی انتقاد از مائوئیسم ، تغییر در سیاست داخلی و خارجی حزب کمونیست چین از یک سوی و تلاش حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ایجاد یک جبهه واحد کارگری علیه تعرض سرمایه و مبارزه برای صلح از سوی دیگر است . امروزه حزب کمونیست چین علیرغم ادامه برخی سیاست های ارتجاعی در قبایل ویتنام و کامبوج ، از اتحاد جماهیر شوروی بعنوان یک کشور " سوسیال امپریالیست " نام نمی برد بلکه اتحاد شوروی را به عنوان یک کشور سوسیالیستی به رسمیت می شناسد . حزب کمونیست چین ، در استراتژی " سه جهان " تجدید نظرهایی نموده ، و در سطح داخلی نوعی اصلاحات مشابه " نپ " را (هرچند بایک رشته انحرافات بورژوائی به راست) به منظور تحکیم شالوده های مادی و فنی سوسیالیسم در چین به پیش می برد و مشی مقابله فعالتر با نژاد میگری امپریالیستی و امپریالیسم آمریکا را اتخاذ کرده است . این تغییرات بدون تحولی در مناسبات با اتحاد شوروی نمی توانسته پیگیرانه به اجرا در آید . بعلاوه تعرض امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به کشورهای سوسیالیستی ، جنبش کارگری بین المللی و نهضت های رهاییبخش ، اشتراک منافع عینی اردوگاه کار



راد مقابل ارد و سرمایه تقویت نمود و اتحاد شوروی را به اتخاذ مشی می متناسب با اوضاع "جنگ سرد" رهنمون شده است .

xalvat.com

اگر برنامه نوین و گزارش سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی با کلی ترین عبارات به انحرافات درین جنبش کمونیستی برخورد می کند ، اگر گورباچف در ارزیابی خود از مشی حزب کمونیست ایتالیا ، به برخی از "ایرادات به حق" برلینگوئر اشاره می کند و اگر احزاب سوسیال دموکرات به کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی دعوت می شوند ، همه و همه بدین سبب است که حزب کمونیست اتحاد شوروی در مقابل تعرض همه جانبه هارترین محافل جنگ افروز امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا، سیاست ایجاد جبهه وسیعی از نیروهای مدافع صلح جهانی بطور اعم و جبهه وسیعی از نیروهای کمونیست و کارگری بطور اخص برای حفظ صلح جهانی و برقراری مناسبات "عادی" فیما بین کشورهای سوسیالیستی با کشورهای سرمایه داری را در پیش گرفته است . مادر فصل آتی مقاله حاضر ، دیدگاه خود را نسبت به این سیاست ابراز خواهیم نمود ، اما در اینجا ضروری بود که دلیل این تغییر روش حزب کمونیست اتحاد شوروی را نسبت به یکرشته اختلافات فیما بین دول و احزاب کمونیست روشن می نمودیم .

و اما سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی در قبال مجموعه کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان شورای همیاری اقتصادی و ورشو ، عبارت است از تقویت هر چه بیشتر پیمان ورشو به منظور حفظ توازن قوای نظامی بین المللی و ارتقاء مناسبات اقتصادی فیما بین این کشورها از سطح روابط تجاری ساده به سطح همکاری زرفتر در تولید مشترک ماشین ها و مجتمع ها و سازمان های پژوهش و تولید مشترک . (۴۴) حزب کمونیست اتحاد شوروی در ادامه تعرض انقلابی صلح طلبانه خود به تلاش های ماجراجویانه و نژاد میگری امپریالیستی به صراحت در تألیف نوین برنامه خویش اعلام نموده است که آماده است تا پیمان ورشو و ناتو بطور مشابه و همزمان منحل شوند و به عنوان نخستین گام " سازمان های نظامی آنها منحل گردد . " (۴۵) دولت شوروی و متحدان وی خواهان احراز تفوق نظامی نبوده و بدین لحاظ آماده هرگونه اقدام جدی و رادیکال در جهت نابودی سلاح های هسته ای و قراردادهای نظامی و جانبیه نظام سرمایه داری و سوسیالیستی می باشند ، اما " آنها همچنین



اجازه نمی دهند که تعادل نظامی و استراتژیک موجود در سطح بین المللی به هم
بخورد . " (۴۶)

xalvat.com

از لحاظ اقتصادی ، برنامه نوین و گزارش سیاسی ، بر ضرورت ادغام اقتصاد
هرچه بیشتر کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی تأکید می نمایند . در
برنامه سوم پیرامون ادغام سوسیالیستی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی چنین اظهار
نظر شده بود : " حزب کمونیست اتحاد شوروی برای این موضع است که اشکال موجود
روابط اقتصادی بین کشورهای سوسیالیستی - تجارت خارجی ، هماهنگی نقشه های
اقتصادی ، تخصصی شدن و ترکیب تولید - هرچه بیشتر گسترش و تکامل خواهد
یافت . " (۴۷)

معهدا مناسبات فیما بین کشورهای سوسیالیستی عمدتاً در چارچوب روابط
تجاری و جنبه و چند جانبه باقی ماند و یک بازار مشترک واقعی بین این کشورها وجود
نیامد . همچنان که همکاری نزدیک و ژرفی در امر تولید بین آنها تحقق نیافت . دلیل این
امر را اساساً باید در نقش کشورهای سوسیالیستی در چارچوب تقسیم کار اقتصاد جهانی
جستجو کرد . واقعیت این است که در رباط اقتصاد جهانی ، نظام سرمایه داری نقش
سلطه را دارد ، و اقتصاد سوسیالیستی هر چند محاصره نظام سرمایه داری را شکسته
است اما هنوز به برتریهای متعدد مالی ، اقتصادی و تکنولوژیک آن نیا زمند است و تا
حدودی بدان وابسته می باشد . کشورهای سوسیالیستی از لحاظ تکنولوژیک ، مالی و سطح
بازاری کارا را نظام جهانی سرمایه داری عقب ترمی باشند و اگرچه تقسیم کار بین المللی
پیشین بین کشورهای سوسیالیستی به مثابه صاد رکننده مواد خام و کشورهای سرمایه
داری به مثابه صاد رکننده وسایل تولید و ماشین آلات در چارچوبی قابل توجه گردیده و
هم اکنون کشورهای سوسیالیستی به نحو چشمگیری به تولید محصولات صنعتی و صدوران
به کشورهای به اصطلاح " جهان سوم " مبادرت می کنند ، اما هنوز این تقسیم کار فیما بین
دول سوسیالیستی با دول معظم سرمایه داری تا حد زیادی به قوت خود باقی است . در
این مورد کافی است به نحوه رشد مبادلات تجاری در بلوک در طی دهه هفتاد نگاه
بفکنیم . دهه هفتاد را ملاک قرار می دهیم زیرا در دهه های پنجاه و شصت به دلیل
" جنگ سرد " بین بلوک ، حجم مبادلات تجاری آنها به شدت تنزل یافته بود
کنفرانس هلسینکی در سال ۱۹۷۵ به ابتکار شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی دارای



اهمیت عمده‌ای برای توسعه روابط اقتصادی فیما بین د و بلوک و به ویژه کشورهای سوسیالیستی با اروپای باختری (آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و بریتانیا) بود. حجم مبادلات اتحاد شوروی با کشورهای مذکور در طی دوران دهه ساله ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۶، از ۳/۲ میلیارد به ۱۳/۲ میلیارد روپل افزایش یافت. (۴۸) اما ساخت این مبادلات افزایش یافته از چه قرار بود؟

xalvat.com

بنابراین گفته می‌شود که متری کوستیکوچین آکاد میسین علوم اتحاد شوروی: "واردات کشورهای سوسیالیستی از اروپای غربی عمدتاً عبارتند از ماشین‌آلات و تجهیزات، مواد شیمیایی، میله‌گرد، مفتول و لوله‌های کلفت فولاد برای نفت و گاز، و کالاهای مصرفی. در مقابل آنها (کشورهای سوسیالیستی - مترجم) به صادرات نفت، محصولات نفتی، گاز طبیعی، قاشق سنگ، چوب، سنگ‌های آهنی و غیرآهنی و فلزات، پنبه، میوه، سبزیجات، شراب، و سایر محصولات کشاورزی مبادرت می‌کنند." (۴۹) این ساخت تجاری، مبین آن است که هنوز کشورهای سوسیالیستی عمدتاً به صادرات رکننده مواد خام به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و واردکننده ماشین‌آلات و تجهیزات در چارچوب بازاری جهانی عمل می‌کنند. این امر ناشی از این حقیقت است که محصولات صنعتی کشورهای سوسیالیستی به استثناء چند مورد در بازار جهانی به دلیل کیفیت نازل و پایداری کم و قیمت بالا ترا تولیدات مشابه خود در غرب و یا ترکیبی از هر دو، قدرت رقابت ندارند و تقاضای محصولاتشان در کشورهای امپریالیستی محدود است. بدین لحاظ نیازمند بهای دول سوسیالیستی به ارز محکم غربی و تکنولوژی پیشرفته آنها، در شرایطی که بانکهای غرب نیز آمادگی واگذاری اعتبار به کشورهای سوسیالیستی و توسعه روابط تجاری با آنها بودند، سبب می‌شد که کشورهای عضو کومکن، تجارت با کشورهای غربی را نسبت به بازرگانی در چارچوب سازمان اقتصادی خود ترجیح دهند. بدین سبب کشورهای عضو کومکن هرگز یک بازار مشترک تشکیل ندادند و بارزترین نمود این واقعیت نیز فاصله‌های طولانی اجلاس‌های کومکن بود. بعلاوه فقدان یک پول قابل تبدیل محکم در کاد کومکن سبب گردید که اولاً مبادلات تجاری فیما بین کشورهای عضو، اساساً خلعت تهاتری داشته و به معاملات دو جانبه یا چند جانبه محدود گردد، و ثانیاً ز کشورهای عضو کومکن به دلایل بطور روزمره افزایش یابد.



با توجه به ساخت مبادلات تجاری شرق و غرب در دهه هفتاد که به صد و ر محصولات صنعتی شرق به غرب میدان نمی داد ، و تنزل قابل توجه اضافه محصول کشاورزی قابل صد و ر بسیاری از د مکراسی های توده های ، د ول کارگری برای تأمین ارز مورد نیاز خود جهت دست یابی به تکنولوژی و ماشین آلات غرب ، به د و وسیله متوسل شدند : الف) صادرات فزاینده مواد خام ، ب) اخذ اعتبار هرچه بیشتر از خود کشورهای امپریالیستی . برخی مبادلات تهاتری برپایه صد و ر مواد خام و ورود ماشین آلات از کشورهای غرب ، چشم انداز مساعدی برای گسترش روابط تجاری بین و ن وابستگی مالی برای بلوک سوسیالیستی ایجاد می کرد (نظیر مبادله گاز طبیعی شوروی د رازای لوله های ساخته شده بوسیله آلمان غربی ، ذرت آلمان شرقی د رازای فولکس واگن آلمان غربی و غیره) ، اما این گونه مبادلات نقش تعیین کننده ای د ر جلوگیری از وابستگی فزاینده مالی پاره ای از کشورهای د مکراسی توده های به ارد وگاه امپریالیزم نمی توانست ایفاء نماید . رابطه بین صادرات به کشورهای امپریالیستی و کل دیون به این کشورها به ویژه د رمورد لهستان ، بلغارستان و رومانی روبه خراب شدن نهاد . (*) د رعین حال اتحاد شوروی که به مدت بیست سال به اردزان ترین قیمت نفت و مواد سوختی را برای سایر کشورهای سوسیالیستی تأمین می نمود ، برای تهیه منابع ارزی محکم مجبور به تغییر سیاست قیمت گذاری نفت شد . اکنون اتحاد شوروی نفت خود را به قیمت های متناسب با نفت خاورمیانه به اعضای کومکن می فروشد و " سهم فروش نفت خود را د رازای ارزهای محکم به غرب افزایش داده است . " (۵۰) اگرچه از سال ۱۹۷۵ به بعد ، شوروی قیمت نفت صادراتی خود به کشورهای عضو کومکن را افزایش داد (*) برخی از کشورهای د مکراسی توده های برای تأمین ارز محکم به هروسیله ممکن توسل جستند . از جمله این روشها می توان از ایجاد فروشگاه های بد و ن صف و بد و ن امضای لیست انتظار یاد کرد که صرفا د رازای ارز خارجی جنس می فروشند . این فروشگاه ها د رآلمان شرقی ، لهستان و چکسلواکی رواج دارند . د ررومانی ، حکومت به کارگزاران صنایع صادراتی جوابی به ارز خارجی می دهد . همچنین برخی از کشورهای مذکور برای تأمین ارز محکم اقدام به استقرار نگاه های مختلط با مشارکت شرکتهای چند ملیتی نمودند ، برای نمونه رومانی د ر ۱۹۷۳ ، مجارستان د ر ۱۹۷۲ (باولو و زمینس) و لهستان د ر ۱۹۷۶ (باجنرال موتورز) .



داد ، اما این قیمت د رمقایسه با قیمت با زارجهانی د سطح بسیار پائین تری تنظیم می شود . زیرا شوروی قیمت هر ساله نفت را برپایه قیمت های جاری با زارجهانی د رطی پنج ساله پیشین تعیین می کند و این د رحالی است که اتحاد شوروی به کوبای انقلابی مقداد یرقابل توجهی نفت به رایگان داد ه است و د رمورد برخی کشورهای عضو کومکمن نظیر چکسلواکی و آلمان شرقی شرایط ویژه مناسبی برای بازپرداخت د یون مقرر کرده است . د یون فزاینده د ول کاری به بانکهای امپریالیستی ازد وجهت موجب محدود کردن روابط تجاری با غرب شده است : نخست از این لحاظ که خطراستفاده سیاسی از این د یون توسط د ول امپریالیستی برای اعمال فشار بر کشورهای سوسیالیستی هرچه بیشتر افزایش یافته است و این موضوعی است که نخستین بارسونن فلد همکار سابق کیسینجورد ر سمینار ناتو آشکارا اظهار داشت. د ر این مورد همچنین می توان به استراتژی امپریالیستی مطروحه د ر مجله اکونومیست ، د رطی مقاله ای تحت عنوان "ضعف د روسیه" رجوع کرد که د ر آن پیشنهاد شده است تا با توجه به پائین آمدن قیمت نفت که منبع یک سوم د رآمد ارزی شوروی است و عدم توانائی شوروی د ر افزایش عرضه طلا به دلیل تنزل بیشتر قیمت طلا ، شوروی مجبور به اخذ وام از غرب خواهد شد و غرب باید ارائه هرگونه وام را به وسیله ای برای اعمال فشار بر شوروی د ر جهت توافق با سیاستهای خود نماید . (۵۱) دوم بدین لحاظ که د یون فزاینده و اتکاء هرچه بیشتر به واردات از کشورهای امپریالیستی عالمی مختل کننده د ربرنامهریزی اقتصادی است . علاوه بر د و ملاحظه مذکور باید توجه نمائیم که امروزه نظام جهانی سرمایه داری وارد سوهین مرحله بحران عمومی خود شده و بایک اضافه تولید قابل توجه د ر مقیاس جهانی روبرو است و این امر با زار کشورهای امپریالیستی را برای صد ورمواد خام از جانب د ول سوسیالیستی نامناسب نموده است . همچنین تشدید رقابت تسلیحاتی که به وسیله گروه بندیهای امپریالیستی دامن زده شده و بار سنگین آن بر کشورهای سوسیالیستی تحمیل گردیده است ، این کشورها را مجبور می کند تا برای دفاع مشترک از خود د ر مقابل خطرات ناشی از برهم خوردن توازن نظامی موجود جهانی ، به تقویت هرچه بیشتر پیوندهای نظامی و اقتصادی فیما بین خود مبادرت کنند . از این رو د لیل تأکید کنگره ۲۷ برادغام هرچه فزاینده تر اقتصاد کشورهای سوسیالیستی عضو کومکمن را بایستد د ر ضرورت تحکیم پیوندهای اقتصادی ، مالی و نظامی ارد وگاه سوسیالیزم د ر شرایط



بحران جهانی نظام سرمایه داری ، فشار روزافزون بانکها برای اخذ دیون ، و تسلا ش
دائمی آنان برای احراز تفوق نظامی جستجو کرد . اکنون پرسیدنی است که کنگره ۲۷
کدام نقشه را برای این ادغام فزاینده سوسیالیستی مطرح می کند ؟

گزارش سیاسی جهت و راستای این نقشه را روشن کرده است : گذارا از روابط
ساده تجاری به تخصص ژرف تروهمکاری در تولید و درجه اول ماشین سازی و ایجاد
مجتمع ها و سازمانهای پژوهش و تولید مشترک . به راستی این مسیر یگانه راه قرار دادن
ادغام سوسیالیستی برپایه ای محکم می باشد . بدون تمرکز و تراکم هرچه بیشتر تولید
سوسیالیستی در مقیاس بین المللی ، تکوین یک بازار مشترک فیما بین دول سوسیالیستی
و هدایت با برنامه اقتصاد کلیه کشورهای سوسیالیستی مستقل از فشار سرمایه و بر مبنای
هم سطح سازی پیشرفت و رشد موزون اقتصادی آنان میسر نیست ، تمایل به گسترش روابط
تجاری و صنعتی در میان د مکراسی های توده ای ، اگر نخواهد صرفا واکنشی در مقابل
فشار دیون پرداخت نشده به بانکهای امپریالیستی ، دوران " جنگ سرد " فعلی و اضافه
تولید نظام سرمایه داری باشد ، باید برپایه تولید مشترک سوسیالیستی قرار گیرد ، در
غیر این صورت کمک های متقابل فیما بین دول کارگری " تدبیری " موقت خواهد بود .

ملاقات گورباچف با هوساک در بیرکل حزب کمونیست چکسلواکی در ۳۰ و ۳۱ ماه مه
۱۹۸۵ که در طی آن ضرورت " سطح عالی تر ادغام اقتصادی در میان کشورهای برادر در
همه زمینه ها " (۵۲) توسط هردو طرف مورد تأکید قرار گرفت ، ملاقات تودور ژیکو
در بیرکل حزب کمونیست بلغارستان و رئیس شورای دولتی با گورباچف پیرامون ادغام
اقتصادی فزاینده در دهه ۹۰ و همان سال (۵۳) و قراردادهای متعدد شوروی با
لهستان پیرامون تولید مشترک مصنوعات صنعتی و ماشین آلات در سالهای اخیر ، جملگی
این ضرورت را مورد تأیید قرار می دهند .

xalvat.com

و اما برای تحقق این نقشه ، گزارش سیاسی کدام وسایل و طرق را مجاز می شمرد ؟
گزارش سیاسی پیرامون این مسئله تنهابه ذکر کلی ترین نکات اکتفا می کند ، اما چند نکته
اصلی را که در روابط کشورهای عضو پیمان کو مکن تا زگی دارد ، مورد تأکید قرار می دهد .
گزارش سیاسی اعلام می دارد که : " ولی مسأله اصلی این است که در اجرای این برنامه ،
کمتر ارات ناتوان و انواع کمیته ها و کمیسیون وجود داشته و توجه بیشتر معطوف اهرم
های اقتصادی ، ابتکارات ، مؤسسات سوسیالیستی ، و به مشارکت کشاندن تعاونی های

کار است . این در واقع برخوردی متعهد به یک چنین مسئولیت فوق العاده ای است." (۵۴)
نکات مذکور اساساً دربرگیرنده مجموعه خطوط مصوبه نشست کشورهای عضو کومکن در
مسکو از تاریخ ۱۲ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۸۴ است. در این نشست ، تصمیمات نوینی پس از
آخرین نشست کومکن در سال ۱۹۶۹ پیرامون ادغام اقتصادی سوسیالیستی اخذ شد .
چهره و اساس مصوبات نوین را می توان در مقاله پاول اورسپرگ و سرگی توسکا سوف
اعضای مدیریت هیئت تحریریه ماهنامه " مسائل صلح و سوسیالیسم" تحت
عنوان "قدرت اقتصادی سوسیالیسم : پایه مادی سیاست صلح" و نیز مقاله ارگرینبرگ
وام . لجوبسکیچ در ماهنامه اقتصاد آکادمی علوم اتحاد شوروی تحت عنوان " قیمت و
مناسبات پولی در همکاری فیما بین کشورهای عضو شورای همیاری" ملاحظه کرد .

اعضای مدیریت هیئت تحریریه ماهنامه " مسائل صلح و سوسیالیسم" مضمون
مصوبات نوین را چنین تشریح می کنند : " پیرامون طرق مشخص بهبود همکاری
تصمیم گرفته شد . اجلاسیه از همکاری گسترده تولیدی و برقراری پیوند های مستقیم بین
مؤسسات و مجتمع ها و سازمانها حمایت بعمل آورد . ترکیب موثرتری از فعالیت نقشه ریزی
همراه با استفاده از روابط پولی - کالائی ، بالخصوص ، تکامل تشکیل - قیمت در تجارت
متقابل ، و ابزارهای پولی و مالی پیوند های اقتصادی ، و تقویت روبل قابل انتقال (*) به
عنوان ارز جمعی ، باید به اجراء آید . " (۵۵) خطوط فوق ناظر بر تصمیمات نوین زیر
می باشند :

xalvat.com

۱) ایجاد پیوند های واقعی مستقیم فیما بین مجتمع های تولیدی و بنگاه های
کشورهای سوسیالیست به عنوان حلقه اصلی در تشکیل قیمت های متناسب با قیمت های
جهانی : برطبق توافق کشورهای عضو کومکن ، مبنای انتخاب شده برای قیمت های
مبادله ای ، قیمت جهانی پس از تصحیح نوسانات بازرگانی و موضعی است ، بدین معنا
که قیمت مرجع فیما بین کشورهای عضو ، متوسط قیمت های جاری بازار جهانی در طی
پنج سال پیشین است . با این همه کاربرد بست قیمت جهانی (علی رغم اهمیت روزافزون این
قیمت برپایه توسعه مبادلات تجاری و اشتراک در تولید) در بازار جهانی سوسیالیستی
با موانع متعددی روبرو است . مسئله انتخاب قیمت جهانی به عنوان مبنا ، تنوع
(*) روبل قابل انتقال : واحد محاسبه و وسیله پرداخت برای تعهدات متقابل
فیما بین کشورهای عضو کومکن است .



قیمت ها ، تفاوتهای نسبی برحسب کیفیت کالا ها ، تعرفه های ترجیحی متناسب با حجم فروش ، شرایط پرداخت و غیره از جمله این مشکلات هستند . به علاوه محصولی که در خارج و چوب همکاری بین المللی تولید می شود ، بر طبق مبادلات فیما بین شرکتها و بر حسب قیمت های مبادله ای فیما بین آنها صورت می گیرد و در اینجا قیمت جهانی نسبی نقش قراردادی ایفا می کند . تعدیل قیمت های مذکور متناسب با قیمت جهانی مستلزم یک رشته تغییرات است . در شرایط کنونی مسئله اصلی کشورهای عضو کوئین این است که تجارت را به وسیله ای برای ارتقاء بارآوری مبدل نمایند . پاسخ کشورهای کوئین به این معضل در ادامه منطقی مجموعه اصلاحات اقتصادی داخلی است که هم اکنون در اتحاد شوروی و یک رشته کشورهای سوسیالیستی در دست اجرا است . مبنای این پاسخ عبارت است از کار بست پیگیرانه اصل افزایش بهره وری یکایک بنگاه ها نه تنها در سطح داخلی بلکه همچنین در سطح بین المللی بر پایه تکامل روابط کالائی - پولی و پروسه تشکیسل قیمت ، حسابداری مؤثرتر هزینه ها و نتایج تشویق مؤسسات " زرنگ و سود آور " و تنبیه مؤسسات " غیر کارآ و تنبل " . بنابراین ، برای آنکه ادغام اقتصادی کشورهای سوسیالیستی به وسیله ای برای افزایش بهره وری کار و سودآوری بیشتر منجر شود ، باید روابط مستقیم و نزدیکی فیما بین بنگاه های تولیدی کشورهای سوسیالیستی بوجود آید و خود مختاری اقتصادی بنگاه های سوسیالیستی برای تکامل ارتباطات مستقیم فیما بین افزایش یابد . در این مورد ار. گرینبرگ و ام. لیبویسکیچ می گویند : " اشتغال بنگاه ها در امر مطالعه ، انتخاب و کار بست تصمیمات مربوط به ادغام ، به عبارت دیگر تحول آنها (بنگاه ها - مترجم) به عنصر فعال روابط اقتصادی بین المللی ، شرط ضروری ، مطلوب کردن ادغام است . " (۵۶) تکامل ارتباطات مستقیم و افزایش خود مختاری سازمانهای اقتصادی طبعاً مستلزم ارتقاء نقش آنها در تشکیل قیمت ها است . بدین ترتیب قیمت وسیله ای فعال در امر ادغام اقتصادی در سطح " اقتصاد خرد " می گردد ، و مبادلات هر چه بیشتر نسبت به تغییرات عرضه و تقاضا حساس می گردند و قیمت وسیله ای برای ایجاد ساختار تجاری متقابل کشورهای عضو می شود . از این رو قیمت های قراردادی ها می توانند در وهله اول مستقیماد سطح بنگاه های صنایع تبدیلی تعیین شوند قیمت های نسبتاً پایتین . . . به صاد رکند و ضرورت توقف تولید محصول مذکور یا بهبود کیفیت محصول را خاطر نشان می کنند . در عوض ، قیمت های بسیار بالا ، تولید محصولات



نایاب را برمی انگیزد . " (۵۷) و اما هنگامیکه خود واحد های تولید به ما ملین مقدم در تشکیل قیمت های قرارداد ی مبدل می شوند ، " شرایط داخلی تولید و مبادله شان — شناخت هزینه های صادراتی و مطالعات بازاری واردات — بطور اجتناب ناپذیر به عنوان مقوله د رجها ول در تعیین قیمت وارد می شود . " **xalvat.com**

این تحول ، نقش مطلق قیمت جهانی را بعنوان مبنای مبادلات فیما بین کشورهای سوسیالیستی تضعیف می نماید ، اما در عین حال روابط کالائی — پولی را در توسعه مبادلات فیما بین کشورهای سوسیالیستی تقویت می کند . افزایش نقش بنگاه ها بعنوان عامل اصلی در تعیین قیمت های قرارداد ی به معنای انکار نقش حکومت در موضوعات مربوط به سیاست قیمت ها نیست ، اما این امر موجب تقسیم کار نوینی بین بنگاه ها و حکومت مرکزی در روابط تجاری فیما بین کشورهای عضو کو مکن می گردد . تصمیم گیری پیرامون سیاست قیمت ها و جهت گیری های استراتژیک (تنظیم اعتبارات ، نرخ مالیات ، موازین مالی) به عهد ه د ولت خواهد بود ، و اما سایر تصمیمات عمدتاً بوسیله بنگاه ها اخذ خواهد شد .

مکانیزم مذکور ، اگرچه روابط فیما بین کشورهای سوسیالیستی را در مقایسه با روابط این کشورها با بلوک سرمایه داری تقویت می کند ، اما در شرایط فقدان توسعه برنامه ریزی اقتصادی واحد برای کل کشورهای سوسیالیستی لا اقل در یک رشته از شاخه های اصلی استراتژیک صنعتی و کشاورزی ، یک رشته تناقضات را در امر ادغام اقتصاد ی بلوک سوسیالیستی تقویت می کند . د تضاد در میان سایر تضاد های دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است : نخست ، تضاد بین تمرکز و تراکم تولید سوسیالیستی در سطح بین المللی و منافع ملی یکایک د ول سوسیالیستی . بروز این منافع ملی و تضاد م فیما بین آنها بر پایه مکانیزم مذکور که مبادلات تجاری را هر چه بیشتر تابع عرضه و تقاضا و برتری های تکنیکی و میزان سود آوری و د رجها با آوری کار بنگاه های سوسیالیستی در کشورهای جداگانه می نماید ، اجتناب ناپذیر است . د و م آنکه این مکانیزم امر تخصصی شدن تولید را در چارچوب تقسیم کار د ولن بازاری جهانی سوسیالیستی بر پایه تولید و مبادله د بخش های سود آور تر تقویت کرده و نه تنها به گرایش بر اهر کردن رشد اقتصادی کشورهای — سوسیالیستی یاری نمی رساند بلکه به ناموزونی موجود این رشد می افزاید . اگرچه اجلاس ه سال ۱۹۸۴ کو مکن ، کمک های ویژه ای را برای رشد سریع تر اقتصاد ی کوبا ، ویتنام و



مغولستان به تصویب رساند ، اما مکانیزم‌های مذکور با منطق این کمک‌ها سازگار نیستند .

در واقع باید گفت که یکی از موانع اصلی ادغام کشورهای سوسیالیستی ، همانا عدم توسعه برنامه‌ریزی واحد در زمره کشورهای سوسیالیستی در چهارچوب کل کشورهای سوسیالیستی (و نه صرفاً برنامه‌ریزی سوسیالیستی برپایه دولت‌های جداگانه و در محدوده ملی) است . در این امر منافع جداگانه ملی سرسختی ویژه‌ای بروز می‌دهند که اگرچه بر زمینه عینی تسلط نظام سرمایه‌داری در بازار جهانی و وجود روابط کالائی- پولی در کشورهای سوسیالیستی نشو و نما می‌یابند ، اما در همین حال محصول استراتژی تقدیم منافع لحظه‌ای بر منافع درازمدت در ول‌کارگری است که توسط برخی از دول‌کارگری تعقیب می‌شود .

۲) تقویت روبل قابل انتقال به عنوان ارزش جمعی مبادلات فیما بین کشورهای سوسیالیستی و یا تکوین و تقویت عملکرد جهانی پول کشورهای سوسیالیستی : تا سالهای شصت ، پول‌های کشورهای سوسیالیستی کاملاً از روابط اقتصادی بین‌المللی مجزا بودند . ارزش ملی محصولات از ارزش بین‌المللی شان جدا بودند ، و در امر اداره اقتصاد ، کشورهای سوسیالیست از نسبت‌های اقتصادی ارزش‌پاشان نسبت به سایر ارزها استفاده نمی‌کردند . در این دوران پول‌های کشورهای عضو کومکن وظیفه خارجی خود را ایفاء نمی‌نمودند ، به عبارت دیگر این پول‌ها فاقد عملکرد جهانی بودند . این دوران ، دوران صنعتی کردن کشورهای سوسیالیست ، ساختمان پایه مادی و تکنولوژیک سوسیالیزم بود .

در طی سالهای شصت ، کشورهای عضو کومکن بمتصور افزایش مؤثریت تولید یک‌رشته اصلاحات اقتصادی را معمول داشتند ، که از جمله آنها برقراری پیوند همسای خارجی نوین اقتصادی به عنوان عامل رشد اقتصادی و تقویت وابستگی متقابل تولید با تجارت خارجی بود . در این هنگام ، ضرورت تعیین رابطه‌ای عینی فیما بین پول ملی و سایر پول‌ها به منظور محاسبه اشکال متنوع ادغام و تقسیم جهانی کار و تقویت پیوند‌های اقتصادی خارجی مطرح گردید . نیاز به تعریف دقیق مقولاتی که از لحاظ اقتصادی درجه مؤثریت تجارت خارجی را بیان نمایند ، منجر به ایجاد ضرائب پولسی در کشورهای سوسیالیستی شد . این ضرائب ، بر حسب پول داخلی کشورهای



سوسیالیستی ، مقدار هزینه‌های لازم برای دستیابی به یک واحد پول خارجی را بیان می‌کرد .

xalvat.com

در طی چند ساله پیشین ، برخی از کشورهای عضو کومکن برای تکامل عملکرد خارجی پول ، ضریب پولی خود را بر مبنای ضریب اقتصادی ثابتی اصلاح کرده‌اند . فی‌المثل در مجارستان ، از اکتبر ۱۹۸۱ به بعد ، یک نرخ واحد تبدیل فورنیت (*) برای پرداخت‌های تجاری و غیرتجاری تعیین شده است . هدف از این اقدام ، افزایش نقش نسبت‌های پولی در نقشه‌ریزی و مدیریت اقتصاد ، حسابهای متقابل ، بهبود تشکیل قیمت‌ها با در نظر گرفتن مقدار کار اجتماعاً لازم ، نه فقط برپایه شرایط تولید بلکه همچنین برحسب " سود مندی اجتماعی محصول " بوده است . و اما " سود مندی اجتماعی محصول " ، اصطلاحی که بتازگی در ادبیات اقتصادی کشورهای سوسیالیستی رایج شده است ، کدام می‌باشد ؟ این به معنای مقدار درآمد ناشی از صادرات محصول و حجم متقابل وارداتی است که با صدور محصول ممکن می‌شود . به عبارت دیگر تضمین این ضرائب ، ناظر بر عرضه و تقاضای جهانی هر کالا است . افزایش صادرات و واردات کشورهای سوسیالیستی و وابستگی متقابل هرچه بیشتر تولید آنان با تجارت خارجی ، ضرورت برقراری شکلی از قابلیت تبدیل بیشتر پول‌های کشورهای سوسیالیستی به یکدیگر را مطرح نموده است و این امر منجر به افزایش نقش روبل قابل انتقال و قابلیت تبدیل و محاسبه سایر پول‌های کشورهای سوسیالیستی به این ارز جمعی شده است . در حال حاضر ، این جنبه اصلاحات پولی و تکوین عملکرد خارجی پول‌های کشورهای سوسیالیستی برای توسعه ادغام اقتصادی آنان مطلقاً ضروری است .

د و مکانیزم مذکور عمده‌ترین وسائل نوین در امر تحقق نقشه ارتقاء ادغام اقتصادی کشورهای عضو کومکن از تجارت ساده به تولید مشترک می‌باشند .

(*) فورنیت واحد پول مجارستان است .



فصل ششم : صلح و استراتژی سیاست خارجی

xalvat.com

استراتژی سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، از مدتها پیش یعنی تقریباً از کنگره هیجدهم این حزب تاکنون ، اساساً معطوف به برقراری و حفظ مناسبات همزیستی مسالمت آمیز باد ول سرمایه داری بمنظور پیشبرد ساختمان سوسیالیسم و برقراری کمونیزم در محدوده کشور خود است . در واقع نظریه امکان ساختمان کمونیزم در یک یا چند کشور مبتنی بر این باور است که در صورت جلوگیری از خطرات نظامی و تجاوزات امپریالیستی می توان ساختمان کمونیزم را در محدوده یک یا چند کشور بشیوه ای موفقیت آمیز به انجام رساند . در این استراتژی ، پیروزی انقلاب سوسیالیستی در سراسر جهان و یا لا اقل در ریشروتین کشورهای سرمایه داری بعنوان شرط ضروری امکان ساختمان کمونیزم ملحوظ نمی شود و انقلابات عمدتاً به عنوان وسیله ای کمکی و تقویت کننده در راه ساختمان کمونیزم در محدوده کشورهای جداگانه تلقی می گردند . از این رو استراتژی مذکور از نقطه نظر برنامه کمونیستی ، متضمن انحرافی ناسیونالیستی و پاسیفیستی است . این استراتژی در برنامه مصوبه کنگره ۲۷ نیز به قوت خود باقی است .

با این همه مبارزه برای تضمین صلح و همزیستی مسالمت آمیز که مسئله مرکزی سیاست خارجی اتحاد شوروی را تشکیل می دهد ، در چارچوب تنظیم روابط "عادی" قیام بین دول سوسیالیستی باد ول سرمایه داری ، یعنی در محدوده برنامه حد اقل در سیاست خارجی دول سوسیالیستی ، از اهمیت وافری برخوردار است و واقعیت نظام سوسیالیستی را بعنوان نظامی که هیچگونه نفعی در جنگهای غارتگرانه و توسعه طلبانه امپریالیستی ندارد ، و خواهان حد اکثر مکرانیزاسیون و برابری ملل در سطح بین المللی است ، در مقابل انظار جهانیان به نمایش می گذارد . این "برنامه حد اقل" بویژه در شرایط فعلی اوضاع بین المللی حائز اهمیت است و کنگره ۲۷ نیز



بد رستی اهمیت آن را به جهانیان اعلام نموده و تمام تلاش خود را برای تحقق آن بکار گرفته است . مهمترین جنبه این تلاش ، تعرض صلح طلبانه همه جانبه اتحاد شوروی برای افشای ماجراجوئی ها و رقابت های تسلیحاتی نظام امپریالیستی می باشد . برای روشن شدن مطلب ، خوب است در وهله اول این پرسش را در برابر خود قرار دهیم که اوضاع بین المللی در شرایط کنونی از چه قرار است ؟

نظام جهانی سرمایه داری وارد سومین مرحله بحران عمومی خود شده است ، سرمایه داری انحصاری دولتی و نئوکلنیالیزم در چار بحران عمیقی گردیده ، رقابت تجاری فیما بین گروه بندی های امپریالیستی بویژه سه گروه بندی آمریکا ، اروپا و ژاپن افزایش یافته ، ونظامیگری و رقابت های تسلیحاتی امپریالیستی ابعاد غول آسایی یافته است . امپریالیزم آمریکا پشابه سرکرده امپریالیزم جهانی در رأس همه گونه دسته بندی های نظامی و شانناژ های هسته ای قرار دارد و برخی عقب ماندگی های صنعتی و تکنولوژیک خود را در مقابل رقبای اروپائی و ژاپنی ، هرچه بیشتر با توسل به برتری های نظامی و افزودن بر نظامیگری جبران می کند . انحصارات فراملیتی که بازار جهانی سرمایه داری را در انحصار خود گرفته اند ، تولید و مبادله بخش های مهمی از شاخه های صنعتی و کشاورزی را در اختیار گرفته ، بر بخش عظیمی از سرمایه مالی فرمان می رانند و در تقسیم مجدد جهان فیما بین خود ، تشدید رقابت تسلیحاتی و اعمال فشار بر بخش وسیعی از سکنه "جهان سوم" و تنزل سطح زندگی کارگران کشورهای مترویل مستقیماً ذینفع میباشند . اینهمه موجب جنگها و انقلابات بویژه در کشورهای جهان سوم (آمریکای لاتین ، آفریقا و آسیا) یعنی حلقه ضعیف زنجیره امپریالیزم شده ، برنا رضایتی خشم و اعتراض کارگران کشورهای مترویل از وخامت اوضاع افزود و از سوی دیگر ضد انقلاب سرمایه داری را به تعرض وحشیانه و همه جانبه ای بر علیه رشد و تکوین جنبشهای انقلابی و اردوگاه سوسیالیسم واداشته است . بارزترین نمود این تحول در اوضاع بین المللی در سطح مناسبات دول سرمایه داری با دول سوسیالیستی عبارتست از تلاش امپریالیزم جهانی به ویژه امپریالیزم آمریکا و محافل جنگ افروز و انحصارات نظامی - صنعتی آن برای تحمیل دوران "جنگ سرد" بجای همزیستی مسالمت آمیز و "دئانت" (تشنج زدائی) سالهای ۷۰ به اردوگاه سوسیالیسم . امپریالیزم آمریکا در ادامه سیاست نظامیگری خود ، رقابت تسلیحاتی را به فضا کشانده (طرح جنگ ستارگان) ، بر ابعاد تسلیحات هسته ای افزوده و به



عنوان ژاندارم جهانی دست به مداخله نظامی مستقیم در چهار گوشه جهان (نظیر گرانادا و لیبی) می زند. تشدید این رقابت تسلیحاتی از جانب گروه بندی های امپریالیست نه تنها برای برهم زدن توازن قوای موجود نظامی در سطح بین المللی است، بلکه همچنین وسیله ای برای اعمال فشار بر اقتصاد کشورهای سوسیالیستی و تقلیل آهنگ رشد اقتصادی آنهاست. xalvat.com

برخی از هارترین جناح های امپریالیست و فاشیست در آمریکا و اروپا صراحتاً شعار نقض قرارداد های پتسدام و یالتا را پیش کشید ه اند و کارزار جنگ همه جانبه تبلیغاتی علیه ارد وگاه سوسیالیزم و کمونیزم در همه کشورهای سرمایه داری برپا افتاده است.

کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی در چنین شرایطی برگزار میشود. گزارش سیاسی با اعلام این مطلب که "سوسیالیزم قاطعانه با جنگ به عنوان وسیله ای برای حل تضادهای سیاسی و اقتصادی و اختلافات بینشی (ایدئولوژیک) میان دولت ها مخالف است"، (۵۸) ماهیت امپریالیستی تلاش های دولت سرمایه داری برای ایجاد فضای جنگ سرد بادول سوسیالیستی را برملا می کند. گزارش سیاسی چنین ادامه می یابد: "گروه راست گرائی که در ایالات متحده آمریکا و همراهان اصلی آن ناتو به روی کار آمدند، چرخش تندی از تنش زدائی به جانب سیاست قهر نظامی کردند." (۵۹) برپایه این ارزیابی از وضعیت، حزب کمونیست اتحاد شوروی تغییراتی را در سیاست خارجی دولت اتحاد شوروی ضروری تشخیص می دهد. در وهله نخست گزارش سیاسی و برنامه جدید انواع پیشنهادات را برای نابودی سلاح های هسته ای و انواع سلاح های نابودی جمعی و جلوگیری از رقابت تسلیحاتی در فضا ارائه می دهند و برای تحقق آن وسیعترین نیروها را به همکاری فرامی خوانند تا تلاش های هارترین محافظ امپریالیستی و جنگ افروز را برای برهم زدن "د تانست" (تنش زدائی)، سالت دو، همزیستی مسالمت آمیز بین دولت سرمایه داری و سوسیالیستی، نقض قرارداد های هلسینکی یعنی بازگشت به سالهای جنگ سرد پنجاه و شصت، بعنوان گام اول و سپس در صورت موفقیت، بازگشت به فضای قبل از جنگ جهانی دوم از طریق زیر سؤال بردن پیمان یالتا و پتسدام، خنثی سازند. این سیاست را می توان بطور خلاصه، ایجاد جبهه واحدی از نیروهای مخالف



سرکردگی طلبی هارترین محافل امپریالیستی و متدافع مناسبات "عادی" فیما بین د و اردوگاه
 برپایه همان قرارداد های سالهای هفتاد قلمداد کرد. د و آنکه اتحاد شوروی، در روابط
 خود با د ول سرمایه داری د یگرنظیر، سالهای هفتاد توافق با آمریکا را بعنوان گام اصلی و
 مقدمه د رحل و فصل مناقشات بین المللی قلمداد نمیکند و د رموض بر اهمیت مناسبات خود
 با اروپای باختری (به ویژه احزاب سوسیالیست و سوسیال د مکران) و کشورهای جهان سوم
 (به ویژه کشورهای عضو جنبش غیر متعهد ها) و همچنین احیای مناسبات با ژاپن می افزاید.
 د راین زمینه، این اظهارات گزارش سیاسی روشننگرد: "د رسیاست جهانی کسی نمیتواند
 خود را بروابط با تنهای کشور، هراندازه که مهم باشد، محدود نماید. تجربه نشان
 میدهد که این تنها به گستاخی زور د امن میزند. نیا ز به گفتن نیست که ما اهمیت قابل توجهی
 به وضعیت و خصلت روابط میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا میدیم." (۶۰)
 اشاره به د ار د سطح رهبران کشوری با هند وستان، فرانسه، و ایالات متحده (۶۱)
 د ر متن گزارش سیاسی بیانگر اهمیت ویژه ای است که اتحاد شوروی برای تقویت روابط با
 اروپای باختری و کشورهای جهان سوم قائل شده است. سوم آنکه گزارش سیاسی به بهرمان
 نظام نو مستعمراتی، د یون هنگفت کشورهای جهان سوم به بانک های امپریالیستی،
 تشدید ستمگری ملی و اجتماعی د راین کشورها و نیز بروز اختلافات فیما بین
 بورژوازی این کشورها با بورژوازی جهانی توجه ویژه ای مبذول می نماید. گزارش
 سیاسی از جنبش های رهائی بخش ملی پشتیبانی به عمل می آورد و خواهان
 همکاری نزدیک با کشورهای "روبه سوسیالیسم، احزاب د مکرانیک - انقلابی،
 و جنبش غیر متعهد ها" (۶۱) می شود. د راین حوزه، اتحاد جماهیر شوروی، برای
 "د ولت های جوان" نقش ویژه ای قائل می گردد. منظور از "د ولت های جوان" د ولت -
 هایی می باشند که بتازگی از قید سلطه سیاسی امپریالیزم رهائی یافته اند. جلب
 حمایت این د ول از روابط "عادی" و د وستانه با اردوگاه سوسیالیستی یکی از اجزاء
 اصلی استراتژی سیاست خارجی اتحاد شوروی را تشکیل می دهد. چهارم آنکه گزارش
 سیاسی قویا از جنبش های صلح طلبانه توده های د ر کشورهای مترویل حمایت
 به عمل می آورد و وسیعترین نیروهای ضد امپریالیست و صلح طلب را به همکاری علیه
 جنگ افروزی های امپریالیستی دعوت می کند. این سیاست، چنانکه پیشتر اشاره
 کردیم، د ر مورد اختلافات فیما بین احزاب و د ول سوسیالیست نیز تعقیب شده



است و در این میان احزاب سوسیالیست و سوسیال د مکران نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته اند .

xalvat.com

به یک کلام ، استراتژی سیاست خارجی اتحاد شوروی اساساً بر پایه تضمین صلح جهانی از طریق منفرد کردن محافل جنگ افروز امپریالیستی آمریکا و متحدان آن از طریق ایجاد یک جبهه وسیع از نیروهای مخالف رقابت تسلیحاتی و سلاح های هسته ای و مدافع روابط "عادی" فیما بین د وارد و گاه سرمایه داری و سوسیالیستی قرار دارد . پلاتفرم این جبهه د ر طی گزارش سیاسی ارائه شده است . (۶۲) اکنون این سؤال مطرح می شود که نظریه ماد ر قبال این پیشنهاد ات کد ام است ؟

زمانی لنین د ر باره پیشنهاد ات چیچرین کمیسر ملی امور خارجه اتحاد شوروی برای شرکت د ر کنفرانس ژنو اظهار داشت که این پیشنهاد ات عالی و د ر خشان هستند . پیشنهاد ات مذکور اساساً ناظر به مجموعه ای از مطالبات بورژوا د مکرانیک برای د مکرانیزه کردن روابط بین المللی د ول و خلق ها ، و برقراری روابط "عادی" بین د وسیستم مالکیت سرمایه داری و سوسیالیستی بودند که علیرغم خصلت بورژوائی خود ، د ر واقعیت مشخص تاریخی سالهای بیست قرن بیستم با "خود خواهی های ملی و د د منشی الیگارشسی سرمایه داری" (۶۳) تصاد می یافتند . اکنون نیز می توان بی هیچ تردیدی اظهار داشت که پیشنهاد ات حزب کمونیست اتحاد شوروی د ر باره انهدام سلاح های د ستجمعی بطور کلی و سلاح های هسته ای بطور اخص و بدین ترتیب امحای وسائل تدارک مادی یک جنگ هسته ای و تضمین صلح جهانی بی اندازه عالی و د ر خشان هستند و هر آنچه د ر این زمینه اکنون یعنی د ر ده هشتاد لا زم به گفتن و تأکید است ، گفته شده است . این برنامه مبارزه برای صلح جهانی ، خلع سلاح هسته ای و پیشگیری از بسط رقابت تسلیحاتی د ر فضای تواند و باید مبنای تبلیغات و افشاگری پیگیرانه کلیه کمونیست های جهان و تمامی جریانات ترقیخواه و صلحدوست برای خنثی کردن شائناژها و گروگانگیری هسته ای جهان توسط هارترین جناح های امپریالیستی باشد . این یک برنامه حد اقل مبارزه با خود خواهی های ملی و د د منشی الیگارشسی سرمایه داری است و د ر این سطح چهره صاد قانه سوسیالیزم د مبارزه برای پیشگیری از جنگ های امپریالیستی را د ر مقابل افکار عمومی کلیه خلقهای جهان بد نمایش می گذارد . انکار این برنامه حد اقل با چیری بجز ارتجاع و بربریت



معادل نیست، اما این پیشنهادات نمی‌توانند و نباید جایگزین برنامه کمونیستی گردند. و حال آنکه خط مشی پیشنهادی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد فعالیت کمونیستی، مدام مرز این برنامه حداقل را با برنامه کمونیستی مخدوش می‌نماید و اولی را جایگزین دومی می‌کند. در این زمینه، ملاحظات زیرروشنگرند:

(۱) صلح و انقلاب: همانطوریکه پیشتر اشاره نمودم، استراتژی حزب کمونیست اتحاد شوروی برپایه امکان ساختمان کمونیسم در یک کشور قرار دارد و بر این مبنا، مبارزه برای همزیستی مسالمت آمیز و صلح از مبارزه علیه نظام سرمایه داری به طور کلی جدا می‌شود و عمدتاً در محدوده مبارزه علیه "محافل جنگ افروزمپریالیستی" باقی می‌ماند. نتیجتاً برپایه استراتژی مذکور مبارزه علیه امپریالیسم نیز به مبارزه علیه انحصارات فراملیتی و بربریت امپریالیستی تقلیل یافته و متقابلاً هرگونه مخالفت بورژوازی بومی کشورهای جهان سوم با بورژوازی جهانی و یا هرگونه تقابل با امپریالیسم و هرگونه رعایت حسن همجواری و "دوستی" با اتحاد شوروی از جانب دول سرمایه داری به "مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی" آن‌ها تعبیر می‌شود. واضح است که این به معنای جد کردن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی و ضد سرمایه داری و تحت الشعاع قرار دادن مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری به وسیله مبارزه خلق و جنبش‌های پاسیفیستی علیه انحصارات و نظامیگری می‌باشد. بعلاوه چنانکه می‌دانیم امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا، با تشدید نظامیگری تلاش دارد، تا زمینه را برای سرکوب جنبش‌های انقلابی مهیا نماید و از این رو هرگونه مذاکره بیرامون تحدید سلاح‌های هسته‌ای را منوط به عدم حمایت اتحاد شوروی از انقلابات می‌نماید. تجارب متعدد ضد انقلاب سرمایه داری در مقیاس بین‌المللی بخوبی برای این نیرو، این حقیقت را روشن نموده است که تکامل انقلابات با تضعیف جبهه سرمایه و تقویت اردوگاه سوسیالیسم، موقعیت آنان را بطور کلی تضعیف کرده و بر قدرت اردوگاه سوسیالیسم برای پیشگیری از جنگ‌های امپریالیستی و تضمین صلح جهانی می‌افزاید. از این رو آنان پیش شرط هرگونه به اصطلاح "محدودیت" در رقابت تسلیحاتی را کسب امتیازات سیاسی از اردوگاه سوسیالیسم بمنظور منفرد کردن انقلابات کارگری و خلقی قلمداد می‌کنند.

هرگونه تلاش برای برقراری روابط "عادی" با اردوگاه سرمایه داری به بهای



چشم‌پوشی و عدم حمایت از انقلابات کارگری و خلقی از جانب ارد و گاه سوسیالیسم، بمعنای تسهیل شرایط تسلط امپریالیزم جهانی و تضعیف ارد وی کار است. د راینجاست که سکوت بعضا کامل اتحاد شوروی د رمورد برخی انقلابات کارگری و خلقی، و یا حمایت آشکار گاه بگاه از ضد انقلابی ترین حکومتها بهنگام خیزشهای انقلابی توده‌ای لطمه‌ای بزرگ برای حیثیت جنبش بین‌المللی کمونیستی و موقعیت ارد وی کار محسوب میشود. برنامه جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی و گزارش سیاسی با اعلا منظره حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون بررسی جد اگانه مسائل مربوط به تحدید رقابت تسلیحاتی از مسائل مربوط به نهضت‌های انقلابی، پاسخی مناسب د ردّ واگذاری امتیازات سیاسی د رمورد انقلاب به امپریالیزم بین‌المللی از جانب اتحاد شوروی است. با این همه وقتی در ماهنامه "مسائل صلح و سوسیالیسم" مورخ ژانویه ۱۹۸۶ د مقاله‌ای تحت عنوان "زمان بیم و امید، زمان عمل" به مناسبت "سال بین‌المللی صلح" می‌خوانیم که: "در عین حمایت قاطعانه از مبارزات رهاشبخش خلقهای آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، آنها (خانواده سوسیالیستی - مترجم) تأکید می‌کنند که آماد هاند تا فعالانه با تمامی کشورهای ذینفع به منظور بهبود وضعیت و جلوگیری از بروز مراکز نوین تشنج د رایین و سایر مناطق جهان همکاری نمایند. احتیاج به گفتن نیست که احترام به حق هر ملت د رتعیین سرنوشت خود بطور مستقل باید وجود داشته باشد"، (۶۴) این موضوع باردیگر مطرح می‌شود که گویا انقلابات تا آن حد ودی که موجب بهرروز تشنجات و "برهم زدن مذاکرات صلح جهانی" می‌شوند باید مطرود شوند!! و این چیزی بجز آشتی طلبی د ر قبال مواضع سرمایه‌داری جهانی نیست.

ماد قیقا با همین سیاست آشتی طلبی د ر قبال سرمایه‌داری جهانی مخالف هستیم و براین باوریم که سهم خود را د ر "تضمین صلح جهانی" اساسا از طریق مبارزه برای تحقق انقلاب سوسیالیستی (و با همه "تشنجات" فرخنده و باشکوهش) د رکشور خود می‌توانیم ایفاء نمائیم.

۲) تصدیق مجدد استراتژی رفرمیستی و رویزیونیستی احزاب کمونیست د ر کشورهای مترویل و "جهان سوم": انحرافات رویزیونیستی د رمیان احزاب کمونیست کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که با استراتژی جبهه ضد انحصاری برای برقراری به اصطلاح "د مکراسی پیشرفته"، محدود کردن مبارزه طبقاتی به طریق کسب اکثریت



پارلمانی، و تمکین به ناسیونالیسم خرد بورژوائی مشخص می شود، نه تنها در برنامه سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی (۱۹۶۱) تأکید شده بود، بلکه در برنامه جدید نیز مورد حمایت قرار گرفته است. اوروکومونیسم در واقع نتیجه منطقی و فرزند مشروع این استراتژی اپورتونیستی است که با رد آشکار دیکتاتوری پرولتاریا، مبین انحراف سوسیال دموکراتیک این احزاب می باشد.

xalvat.com

این انحرافات رویزیونیستی در میان احزاب کمونیست کشورهای زیرسلطه با استراتژی "راه رشد غیر سرمایه داری"، انقلاب دموکراتیک ملی یا "راه ترقی اجتماعی" به رهبری دموکرات های خرد بورژوا و به اصطلاح "بورژوازی ملی" (یعنی بخشی از طبقه حاکمه بورژوازی بومی) و بعضاً انحلال کامل طبقاتی در میان احزاب بورژوا و خرد بورژوا ناسیونالیست، تفکیک کامل مبارزه طبقاتی و ضد سرمایه داری از مبارزه ضد امپریالیستی و دفاع از نوعی "مارکسیزم" ضد امپریالیستی فاقد محتوای طبقاتی معین، و موعظه درباره تصرف مسالمت آمیز قدرت مشخص می شود. این انحرافات در برنامه نوین نیز بعنوان مواضع "کمونیستی" مورد حمایت قرار گرفته اند. بعلاوه در برنامه کنونی امتیازات فراوانی به "دولت های جوان" داده شده است و تقریباً آنها از هرگونه "بلیه" مبارزه طبقاتی در امان مانده اند چراکه "استقلال سیاسی" خود را از امپریالیزم کسب کرده اند! در این نگرش، پیدایش "حکومت ملی" نه وسیله ای برای تشدید مبارزه طبقاتی و تسریع امر انقلاب سوسیالیستی علیه نظم سرمایه بلکه بمثابة عاملی جهت تخفیف و انحلال مبارزه طبقاتی و فرارسیدن دوران مشارکت در بازسازی جامعه تلقی می شود که در صورت سمگگیری این دولت به اردوگاه سوسیالیزم می تواند زمینه "راه رشد غیر سرمایه داری" آنها را فراهم کند. القای توهّمات بورژوائی درباره ماهیت "دولت های جوان" یکی دیگر از انحرافات اساسی برنامه جدید است.

۳) معرفی کردن احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات بعنوان احزاب

کارگری: تردیدی نیست که استفاده از تضاد بورژوازی "پاسیفیست" (و احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات غالباً از زمره این نوع بورژوازی اند) با بورژوازی "جنگ طلب" در ارتباط با تحمیل مناسبات صلح آمیز در روابط فیما بین دول سوسیالیستی با دول سرمایه داری، سیاستی کاملاً مجاز و ضروری است. اما این



امر کمونیست ها را مجاز نمی سازد که انحطاط امپریالیستی احزاب سوسیالیست و سوسیال د مکرات را مستور دارند و آنها را بعنوان احزاب کارگری معرفی نمایند .

د برنامه ۱۹۶۱ ، د رباره این احزاب چنین اظهار نظر شده بود : " احزاب کمونیست نه تنها د مبارزه برای صلح ، برای شرایط بهتر زندگی برای کارگران و برای حفظ و توسعه حقوق و آزادی های د مکراتیک مایل به همکاری با احزاب سوسیال د مکرات هستند ، بلکه همچنین د مبارزه برای کسب قدرت و ساختمان جامعه سوسیالیستی نیز مایل به همکاری می باشند . " (۶۵) واضح است که هنگامی ، که استراتژی احزاب کمونیست به مبارزه علیه انحصارات و برقراری " د مکرسی پیشرفته " و تصرف مسالمت آمیز قدرت حاکمه از طریق کسب اکثریت پارلمانی محدود شود ، احزاب سوسیال د مکرات نیز تبدیل به احزاب کارگری خواهند شد . زیرا استراتژی مذکور د ارای وحدت های بنیادین فراوانی با استراتژی سوسیال د مکرسی است .

برنامه جدید نیز احزاب سوسیال د مکرات را احزاب کارگری قلمداد می کند و از آنها د زیر عنوان " حزب کمونیست شوروی د ربطن جنبش کارگری و کمونیستی جهانی " یاد می کند . با این همه د گزارش سیاسی به اختلافات ایدئولوژیک فیما بین احزاب کمونیست و سوسیال د مکرات بطور کلی اشاره شده و د زمینه همکاری با آنها عمدتاً به " مبارزه برای صلح و امنیت بین المللی " (۶۶) رجوع شده است . این اصلاح ضمنی برنامه سوم ، مانع از آن نگردیده است که احزاب سوسیال د مکرات به عنوان احزاب کارگری معرفی شوند و انحطاط امپریالیستی این احزاب مسکوت بماند .

محورهای مذکور ، رهوس اصلی انتقاد ما رابه استراتژی سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل می دهند .



فصل هفتم : تغییرات اساسنامه‌ای

xalvat.com

چنانکه در ابتدا ای، مقاله حاضر اظهار داشتیم، کنگره ۲۷ متن نوین اساسنامه را نیز به تصویب رساند. آخرین اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی همراه با برنامه سوم در بیست و دومین کنگره حزب به سال ۱۹۶۱ به تصویب رسید. از آن هنگام تا برگزاری کنگره بیست و هفتم دو اصلاحیه در اساسنامه صورت گرفت. اصلاحیه اول در بیست و سومین کنگره به تاریخ مارس - آوریل ۱۹۶۶ تحت عنوان "تغییرات جزئی در اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی" بعمل آمد و دومین اصلاحیه در بیست و چهارمین کنگره مورخ مارس - آوریل ۱۹۷۱، تحت همان عنوان معمول شد.

مقایسه مقدمه و یکایک مواد اساسنامه جدید با اساسنامه مصوبه ۱۹۶۱ و دو اصلاحیه جزئی وارد بر آن نشان می‌دهد که اساسنامه جدید اگر چه تقریباً در کلیه مواد مورد تجدید نظرهایی از لحاظ نحوه فرمولبندی و طرح مسائل قرار گرفته و مواد تازه‌ای بدان افزوده شده است، اما در مجموع به جز چند نکته تازه، اساساً در برگیرنده تغییراتی جزئی در مقایسه با اساسنامه پیشین می‌باشد. قصد من در اینجا بررسی تمامی این تغییرات نیست، تنها سعی خواهم کرد به برخی از مهمترین اصلاحات اشاره نمایم و سپس درباره منطبق عمومی حاکم بر این تغییرات جمع‌بندی به عمل آورم.

در مقدمه اساسنامه نوین نظیر اساسنامه سال ۱۹۶۱، از تغییر خصایص حزب کمونیست اتحاد شوروی از حزب طبقه کارگر به حزب تمام خلق به دلیل الغای آنتاگونیسم‌های طبقاتی یاد می‌شود و اولین ماده اساسنامه نیز کلیه "شهروندان اتحاد شوروی" را مخاطب قرار می‌دهد. از این رو در این نکته کلیدی هیچگونه تفاوتی فیما بین دو اساسنامه وجود ندارد. و اما تغییرات!

در بند یک فصل اول اساسنامه نوین تحت عنوان "اعضای حزب، وظائف و



حقوقشان " بر رعایت موازین اخلاقی از جانب اعضای حزب تأکید ویژه‌ای بعمل می‌آید و برخی کیفیات اخلاقی نظیر تواضع از اعضا طلبیده می‌شود . (۶۷) ذکر این صفات در اساسنامه نوین ، بنابه اظهار گویاچف ، واکنش حزب کمونیست در مقابل پیشنهادات شهروندان شوروی درباره خصائل ضروری عضو حزب می‌باشد . بعبارت دیگر این تأکید را باید نتیجه تأثیر افکار عمومی شهروندان شوروی بر حزب تلقی کرد .

در ماده چهار همین فصل اساسنامه درباره نحوه عضوگیری از اتحادیه سراسری لنینیستی جناح جوانان کمونیست ، اصلاحی بدین نحو بعمل آمده است :

" جوانان تاسن بیست و پنج سالگی فقط از طریق اتحادیه سراسری لنینیستی جناح جوانان کمونیست می‌توانند به حزب بپیوندند . " (۶۸) در اساسنامه سال ۱۹۶۱ ، این مرز سنی بیست سال بود (۶۹) و مطابق با اصلاحیه سال ۱۹۶۶ ، این مرز به بیست و سه سال ارتقاء یافت (۷۰) و اکنون به بیست و پنج سال رسیده است .

تغییر مذکور بمنظور افزایش نقش اتحادیه جوانان کمونیست صورت گرفته است .

در ماده نوزدهم فصل سوم اساسنامه تحت عنوان " ساختار تشکیلاتی حزب " در تشریح اصل سانترالیسم د مکراتیک ، بند تازه‌ای افزوده شده است ، بدین شرح : " ه) روح جمعی در کار تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های رهبری حزب و مسئولیت فردی هر کمونیست برای اجرای وظائفش و تکالیف حزبی " (۷۱)

بر مبنای این اصلاحیه ، اصل مسئولیت فردی اعضا تقویت یافته و جنبه د مکراسی درونی حزب مورد تأکید قرار گرفته است .

xalvat.com

در ماده ۲۴ همین فصل ، درباره نحوه اخذ رأی در سازمان‌های حزبی باکتر از ۱۵ نفر عضو حزبی ، این تغییر بعمل آمده است : " ارگان‌های حزبی با رأی مخفی انتخاب می‌شوند . انتخاب دبیران ، معاون دبیران سازمان‌های حزبی و گروه سازمانگران حزبی در مجامع پایه ، . . . باکتر از ۱۵ عضو حزبی و گروه‌های حزبی ، با توافق کمونیست‌ها می‌تواند از طریق بلند کردن دست انجام شود . " (۷۲) این تغییر بمنظور تقویت د مکراسی مستقیم در واحدهای کوچک حزبی معمول شده است ، بی‌آنکه اصل د مکراتیک رأی‌گیری مخفی را در کل حزب خدشه دار نماید .

در بند ۲۶ همین فصل که به نحوه سازمان‌دادن مباحثات سراسری حزبی اختصاص دارد ، اصلاحی بدین نحو مرعی شده است : " مباحثه پیرامون موضوعات



مجادله انگیز یانه به اندازه کافی روشن ، می تواند د رچارچوب سازمان های منفرد یا کل حزب انجام شود . مباحثه سراسری حزبی (د رشرایطی — مترجم) برگزار می شود که : الف) بر مبنای ابتکار کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، اگر ایمن امر را ضروری تشخیص دهد که با حزب د رکلیتش حول مسئله خاصی مربوط به مشی مشورت کند ، ب) به پیشنهاد چند بن سازمان حزبی د رسطح جمهوری ، منطقه یا ناحیه . مباحثه گسترده ، بویژه مباحثه د رمقیاس کشوری ، مسائل مربوط به مشی حزب می باید بمنظور تضمین بیان آزادانه دیدگاه های اعضای حزب برگزار شود و از تلاش برای تشکیل گروه بندی های فراقسیونی بمنظور انشعاب د ر احزاب د وری جوید . " (۷۳)

اساسنامه سال ۱۹۶۱ د راین باره چنین اظهار می داشت : " مباحثه بیرامون موضوعات مجادله انگیز یانه به اندازه کافی روشن ، می تواند د رچارچوب سازمان های منفرد یا کل حزب انجام شود . مباحثات عمومی حزبی ضروری اند : الف) اگر چند سازمان حزبی د رسطح ابلاست (*) یا جمهوری آن را ضروری تشخیص دهند ، ب) اگر یک اکثریت به اندازه کافی قوی د ر کمیته مرکزی د ر باره مهمترین مسائل مربوط به مشی حزب وجود نداشته باشد ، ج) اگر کمیته مرکزی ضرورت مشورت با کل حزب را د ر باره مسائل متنوع سیاسی تصدیق نماید . " (۷۴) بدین ترتیب اساسنامه جدید ، بند (ب) ماده اساسنامه ای پیشین را د رمورد شرایط برگزاری مباحثه سراسری حذف کرده است و بدینسان برخلاف د وران خروشچف ، بر یکپارچگی هر چه بیشتر کمیته مرکزی اصرار دارد .

xalvat.com

ماده ۲۷ همین فصل نظیر اساسنامه پیشین مجدداً بر " رهبری جمعی " و مبارزه با " کیش شخصیت " تأکید کرده است و بدین ترتیب د ر مبارزه با عوارض وخیم مشی استالین د ر حیات زنده حزبی مرز بندی نموده است . اما د ر فرمول بندی نوین ، بر " رهبری جمعی " از جنبه تازه ای نیز تأکید بعمل آمده ، که د ر اساسنامه پیشین وجود نداشته . این جنبه تازه عبارتست از اهمیت رهبری جمعی د ر مبارزه علیه " تصمیمات سوژکتیویستی (ذهنی گرایانه) " . این تأکید نوین ، تلاش کنگره ۲۷ را د ر نقض سالهای هفتاد (د وران برژنف) و اعمال اصلاحات جدید منعکس می کند .

(*) ابلاست یکی از واحدهای تقسیم بندی کشوری د ر اتحاد شوروی است که چیزی معادل شهرستان — استان می باشد .



ماده ۲۸ همین فصل نیز در مقایسه با اساسنامه پیشین دچار تجدید نظر شده است. این ماده به گزارش دهی ارگان‌های پائین‌تر به بالاتر و بالعکس اختصاص دارد. نکته تازه در این ماده عبارت است از: اولاً تأکید بر گزارش دهی ارگان‌های بالاتر (از کمیته مرکزی تا ناحیه) درباره اقدامات انجام شده پیرامون رفع انتقادات و پیشنهادات کمونیست‌ها. ثانیاً تأکید بر قاعده تخطی ناپذیر گزارش دهی فوری و عینی کمیته‌های حزبی و سازمان‌های پایه حزبی به ارگان‌های بالاتر درباره فعالیتشان و وضعیت امور در سازمان‌هایشان. (۷۵) این ماده برای تقویت رابطه رهبری با بدنه تشکیلات و بسط دموکراسی درون حزبی در اساسنامه جدید مورد تأکید قرار گرفته است.

xalvat.com

ماده ۳۰ همین فصل، ماده جدیدی است که به اساسنامه پیشین اضافه شده است. این ماده ناظر بر مشارکت دادن هر چه بیشتر کمونیست‌ها در فعالیت‌های ارگان‌های حزبی از طریق کمیسیون‌های موقت و گروه‌های کار برپایه داوطلبانه است. این ماده، به منظور فعال کردن هر چه بیشتر پایه‌ها و اعضای حزبی در امور روزمره فعالیت‌های حزب می‌باشد.

ماده ۳۶ فصل چهارم تحت عنوان "ارگان‌های بالاتر حزبی" به وظائف کمیسیون بازرسی مرکزی (*) می‌پردازد. لازم به تذکر است که ساخت و نحوه تقسیم کار کمیته مرکزی بر طبق دواصلاحیه پس از کنگره ۲۲، دچار تغییرات فراوانی شد و از این رو اساسنامه نوین در این مورد هیچ شباهتی با اساسنامه سال ۱۹۶۱ ندارد. پرزید یوم مطروحه در اساسنامه ۱۹۶۱ مجدداً به دفتر سیاسی تحویل یافت و در وظائف مربوط به دبیرخانه و کمیته کنترل کمیته مرکزی نیز تغییراتی بعمل آمد. اساسنامه نوین نیز همان چهارچوب مصوبه دواصلاحیه فیما بین کنگره‌های ۲۲ و ۲۷ را مفروض قرار داده است. اما آنچه در اینجا مدنظر ماست همانا وظایف کمیسیون بازرسی مرکزی است. در این مورد، ماده ۳۶ چنین اظهار می‌دارد: "کمیسیون بازرسی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نظارت بر اجرای مقررات وضع شده برای حل و فصل امور، کار مربوط به مطالعه نامه‌ها، درخواست‌ها و شکایات زحمتکشان در ارگان‌های مرکزی حزب، صحت مصرف بودجه حزب منجمه پرداخت،

(*) Central Auditing Commission



دریافت و حسابرسی مخارج حزبی ، و نیز فعالیت های اقتصادی و مالی مؤسسات و بنگاههای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی رابه عهده دارد . " (۷۶) دراین ماده به ویژه وظیفه بررسی نامه ها ، درخواست ها و شکایات توسط کمیسیون بازرسی مورد تأکید قرار گرفته است ، تا امروز یکی حزب به عموم شهروند ان شوروی تسهیل شود .

xalvat.com

ماده ۴۲ فصل پنجم تحت عنوان " سازمان های جمهوری ، منطقه ای ، بخشی ، ناحیه ای ، شهری و محلی حزب " بیرامون وظائف این سازمان ها برنکات تازه ای انگشت نهاده است . در بند الف این ماده بطور ویژه به وظائف این سازمان ها در امر " تسریع تکامل اقتصادی — اجتماعی برپایه رشد علمی و تکنولوژیک " اشاره شده است که معرف سمتگیری اساسنامه نوین در امر اجرای سیاست " عمقی کردن تولید " و کاربست انقلاب تکنولوژیک سوم در اقتصاد اتحاد شوروی است . در بند ج این ماده ، بیشتر یعنی در اساسنامه ۱۹۶۱ پس از تأکید بر امر حضور کمونیست ها در شوراهای اتحادیه ها و تعاونی ها و سازمان های جوانان و ضرورت شرکت عموم مردم در اداره امور سیاست نتیجه گیری شده بود که این شرکت " شرط ضروری برای انتقال تدریجی از دولت سوسیالیستی به خود حکومتی کمونیستی عموم مردم " است . (۷۷) حال آنکه در اساسنامه نوین ، نتیجه گیری این طور بیان می شود که این اقدامات " شرط ضروری برای گسترش عمقی تکامل د مکراسی سوسیالیستی است . " (۷۸) بدین ترتیب ماده ۴۲ اساسنامه جدید تأکیدی است بر ضرورت " عمقی کردن تولید " و مبارزه با " ذهنی — گرائی های رایج " در برنامه سوم ، دهه هفتاد و اوائل سالهای هشتاد .

و اما شاید بتوان گفت که یکی از اصلی ترین تغییرات اساسنامه جدید سدد ر مقایسه با اساسنامه پیشین در فصل هفتم اساسنامه جدید منعکس شده باشد که عنوان تازه ای یافته است : " سازمان های حزبی و دولتی و همگانی " . این عنوان در اساسنامه پیشین وجود نداشت و علاوه بر آن اساسا مسئله رابطه سازمان های حزب با سازمان های دولتی در اساسنامه پیشین حتی مطرح نشده بود . ماده ۶ ، اساسنامه نوین به این مسئله بدین نحوی پرداخت : " حزب کمونیست اتحاد شوروی ، که در چهارچوب قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عمل می کند ، بر دولت و سازمان های همگانی اعمال رهبری می کند و فعالیتشان را جهت می دهد و



همه‌ها همگ می سازد . سازمان‌های حزبی ، کمونیست‌هایی که در سازمان‌های دولتی و همگانی کار می‌کنند باید مراقبت بعمل آورند تا این سازمان‌ها بطور کلی قدرت قانونی و حقوق و وظائفشان را اعمال نمایند ، و اینکه بطور گسترده زحمتکشسان را در مدیریت و تصمیم‌گیری پیرامون مسائل سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی درگیرکنند .

سازمان‌های حزبی جانشین حکومت ، اتحادیه ، تعاونی و سایر سازمان‌های همگانی نمی‌شوند ، و اجازه نمی‌دهند که عملکردهای حزب و سایر نهادها قاطبی شود . (۷۹) مبارزه علیه ادغام حزب با دولت ، یکی از اصلی‌ترین نکات نوینی است که اساسنامه جدید بر آن تأکید ویژه بعمل آورده است و آن را به یک وظیفه مستمر حزب بدل نموده است . برآستی اگر قرار بر افزایش خود مختاری واحدهای تولیدی و تقویت روابط کالائی - پولی باشد ، باید از ادغام فزاینده حزب و دولت آن چنان که بویژه در دهه هفتاد معمول شده بود ، جلوگیری بعمل آید و همین موضوع ترجمان خود را در اساسنامه نوین یافته است .

xalvat.com

یکی دیگر از مهمترین تغییرات معمول شده در اساسنامه جدید ، فصل مربوط به "حزب و اتحادیه جوانان کمونیست" است . در اساسنامه جدید ، نقش اتحادیه جوانان کمونیست و حدود اختیارات آن افزایش یافته است . این امر در یک رشته نکات منعکس می‌باشد : (۱) ماده ۳ اساسنامه جدید در تشریح وظائف اتحادیه جوانان کمونیست اعلام می‌دارد که اتحادیه باید جوانان را برای " اداره دولت و امور همگانی " آماده نماید . (۸۰) این نکته در اساسنامه پیشین و اصلاحیه - های مذکور مطرح نشده بود . (۲) ماده ۴ اساسنامه جدید وظیفه سازمان‌های اتحادیه جوانان کمونیست را شرکت فعالانه در اجرای رهنمودهای حزب در امور تولید و زندگی اجتماعی تلقی می‌کند و حق ابتکار وسیع آنها را در مباحثه و طرح مسائل در سازمان‌های حزبی مربوطه و شرکت مستقیم آنها را در حل مسائل بر رسمیت می‌شناسد . حال آنکه در اساسنامه قبلی این حق با اضافه کردن عبارت " مخصوصاً در آنجاهایی که هیچ ارگان پایه‌ای نباشد " (۸۱) ، محدود می‌شد . به عبارت دیگر در اساسنامه جدید تلاش بعمل آمده است تا در مواردی که سازمان‌های پایه حزبی در جوار سازمان‌های اتحادیه جوانان کمونیست وجود دارند ، دومی توسط اولی زیر گرفته نشود . (۳) ماده ۶ اساسنامه جدید اعلام می‌دارد : " اعضای اتحادیه



جوانان کمونیست که به حزب کمونیست اتحاد شوروی پذیرفته شده‌اند، از لحظه‌ای که به حزب می‌پیوندند دیگر به اتحادیه جوانان کمونیست تعلق ندارند، در صورتیکه عضو ارگان‌های انتخابی اتحادیه جوانان کمونیست نباشند و بدنبابه عاملین اتحادیه جوانان کمونیست کار نکنند، " (۸۲)

xalvat.com

در اساسنامه پیشین قید مربوط به "عاملین اتحادیه جوانان کمونیست" وجود نداشت و حال آنکه گنجاندن این قید در ماده ۶ اساسنامه جدید، به معنای تقویت اتحادیه جوانان کمونیست است زیرا استمرار در سازمان عاملین اتحادیه را مورد تأکید قرار می‌دهد. این تغییرات که منجر به ارتقاء نقش اتحادیه می‌شود، در انطباق با تربیت کادرهای آتی به مقتضای انقلاب علمی و فنی نوین و جایگزین کردن هرچه بیشتر نسل نوینی از رهبران به جای نسل کهن یعنی نسل رهبران حزبی متعلق به سالهای پیش از جنگ جهانی دوم و سالهای اوایل بعد از آن است.

اکنون می‌توانیم یک جمع‌بندی عمومی از کل تغییرات اساسنامه‌ای بعمل آوریم. تغییرات مهم‌نوینی که در کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی به تصویب رسید، مستلزم فائق آمدن بر مقاومت بخشی از کادرها و رهبران و پرورش رهبری جدید است. اما روش تاکنونی گورباچف این بوده است که این تغییرات حتی الا مکان بدون اتخاذ سیاست تصفیه از جانب حزب پیش رود، تضادهای درون مرکزیت خصلت انفجاری نیابد و مقابله با مخالفین از طریق برخورد های موردی و تشویق به انطباق با مشی جدید تحکیم یابد. گورباچف در این مورد، در طی کنگره ۲۷ چنین اظهار داشت: "برخی رفقا در پشتیبانی از نظر تنظیم معیارهای بالاتر برای کمونیست‌ها، پیشنهاد انجام تصفیه‌ای برای رهائی حزب از افرادی که رفتار و شیوه زندگیشان در تضاد با معیارها و آرمان‌های ماست را دارند. من فکرمی‌کنم نیاز به حرکت ویژه‌ای برای تصفیه صفوف حزب کمونیست اتحاد شوروی باشد." (۸۳)

اساس این تغییرات در ارتباط با تحول کادرها و اعضاء مطابق با وظایف اقتصادی و تولیدی نوین، نتایج تبعی ناشی از بسط خود مختاری بنگاه‌ها و توسعه روابط کالائی - پولی و نیز فرسودگی سنی رهبران تاکنونی قرار دارد و گسترش د مکرانی حزبی نیز در این محدوده تشویق می‌شود. و اما محدودیت این د مکرانی در کجا منعکس است؟



نخست باید این حقیقت را بخاطر آوریم که هم برنامه و هم اساسنامه با اتکاء به نظریه د ولت تمام خلقی و حزب تمام خلقی، براهمیت تکامل انقلاب جهانی کارگری و ضرورت تحکیم و شرکت هرچه وسیعتر کارگران در رهبری حزب سرپوش می گذارند و از این لحاظ هیچگونه تغییر اساسی در اساسنامه کنونی صورت نگرفته است.

xalvat.com

دوم آنکه فواصل بین کنگره ها که در کنگره بیست و دو، چهار سال تعیین شده بود (۸۴)، در اصلاحیه مسوبه ۹ آوریل ۱۹۷۱ به پنج سال افزایش یافت. (۸۵) این فاصله در اساسنامه جدید نیز به قوت خود باقی است. فواصل طولانی بین کنگره ها که اساساً با مدت زمان تحقق برنامه های د ولتی پنج ساله انطباق دارد، بیش از هر چیز انعکاس تنظیم ضربان حزب با دستگاه اجرایی د ولت است و متوجه تنظیم حزب با وظائف روزمره و حاد سیاسی یک حزب کارگری در قدرت نیست. تضعیف نقش رهبری کننده حزب و مساز کردن آن با ارگان های اجرایی د ولتی و تمایل مداوم به ادغام حزب و د ولت، خود را در تعیین فواصل فیما بین کنگره ها نیز منعکس می کند و تأثیر این امر در حیات روزمره د رین حزب، خود را با خاموشی ظاهری هرگونه مبارزه زنده د رین حزبی و یکپارچگی مصنوعی و بوروکراتیک حزب متجلی می سازد. براستی اگر د رمورد سیاست تصفیه یا عدم تصفیه د ر حزب و یا گنجاندن و عدم گنجاندن مفهوم سوسیالیسم پیشرفته، کاریستن یا عدم کاریستن اصلاحات اقتصادی نوین اختلافاتی وجود داشته (که داشته است)، چرا این اختلافات در هیچ مبارزه زنده ای روشن نشده است. اگر در چنین مواردی مراجعه به مباحثات سراسری ضروری نباشد، پس در چه مواردی این مراجعه قرار است صورت بگیرد؟ از این رو باید گفت یکی از شروط رعایت د مکراسی د رین حزبی، اجرای مؤکد خود اساسنامه است، همچنان که د وره کافی برای مباحثه و حق اقلیت د ربیان عقیده خود در مجامع و مطبوعات حزبی شرط مطلقاً ضروری اجرای د مکراسی حزبی می باشد.

بعلاوه اعمال د مکراسی د رین حزبی بیش از همه نیازمند رابطه زنده، فعال و غیر رسمی کمیته مرکزی و سایر کمیته های محلی با توده اعضاء، بویژه د رشرايط اتخاذ یکشمار نوین یا بسیج نوین و یا بهنگام بررسی نتایج یک بسیج انجام یافته است. د ر این موارد نیز کنفرانس ها و گرد همائی های گوناگون حزبی، همراه با همه پرسی و



رجوع به تشکیلات نقش مهمی ایفاء می کنند . حال آنکه تقریباً د ر طی چند دهه اخیر آنچه از حیات حزب کمونیست اتحاد شوروی د ر سطح افکار عمومی انعکاس یافتـــه است ، اساساً تأکید بر همان مطلبی است که د ر مقدمه اساسنامه نوین نظیر اساسنامه ۱۹۶۱ آمده است ؛ " انسجام مونولیتیک (یکپارچه و واحد) صفوف حزب " ! (۸۶) این امر جوهر محدودیت د مکراسی د رین حزبی اساسنامه نوین را از لحاظ تبیین اشکال فعالیت روزمره حزبی تشکیل می دهد .

xalvat.com

* * * *

بدینسان مصوبه کنگره ۲۶ مبنی بر تهیه طرح برنامه نوین برای حزب کمونیست اتحاد شوروی بوسیله کمیته مرکزی به انجام رسید ، اما نه با روح وصایای کنگره ۲۶ . قطعنامه کنگره ۲۶ د راین زمینه توصیه می کرد که ؛ "به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مأ موریّت می دهد تا د ر برنامه موجود حزب اضافات و اصلاحات ضروری را بعمل آورد ، که د ر مجموع بطور صحیحی قوانین حاکم بر تکامل اجتماعی جهان و اهداف و وظائف اساسی مبارزه حزب و خلق شوروی برای کمونیزم را تعریف کند و طرح نوین برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را برای کنگره آتی حزب آماده نماید . د راین روند ، مهمترین تغییرات د ر زندگی جامعه شوروی و د ر تکامل اجتماعی جهان و وظائف عمده ساختمان کمونیزم باید د ر برنامه به شیوه ای جامع و علمی انعکاس یابد . " (۸۷)

کنگره ۲۷ ، اما چنانکه دیدیم ساختمان کمونیسم را د شوروی کنونی "ذهنی گرائی" نامید و برای کاربست انقلاب علمی و فنی ، عمقی کردن تولید و توسعه روابط کالائی- پولی اعلام آمادگی کرد . تصمیمات کنگره ۲۷ حائز اهمیت کلیدی برای تکامل آتسی جامعه شوروی است و د ر بررسی خطوط تحول ساختمان سوسیالیزم د رجهان معاصر قطعاً ما با ضرورت بررسی چند باره این تصمیمات مواجه خواهیم شد . آنچه د راین مختصر آمد ، تنها بر اصلی ترین جوانب این تصمیمات روشنائی می افکند و البته نمی توان حتی د راین محدوده نیز نوشته حاضر را جز مقدّمه ای برای یک بررسی همه جانبه تلقی کرد .

بعلاوه نکات مهمی از قبیل تغییرات د رکشاورزی ، خانواده ، موقعیت زنان ، زیبایی- شناسی و هنر ، مسئله بکارگیری اخلاق د راساسنامه و غیره اساساً مورد بررسی قرار



نگرفته اند که واضحا به بررسی جد اگانه نیا زمند می باشند .

xalvat.com

بابا علی

۱۲ تیر ۱۳۵۶